وزارت معارف

تاریخ

صنف ۱۰



۱۳۹۸ هـ . ش



سرود ملی

دا وطن افغانستـــان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولـو کور دی
د پښتـون او هـزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هیـــواد به تل ځلیږي
په سینـه کې د آسیـا به
نوم د حق مـو دی رهبـر

دا عـزت د هـر افغان دی
هر بچی یې قهرمـــان دی
د بـلـوڅـــو د ازبکـــو
د تـرکمنـــو د تـاجکـــو
پامیـریـان، نورسـتانیـان
هـم ایمـاق، هم پشه یان
لکه لمر پر شـنه آسـمان
لکـه زړه وي جـاویـــدان
وایـو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم



وزارت معارف

تاریخ

صنف دهم

۱۳۹۸
ه.ش

مشخصات کتاب

مضمون: تاریخ

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تاریخ نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: دهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ - که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهۀ سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه‌یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست

تاریخ صنف دهم

عناوین...صفحه

فصل اول
آریایی‌ها

این فصل مشتمل بر مطالب ذیل است:

- آریایی‌ها در افغانستان؛
- مدنیت ویدی؛
- مدنیت اوستایی؛
- تاریخ اساطیری افغانستان؛
- هخامنشیان، یونانیان و موریاییان.

اهداف فصل

انتظار می‌رود تا شاگردان در پایان این فصل به اهداف ذیل نایل آیند:

- در مورد تمدن آریایی‌ها، مدنیت ویدی و اوستایی معلومات حاصل نمایند؛
- تاریخ اساطیری افغانستان را بدانند؛
- به ارتباط هخامنشی‌ها، یونانی‌ها، و موریایی‌ها معلومات حاصل کنند؛
- مدنیت‌های ویدی و اوستایی را باهم مقایسه کرده بتوانند؛
- اوضاع افغانستان را در زمان هخامشی‌ها، یونانی‌ها و موریایی‌ها تحلیل و باهم مقایسه کرده بتوانند؛
- به تاریخ کشور علاقه‌مندی پیدا نمایند.

تمدن آریانا

در این درس پیرامون چگونه گی زنده گی آریایی‌ها در افغانستان معلومات حاصل خواهید کرد.

آریانای کهن(افغانستان امروز) از دو تا سه هزار سال قبل از میلاد دارای زراعت و آبیاری پیشرفته و شهر توانگر و پرنفوس بود. در طی هزار سال اول قبل از میلاد صنایع دستی، مسکوکات، طب، نجوم، نساجی و فلزکاری رواج داشت و جایگاه پنجم کانون‌های تمدن جهانی را به خود اختصاص داده بود.

مردمانی که نزدیک به ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد در افغانستان قدیم مسکون شده بودند. این قبایل خود را آرین‌می‌نامیدند که معنای اصیل و نجیب را افاده می کند. در رابطه به محل اقامت نخستین ایشان اطلاعات دقیق به دست نیامده، ولی این ثابت شده است که آریاییان از طرف شمال افغانستان (آمو دریا و سیر دریا) وارد شمال افغانستان به خصوص بلخ شده و در آنجا نخستین مدنیت عصر آریایی را اساس گذاشته اند و وطن خود را آریانا نام نهادند.

سروده‌های ویدی یکی از مهمترین منابع و مآخذ دررابطه به شناخت آریایی‌ها می‌باشد. در سروده‌های ویدی معلومات زیادی راجع به قبایل آریایی موجود است. آریایی‌ها محل اقامت خویش را (آریانا ویجه) یا (آریاناورشو) می‌نامیدند. در سروده‌های ویدی از قبیلهٔ به نام الینا تذکر به عمل آمده است که ساکنان الینگار کنو نی بوده اند.ساکنان بولان را به نام بهالانه یاد کرده اند.



جریان کوچ کشی آریایی‌ها

در سرودهای ویدی از مناطق تحت حاکمیت آریایی‌ها نیز تذکر به عمل آمده که قسمت زیادی از این مناطق طبق ارزیابی جغرافیه دانان تاریخی در افغانستان کنونی تشخیص و شناسایی شده است. به عنوان نمونه از هریوا (هرات) هراوتی (دهراوت) بلهیکه (بلخ) می‌توان نام برد.

افزون بر نام‌های مناطق در ریگویدا از دریاها و کوها نیز نام برده شده؛ بطور مثال منجوان نام کوهی است که در میان نورستان و بدخشان کنونی موقعیت دارد.

آریایی‌ها قبل از آمدن به بلخ زنده‌گی کوچی‌گری داشتند و بربنیاد تحقیقاتی که در سال ۱۹۳۹م. در تالی برزو سمرقند، صورت پذیرفته، تصویر یکی از شاهان آریایی که به روی ظرف گلی نقش شده بوده به دست آمده که به باور دانشمندان این تصویر مربوط به (کیومرث) شاه قدیم آریایی‌ها می‌باشد. در سرودهای ویدی حاکم مشهور کوچی‌ها به نام کیومرث یاد شده است. ذکر کلمهٔ پادشاه در سروده‌های ویدی به اثبات می‌رساند که آریاییان در زمان زنده‌گی بادیه‌نشینی خویش دارای نظام شاهی بوده اند.

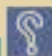
زیادت نفوس آریایی‌ها در بلخ و اطراف آن موجب شد تا آن‌ها به صورت دسته جمعی به سمت جنوب، جنوب شرق و غرب شروع به مهاجرت نمایند. آریایی‌ها بعد از مسکون شدن در فارس تمدنی را بنیاد نمودند که به تمدن فارس معروف شد و در بحث تمدن‌ها از آن یاد آوری می‌شود.

یک شاخهٔ آریایی‌ها به طرف غرب مهاجرت نمودند که ابتدا به ایران و بعد به ترکیه و سرانجام تا به کشورهای اروپایی رسیدند، دستهٔ دیگری به جنوب شرق حرکت نمودند، به هند شمالی و بعد به مناطق مرکزی هندقدیم رسیدند. آن عده از آریاییان که در دو طرف هندوکش مقیم ماندند به ترتیب دو تمدن (ویدی و اوستایی) را یکی بعد دیگری در افغانستان قدیم اساس گذاشتند که تفصیل آن را در درس‌های آینده خواهید خواند.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو دسته تقسیم شوند، دستهٔ اول راجع به اقامت آریایی‌ها دربلخ و دستهٔ دومی راجع به هجرت اخیر آن‌ها، به وسیلهٔ نمایندهٔ خود به یکدیگر معلومات ارائه دارند.



سؤالات

۱- آریایی‌ها چه وقت به افغانستان آمدند؟ باهم بحث نموده.

۲-آریایی‌ها از بلخ به کدام جهات مهاجرت کردند؟



فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به آریاییان معلومات جمع آوری نموده و آن را در صنف به دیگر هم‌صنفان خویش ارائه نمایند.

درس دوم

مدنیت ویدی

در این درس راجع به چگونه گی وضع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عصر ویدی آشنا می‌شوید.

قدیمترین مدنیت آریایی در افغانستان به نام ویدی یاد می گردد، کلمۀ ویدی از وید گرفته شده که مفهوم علم و دانش را افاده می کند. این مدنیت به خاطری به این نام (ویدی) مسمی شده که معلومات آن از چهارکتاب ویدی (ریگویدا، اتهرو ویدا، ساماویدا و ویجور ویدا) به دست آمده است. آغاز سروده‌ها به (۲۰۰۰) سال قبل از میلاد می‌رسند که بصورت شفاهی از یک نسل به نسلی دیگر منتقل شده و شش قرن قبل از میلاد به زبان سانسکریت به رشتۀ تحریر درآمده است.

آریایی‌های عصر ویدی شهر بُخدی قدیم را به عنوان پایتخت و نخستین مرکز اداری خویش تعیین نمودند و در کنار زنده گی کوچی نشینی به زراعت و باغداری دست به کار شدند، برای امرار معیشت، خانه‌های فراخ ساختند و به ایجاد شهرها نیز موفق شدند. برای حفاظت از شهر در اطراف آن دیوارهای عریض و برج‌های بلند احداث نمودند که آثار و علایم آن تا هنوز باقی مانده است.


تصویر از بالاحصار شهر قدیم بلخ (بخدی)

مردمان عصر ویدی احتیاجات اولیۀ خویش را از راه زراعت و مالداری مرفوع می‌ساختند، حیوانات را اهلی کرده بودند. برعلاوه استفاده از گوشت و شیر، از پوست حیوانات نیز برای خویش لباس گرم و پاپوش می‌ساختند، تبادلۀ حیوانات به جای سکه اساس مبادلات داد و ستد بود که آنرا پیسو می گفتند ومعاملات جنس به جنس صورت می گرفت.

در عرصۀ زراعت به پیشرفت‌های نایل شده بودند، اقسام غله‌ها و حبوبات را می‌شناختند و زرع می‌نمودند که در سروده‌های ویدی به صراحت از آن یادآوری شده است. ساختن ظرف‌های گلی مرسوم بود و زیورات نیز ساخته می‌شد و از آن در جشن و میله‌ها استفاده صورت می گرفت.

سهم زنان در عصر ویدی مشخص بود، یک تعداد از زنان شوهران شان را بیرون از خانه

همکاری می‌کردند و تعداد شان امور منزل را برعهده داشتند. افزون بر آن یک تعداد زنان؛ همچون دانشمندان (ریشی‌ها) به امور اجتماعی اشتغال داشتند و شعر می‌سرودند؛ طوری معلوم می‌شود که سرودن و به خاطر سپردن سروده‌های ویدی از نظر زمانی بسیار پیش آغاز شده است؛ اما قدیمی‌ترین حادثهٔ یاد شده در سروده‌های ویدی به ۱۸۰۰ق م می‌رسد که آغاز آشکار مدنیت ویدی محسوب می‌شود. مدنیت ویدی به طور ناگسستنی از ۱۲۰۰- ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد دوام داشت.

بیشتر بدانید

نمونهٔ از فرهنگ عصر ویدی

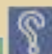
داماد دست عروس خود را می‌گرفت و سه مرتبه عروس را به دور خانه خود چرخ می‌داد و این سرود را می‌خواند «من دست شما را به شگون نیک می‌گیرم تا شما با من تا پیری زنده و خوش باشید.»

وقتی‌که عروس به خانهٔ داماد می‌رسید، داماد او را به خواندن اشعار ذیل استقبال می‌کرد. «درینجا خوشی نصیب شما باد، خانه تان از مال و دولت و اولاد پر شود ای عروس مقبول! تو این خانه را نگهدار و با صاحب خود باش تا به پیری، این خانه از تو باشد حال تو در اینجا زنده‌گی کن و از اینجا هرگز جدا مشو! تو صاحب عمر زیاد، نواسه و کواسه‌های زیاد باشی، تو هم درینجا خوشحال زنده‌گی کنی ای بانوی این خانه!»



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به زراعت و گروه دوم راجع به احوال زنان و سهم شان در عصر مدنیت ویدی باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱-کلمهٔ ویدی چه معنی دارد ؟

۲- در مدنیت ویدی کدام شهر منحیث مرکز انتخاب شد؟

۳- مدنیت ویدی از نظر زمانی به کدام سال‌ها ارتباط می‌گیرد؟

مدنیت اوستایی

در این درس راجع به میان آمدن مدنیت اوستایی در بلخ (بخدی) معلومات حاصل خواهید کرد.

حدود هزار سال قبل از میلاد مدنیت اوستایی در بلخ یا بخدی قدیم پی ریزی شد. این مدنیت به خاطری به نام اوستایی یاد می‌گیرد که معلومات زیادی در خصوص این مدنیت در کتاب مذهبی که اوستا نام دارد و به‌دست مؤرخان رسیده است، وجود داشت.

اوستا مجموعه‌یی از نصایحی است که توسط زردشت یا سپین تمان نوشته شده و درضمن یگانه منبع مهم معلوماتی است که مدنیت‌های اولی آریایی‌ها و تاریخ این منطقه به خصوص افغانستان قدیم را روشن می‌سازد . کتاب اوستا بعد از مرگ سپین تمان یا زردشت جمع آوری و به نام اوستا انتشار یافت. تعداد زیادی از دانشمندان اوستا را به معنای قانون و هدایت تعریف کردند. نخستین متن اوستایی در (۱۲۰۰۰) پوست حیوان نوشته شده بود که در زمان حملات سکندر قسمتی زیاد آن سوختانده شد. بعد از حملات سکندر، پیروان آیین زردشتی بار دیگر بقایای کتاب اوستا را جمع آوری نموده و در پنج بخش آن را به رشتهٔ تحریر در آوردند که به نام یسنا، ویسپرد، وندیداد، یشت و خرده اوستا یاد می‌شود.

گفته می‌شود که زردشت درسال ۶۶۰ قبل از میلاد در بلخ به دنیا آمد و به سن ۲۰ ساله‌گی منزوی گشت تا این‌که در عمر ۴۲ ساله‌گی رهبر آیین خودگردید. بعد از آن نصایح خویش را آغاز کرد و گشتاسپ پادشاه را به آیین خود دعوت نمود. گشتاسپ دعوت وی را پذیرفت و به دین زردشتی گرایید.

زردشت در آیین خویش آهورامزدا را خدای نیکویی و اهریمن را خدای بدی‌ها یا شر دانسته و مجادله میان آن‌ها را نیز همیشه‌گی و غیر قابل انقطاع می‌دانست. به پیروان خویش توصیه می‌کرد با آهورامزدا باشید تا از شر اهریمن در امان شوید. از بیانات مشهور وی پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است.

از نظر ژوزف هاکن، تصاویری که در منطقهٔ باستانی (دختر نوشیروان) بلخ به روی سنگ و کوه‌پارها حک شده، بقایای آثار و نقاشی عصر زردشتی هویدا است.

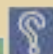
آریایی‌ها در عصر اوستا رسوم و عاداتی داشتند که تا هنوز هم در میان یک تعداد اقوام و قبایل معمول است به طور مثال از نیزه بازی، اسپ دوانی، جشن سال نو، اتن، ترانهٔ روزهای میله، موسیقی و غیره می‌توان یاد کرد.

اوستا یک تعداد سلسله‌های سیاسی را معرفی می‌دارد که در تاریخ به نام تاریخ اساطیری شهرت یافته که در درس‌های بعدی به تفصیل آن خواهیم پرداخت.



فعالیت داخل صنف

شاگردن به دو دسته تقسیم شوند. دستهٔ اول راجع به اوستا و دسته دوم در مورد تحقییقات ژوزف هاکن معلومات خویش را به وسیلهٔ نماینده‌های گروه خود، به دیگر هم صنفان شان بیان دارند.



سؤالات

۱. اوستا، یعنی چه؟ توضیح دهید.
۲. راجع به زردشت چه می‌دانید؟



فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در مورد زردشت با استفاده از منابع مطالبی را تهیه و در صنف قرائت کنند.

تاریخ اساطیری افغانستان

سلسلهٔ اول: حکمرانی پیشدادیان

در این درس راجع به اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی وسیاسی حاکمیت پیشدادیان و چگونه‌گی پایان یافتن این سلسله معلومات حاصل می‌نمایید.

بر اساس نوشته‌های متون اوستایی و یک تعداد شاهنامه‌ها، سه دوره بسیار مهم تاریخ افغانستان قدیم شناسایی شده است. این دوره‌ها به نام‌های پیشدادیان، کیانی‌ها و اسپه یاد گردیده است که از اولین حاکمیت سیاسی مدنیت‌های قدیم افغانستان به شمار می‌روند.

نخستین حاکمیت سیاسی کشورما در کتاب اوستا به نام پیشدادیان یاد شده است، اولین حاکم این خانواده کیومرث‌شاه نامیده می‌شد. ابوریحان البیرونی در نوشته‌های خویش کیومرث را به نام هوشنگ یاد کرده است. وی اولین حاکم آریایی بود که اساس حاکمیت سیاسی بلخ را گذاشت. بعد از کیومرث، پسر وی تهمورث به قدرت رسید در زمانی پادشاهی موصوف وزیرمدبر و لایق شیداسپ در امور دولتی سهم فعال داشت. وی علاوه برخدمات دولتی، نحوهٔ ساختن لباس و ریستن پشم را نیز به مردم می‌آموخت.

یکی از شاهان معروف سلسله پیشدادیان یما یا جمشید نامیده می‌شد که بعد از تهمورث به قدرت رسید، یما اولین پادشاهی بود که اساس شهر را در بلخ گذاشت، یما هدایت ساختن شهر را از آهورامزدا دریافت کرد، یما پادشاه، شهری ساخت که طول و عرض آن به اندازهٔ یک میدان اسپ دوانی بود. حوض‌های آب، میدان اسپ دوانی و مناطق مناسب برای قریه‌ها و خانه‌ها تهیه کرد، در کنار آن یک باغ وحش که یک یک جوره از حیوانات وحشی در آن نگهداری می‌شد نیز ساخت.

در زمان حاکمیت یما به مردم توجه زیاد صورت می‌گرفت، نعمات زیادی وجود داشت و مردم در رفاه و آرامش به سر می‌بردند. زمانی که ضحاک بر یما پیروز گردید؛ مردم به مشکلات مواجه شد، ضحاک به زور و جبر پادشاهی خود را پیش می‌برد که از اثر آن مردم بسیار آزار و اذیت شدند تا سرانجام کاوهٔ آهنگر چرم، روی پاهای خود را منحیث بیرق بلند نمود و مردم را در مقابل ضحاک به قیام دعوت نمود که در تاریخ به نام درفش کاویانی شهرت یافت. فریدون نیز حاضر به پذیرش قربانی صد اسپ و یکهزار گاوشد و در مقابل ضحاک قیام کرد، در نتیجه، فریدون پیروز شد و ضحاک را از بین برد.

فریدون قلمرو تحت حاکمیت خویش را بین پسرانش ایرج، تور و سلم تقسیم کرد. تور و سلم برادرخود، ایرج را کشتند و پادشاهی او را از خود کردند بعد از آنکه پسر

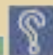
ایرج منوچهر بزرگ شد انتقام پدر خویش را از کاکاهایش گرفت و آن‌ها را کشت و خود بر اریکهٔ قدرت نشست. در زمان زمامداری منوچهر یک تعداد پهلوانان نامور، نقش بسیار مهمی در حکومت داشتند؛ طور مثال رستم و سهراب، نریمان و تعدادی از پهلوانان دیگر که در مقابل تورانیان ازحاکمیت خویش دفاع کردند.

بعداز فریدون پسر وی نوذر به قدرت رسید. در زمان زمامداری وی، افراسیاب تورانی بعد از سه جنگ موفق شد تا نیروهای نوذر را شکست دهد و برای مدتی بلخ را تحت تصرف خویش در آورد. بعد از نوذر اوزوه به قدرت رسید. وی مرد عاقل و هوشیار بود بعد از جنگ‌های زیادی با تورانیان، دریای آمو، سرحد میان قلمرو او و تورانیان گردید. آخرین حاکم سلسلهٔ پیشدادیان کرشاسپ بود که بعد از مدت ۹ سال زمامداری به دست افراسیاب شکست خورد، به این ترتیب زمامداری پیشدادیان پایان یافت.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند گروه او ل راجع به حاکمان سلسلهٔ پیشدادیان و گروه دوم در مورد ایجاد شهر بلخ باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- مؤسس سلسلهٔ پیشدادیان کی بود؟ نام بگیرید.
۲- شهر بلخ از طرف کدام پادشاه بنایافت ؟معلومات دهید.
۳- ضحاک کی بود؟ معلومات خویش را بیان کنید.



فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در مورد شهر بلخ (بخدی یا بلهیکه) مقاله‌یی ترتیب و در صنف ارائه نمایند.

تاریخ اساطیری افغانستان

سلسلهٔ دوم: کیانیان

در این درس درمورد حاکمیت کیانیان، وضع اجتماعی، سیاسی و چگونه گی پایان یافتن زمامداری این سلسله آشنا خواهید شد.

سلسلهٔ دوم تاریخ اساطیری افغانستان به نام کیانیان یاد شده است. کاو در متون ویدی و اوستایی به معنای دانا، بزرگ و امیر اطلاق شده، این خانواده به خاطری کاوی یا کیانی گفته می‌شود که پیشوند (کی) با نام تمامی شاهان (حاکمان) این سلسله پیوند دارد. نخستین زمامدار خاندان کیانی، کیقباد نام داشت که بنابر خواست پدر رستم پهلوان بر تخت کوه البرز در حوالی بلخ نشست و زمامداری وی ۱۵ سال دوام یافت.

بعد از کیقباد پسر وی کیکاوس به تخت بلخ نشست. کیکاوس با کسانی که با فرهنگ و مدنیت آریایی مخالفت می‌ورزیدند جنگ‌هایی به راه انداخت. این دسته جنگجویان که در جنگل‌ها مازندران می‌زیستند و در متون اوستایی از آن به نام دیوها ذکرشده، از طرف کیکاوس در هم شکست و تمدن آریایی را از حملات وسقوط نجات داد. در اوستا آمده است که کیکاوس به خاطری که از همه مقتدرتر باشد، صد رأس اسپ، یک هزار گاو و ده هزار گوسفند را برای رب النوع اناهیتا قربانی کرد. از متون اوستایی بر می‌آید که کیکاوس در اطراف کوه ارزیفیه هفت قلعهٔ بزرگ آباد کرد و به کشورهای بزرگی حکم میراند. کیکاوس وزیر عاقل، هوشیار و دانا به نام پوره جیره یا اوشنر داشت که در زبان پشتوی معاصر به معنای پوره ځیر (چالاک) استعمال می‌شود.

کیکاوس در اواخر دوره زمامداری خویش یک سلسله اشتباهاتی را مرتکب شد که سبب از دست دادن حاکمیت وی گردید. وزیر خود را که قبلا از آن یاد آوری شد کشت، موصوف دعوای رفتن به آسمان‌ها نمود و محافظان سرحدی را برطرف کرد که در نتیجه افراسیاب تورانی مناطق تحت تصرف کیکاوس را به اشغال خود در آورد و به زمامداری وی نقطه پایان گذاشت؛ ولی رستم پهلوان از سیستان قیام کرد و گلیم افراسیاب را برچپید.

بعد از کیکاوس سیاوش صاحب تاج وتخت بلخ شد. سیاوش در متون اوستایی به نام سیاورشن ذکر شده، وی یکی از حکمرانان دلیر وشجاع بلخ بود. سیاوش در ناحیهٔ آریانا ویجه قلعه‌یی بزرگی بنا نهاد که در متون اوستایی از آن به نام دژکنگ یادشده است. وی بافرنگیس دختر افراسیاب پادشاه تورانی‌ها ازدواج کرد و پسری از آن‌ها به دنیا آمد که کیخسرو نام داشت. سیاوش در جنگ رویارویی با تورانی‌ها کشته شد و بعد از آن پسرش کیخسرو حکمران بلخ شد. وی به هدف انتقام پدرش جنگ‌های را با تورانی‌ها به راه انداخت

تا آنکه افراسیاب زمامدار تورانی‌ها و برادر وی را با زنجیر بست و بعد به قتل رساند. در متون اوستایی آمده است که کیخسرو مناطق مختلف کیانیان را به هم پیوند داد و از اختیار و قدرت امپراتوری برخوردار شد. به همین ملحوظ است که از وی به عنوان کشورگشا در اوستا تذکر به عمل آمده است. بعد از کیخسرو سلسله حاکمیت کیاینان به پایان رسید و حکمرانان خاندان سوم که به نام اسپه یاد می‌شود به قدرت رسیدند.

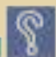


تخت رستم در ولایت سمنگان



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو دسته تقسیم شوند، دسته اول معنای نام کیانیان و زمامداران مشهور این سلسله را نام گرفته و دستهٔ دوم راجع به کیکاوس معلومات خویش را به شاگردان تقدیم نمایند



سؤالات

۱- نخستین زمامدار کیانی‌ها چه نام داشت؟
۲- سیاوش کی بود ؟ معلومات دهید.
۳- آخرین حکمران کیانیان کی بود؟



فعالیت بیرون از صنف

شاگردان از بزرگان محل شان یک داستان را نقل نموده و در صنف ارائه نمایند.

تاریخ اساطیری افغانستان

سلسله سوم: اسپه

در این درس پیرامون چگونه‌گی اوضاع اجتماعی و سیاسی خانوادهٔ اسپه معلومات حاصل می‌نمایید.

بعد از خانوادهٔ کیانی سلسلهٔ دیگری به قدرت رسید که به نام اسپه (خانوادهٔ اسپه) شهرت یافته است از این‌که در اخیر نام هریک از حکمرانان این سلسله پسوند «اسپه» آمده، بنابراین در متون تاریخی به نام خانوادهٔ اسپه مشهور شده است . بر اساس روایات تاریخی اولین پادشاه این سلسله لهراسپ نامیده می‌شد. لهراسپ بر تمام بخش‌های قلمرو حاکمیت کیانی‌ها

حاکم بود. به باور عده یی از محققان لهراسپ در جنگ با تورانیان به قتل رسید، وی یک شخص عادل و دارای شخصیت عالی بود و در قلمرو تحت حاکمیت خویش دست به عمرانات وسیع زد، آیین زردشتی را پذیرفته و درراه گسترش آن زحمات زیادی را متحمل شد. از وی دو پسر باقی ماند که یکی ویشت اسپه و دومی زری وری نام داشت.

ویشت اسپه یا گشتاسپ بعد از مرگ پدرش حاکم بُخدی شد و به خاطر همکاری با زردشت شهرت خاص یافت و هم جهت گسترش آیین زردشتی متحمل زحمات زیادی شد. زردشت از گشتاسپ تقاضا کرد که هوتاوسا همسر خودرا نیز به آیین خود دعوت کند تا آیین زردشت به نواحی دور دست وسعت یابد . بنابر حکم گشتاسپ تمامی گفتارهای زردشت (اوستا) در ۱۲ هزار پوست گاو تحریر شد. در زمان حاکمیت گشتاسپ جنگ‌های زیادی با تورانیان صورت گرفت بعد از گشتاسپ پسران وی به قدرت رسیدند. با وجود این‌که معلومات زیادی راجع به زمامداری زری وری وجود ندارد؛ اما راجع به پهلوانی وی که در سیستان می‌زیست روایات تاریخی زیادی گفته شده است؛ اما راجع به حاکمیت پسر گشتاسپ که (سپینتوداتا) یا اسفندیار نام داشت معلومات زیادی موجود

است، گفته می‌شود اسفندیار پادشاه دلیر و هوشیار بود موصوف بر معبد (آتشکده) بلخ، نیزه را ایستاده گذاشت که معنای آن دفاع دلیرانه از مناطق خود و مانع شدن بیگانه‌گان بود. این مطلب را طی مکاتیب رسمی به اطلاع تمام همسایه‌گان خویش رسانید. وی

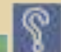

بقایای معبد آتشکدهٔ نوبهار بلخ

در مناطق خویش کارهای عمرانی زیادی را به انجام رسانید. برای آیین زردشتی خدمات چشمگیری کرد و آن را در تمام نواحی تحت تصرف خویش گسترش داد با مرگ اسفندیار حاکمیت خاندان اسپه به پایان رسید.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند: گروه اول راجع به خانوادهٔ اسپه گروه دوم در رابطه به لهراسپ و گروه سوم راجع به گشتاسپ معلومات خود را به دیگران شریک سازند.



سؤالات

۱. خاندان اسپه چرا به این نام مسمی شده اند؟
۲. نخستین حکمران خانوادهٔ اسپه چه نام داشت ؟ راجع به آن معلومات دهید .
۳. آخرین زمامدار خانوادهٔ اسپه کی بود؟



فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به معابد (آتشکده‌ها) باستانی با استفاده از رسانه‌های صوتی، تصویری و چاپی مختلف، معلومات جدید جمع آوری نموده و در صنف به دیگران تشریح نمایند.

افغانستان قدیم و هخامنشی‌ها

دراین درس پیرامون چگونه گی روابط افغانستان و هخامنشی‌ها و سقوط آن‌ها توسط یونانیان معرفت حاصل مینمایید.

تا قرن ششم قبل از میلاد حکمرانان اوستایی بر قسمت‌های زیادی آریانا حاکمیت داشتند، در آغاز همین قرن در ماورای مرزهای غربی افغانستان حکمرانی هخامنشی‌ها تأسیس شد. هخامنشی‌ها علاوه بر مربوطات فارس، مناطق شرقی و غربی خارج از مرزهای امپراتوری خویش را نیز به تصرف درآوردند و دامنهٔ یک امپراتوری بزرگ را بر فارس قدیم و نواحی آن گسترش دادند.

هخامنشی‌ها در پی برقراری حاکمیت خود بر مربوطات فارس، به فکر توسعه طلبی و گسترش دامنهٔ حکمرانی خود شدند. در زمان حکمرانی کوروش هخامنشی در شرق و غرب دست درازی‌های کردند. این در حالی است که یک دولت واحد مرکزی در افغانستان آن زمان وجود نداشت و در هر گوشهٔ افغانستان حکومت‌های محلی و ملوک الطوایفی حاکم بود.

در سال ۵۴۹ قبل از میلاد، لشکری تحت فرمان کوروش قسمت‌های از افغانستان را برای مدتی به تصرف درآورد. بعد از کوروش پسر وی کمبوجیه به قدرت رسید، وی بیشتر به مرزهای غربی فارس توجه کرد، با فرعون مصر جنگید. او را مغلوب ساخت و نواحی تحت



قلمرو هخامنشیان در زمان حاکمیت کوروش

حاکمیت فرعون را تصرف کرد، نامبرده حین برگشت به فارس چشم از جهان بست.

بعد از کمبوجیه داریوش اول از مشاهیره مساله هخامنشی‌ها به قدرت رسید جهت تسخیر هنـد از دریای سند عبور کرد، سند و پنجاب را متصرف شد، و سالانه به اندازه‌یی ۳۶۰ تالانه طلا (واحد قیاسی آن زمان) به قسم باج به حکمرانان هخامنشی از سوی بومیان سند و پنجاب پرداخت می‌شد. داریوش امپراتوری وسیع خویش را که در ترکیب آن ۴۸ نوع نژاد، آیین‌های مختلف، رسوم، عادات و لسان‌های متنوع وجود داشت، با تدبیر خاص اداره می‌نمود.

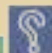
در یک تعداد سنگ نوشته‌هایی که از زمامداران هخامنشی‌ها باقی مانده، آمده است که دامنۀ حکمرانی هخامنشی‌ها به طرف شرق گسترش یافته. یکی از این سنگ نوشته‌ها سنگ نوشتۀ بیستون است که در آن بیشتر از ۲۱ منطقه تحت حاکمیت هخامنشی‌ها ذکر گردیده است.

از حکمرانان مشهور هخامنشی‌ها چون داریوش اول، خشایار شاه، داریوش دوم، ارد شیردوم و تعدادی دیگری به اریکۀ قدرت رسیدند. عده‌یی از آن‌ها مناطقی زیادی را متصرف شدند؛ اما در ۳۳۳ قبل از میلاد امپراتوری هخامنشی‌ها توسط یونانیان از بین رفت و متصرفات آن با امپراتوری یونانی ملحق گردید.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو دسته تقسیم شوند دستۀ اول حکمرانان مشهور هخامنشی را معرفی نموده و دستۀ دو م راجع به سنگ نوشتۀ بیستون به هم‌صنفان خویش معلومات ارائه نمایند



سؤالات

۱- کدام امپراتور هخامنشی‌ها برای تسخیر افغانستان سعی نمود؟ معلومات دهید.

۲- امپراتوری هخامنشی از طرف کی‌ها واژگون شد؟ مختصرمعلومات دهید.



فعالیت بیرون از صنف

شاگردان راجع به امپراتوری هخامنشی‌ها معلومات جمع آوری نموده و در ساعت درس آینده به هم‌صنفان خویش آن را بخوانند.

افغانستان قدیم و یونانیها

در این درس در رابطه به افغانستان ویونانی‌ها بحث می‌شود.
مرحلهٔ اول که با حملات اسکندر مقدونی در ۳۳۰ قبل از میلاد آغاز و تا مرگ وی دوام میابد. مرحلهٔ دوم عصر حکمرانی قوماندانان یونانی بعد از سکندر که تا سال ۲۵۵ قبل از میلاد ادامه داشت.

الف)- حملات اسکندر و درگذشت وی

اسکندر مقدونی امپراتوری هخامنشی‌ها را از بین برد و آخرین حکمران هخامنشی‌ها داریوش سوم به طرف افغانستان فرار نمود. اسکندر مقدونی در سال ۳۳۰ ق.م به قصد تعقیب داریوش سوم ابتدا به هرات و بعد به طرف باختر سوقیات سپاه را آغاز کرد، داریوش سوم از طرف هواداران بسوس والی باختر در حوالی دامغان به قتل رسید.

ابتدا حاکمان هرات طبق میل شان به عساکر اسکندر راه دادند و عساکر اسکندر مقدونی به هدف دستگیری و نابودی بسوس به طرف باختر به حرکت افتادند و بعد از آن‌که نیروهای اسکندر هرات را عبور کردند، مردم هرات قیام کردند. در نتیجه اناکسپ یکی از قوماندانان یونانی نیز به قتل رسید. وقتی‌که اسکندر از این حادثه اطلاع یافت، بلافاصله تصمیم مجدد تسخیر هرات را اتخاذ نموده و به طرف هرات لشکر کشید در نزدیکی هرات باستان (اریا) تمامی قیام کننده‌گان را که در جنگل‌ها برای دفاع از هرات سنگر گرفته بودند، در همانجا به آتش کشید. پس از آن به هدف حفظ و نگهداری عساکر یونانی به نام اسکندریه یک شهر را تأسیس کرد که همانا هرات فعلی به شمار میرود. بعد از تسخیر هرات عساکر

تصویر اسکندر مقدونی



اسکندر به‌طرف فراه و مربوطات آن حملات خود را آغاز کردند و نواحی سیستان را متصرف شدند، در ادامۀ این لشکرکشی نواحی هم‌جوار دو طرف هلمند را نیز در تصرف خود در آوردند و مرکز بلوچستان (زریاسپ) را نیز تسخیر نمودند.

بعد سوقیات خویش را به‌طرف اراکوزیا (قندهار) آغاز کردند. در سال **۳۲۹** ق. م. اراکوزیا را تصرف نمودند و در همین سال در نزدیکی قندهار هم یک پایگاه نظامی را تأسیس نمودند و در این‌جا از اهالی محل یک نیروی تازه نفس بومی را تشکیل دادند و از طرف اسکندر شخصی به نام ممتین در رأس ولایت اراکوزیا منسوب گردید. باوجود این‌که تا این زمان اسکندر سه ولایت مهم افغانستان باستان نظیر هرات، بلوچستان و قندهار را تحت سلطۀ خود در آورده بود، اما حاکم قبلی هرات به همکاری بسوس دو هزار عسکر برای دفاع از هرات تهیه دید و استقلال هرات را اعلان نمود و اسکندر جهت سرکوب قیام هرات تعداد زیادی عسکر فرستاد و هرات را به محاصره در آورد. ضمن جنگ شدید رهبر شورشیان هرات (ساتی بارزانس) کشته شد و هرات بار دیگر در اشغال نیروهای اسکندر در آمد.

به تعقیب اشغال هرات، سیستان و قندهار، اسکندر متوجه تسخیر کابل شد. وی در سال **۳۲۹** ق. م. به کابل رسید بعد از تسخیر این مناطق از طریق پغمان به کاپیسا رفت و در آنجا برای عساکرخویش اسکندریۀ ققفاز(بگرام کنونی) را بنا نهاد. در بهار همین سال از راه اندراب بالای عساکر بسوس حملات خود را آغاز نمود، بسوس به همت هشت هزار عسکر دست به مقاومت زد؛ اما در مقابل عساکر زیاد اسکندر تاب مقاومت نیاورد، از قسمت علیای دریای آمو گذشت و از آنجا به همت نیروهای باختری به حملات خود بر عساکر اسکندر ادامه داد. این وضعیت تا سال**۳۲۷** قبل از میلاد دوام نمود، در همین حال

اسکندر بایکی از قوماندانان نیروی باختری دست دوستی داد و با دختری جوانی به نام رخشانه ازدواج نمود، به این ترتیب مناطق باختری را در تصرف خویش نگهداشت.

اسکندر بعد از تسخیر باختر از راه کاپیسا به کابل برگشت و در آنجا با استفاده از راه درونته به نواحی کنر و اسمار رسید، در مناطق یاد شده طی جنگ‌های سنگین با یوسف زایی‌ها مجروح شد پس از آن به طرف باجور و چترال رو آورد این مناطق را متصرف شد.

اسکندر جریان تصرفات این مناطق را تداوم بخشید و در سال **۳۲۵** ق.م در بندر بحری کراچی اسکندریه یی دیگری ساخت از آنجا به طرف گدروزیا (بلوچستان) رو آورد وی زمانی‌که به بابل رسید در آنجا به مرض ملاریا مبتلا شد که در نتیجه آن به عمر **۳۲** سالگی وفات یافت.

ب) - امپراتوری یونانی‌ها بعد از اسکندر

بعد از مرگ اسکندر میان قوماندانان وی برسر قدرت اختلاف پیدا شد و جنگ‌های خونینی به وقوع پیوست در نتیجهٔ، شخصی به‌نام کاسندر یکی از قوماندانان او در شهر مقدونیه به قدرت رسید. وی مادر اسکندر را در شهر پیرنا محاصره نموده و بعد به قتل رساند. به این ترتیب، هرج و مرج در امپراتوری بزرگ اسکندر به میان آمد. نتیجه همان شد تا امپراتوری یونانی به سه مرکز بزرگ تقسیم شود.

۱- بعد از مرگ اسکندر، بطلیموس، مصر را ازپیکر امپراتوری یونان جدا کرد و به تصرف خویش در آورد، بعد از بطلیموس به صورت دوامدار اعضای خانوادهٔ او تا سال **۳۰** ق. م. بر مربوطات مصر حاکمیت داشتند.

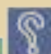
۲- در پایتخت امپراتوری یونانی (مقدونیه) انتی گوس به قدرت رسید انتی گوس و خانوادۀ وی از سال ۳۰۶ تا ۱۴۶ ق. م. بر مقدونیه و حوالی آن حکمرانی نمودند.

۳- حکمران یونانی دیگر به نام سلیکوس در سوریه به قدرت رسید. و متصرفات شرقی امپراتوری یونانی را از سوریه تاهند تحت تصرف خود در آورد که افغانستان از جمله مناطق تحت حاکمیت سلیکوس به حساب می‌آمد. سلیکوس و عده‌یی از حکمرانان این سلسله تا زمان دیودتس بر افغانستان حاکم بودند، ولی جنگ‌های پی‌درپی بین نیروهای بطلیموس و سلیکوس زمینه را برای دیودتس فراهم ساخت تا در سال ۲۵۵ ق.م. استقلال این سرزمین را اعلام نماید که تفصیل بیشتر آن را در درس مربوط به دورۀ یونان- باختری خواهیم خواند.



فعالیت داخل صنف

شاگردان سمت لشکر کشی اسکندر مقدونی را در نقشه نشان دهند.



سؤالات

۱- اسکندر مقدونی در کدام سال امپراتوری هخامنشی‌ها را از بین برد؟ معلومات دهید.

۲- اسکندر مقدونی در باختر با کدام دختر ازدواج نمود ؟

۳- بعد از مرگ اسکندر مقدونی امپراتوری یونانی‌ها با چه سرنوشتی روبه رو گردید؟ معلومات دهید.



فعالیت بیرون از صنف

شاگردان با استفاده از منابع به جز کتاب درسی، معلومات را در مورد اسکندر جمع آوری نموده و در صنف بیان دارند.

افغانستان قدیم و موریایی‌ها

در این درس در مورد حکومت موریایی‌ها و اوضاع سیاسی افغانستان آن زمان معلومات حاصل خواهید کرد.

اولین حاکم موریایی‌ها، چندراگو پتا نام داشت که در سال ۳۲۴ ق.م زمامداری آن بر نواحی مختلف هند توسط چند راگوپتا آغاز شد. چندراگوپتا برخی نقاط شرقی افغانستان را که تحت حاکمیت حکمرانان یونانی قرار داشت، تصرف نمود در این زمان نیروهای سلیکوس یونانی ابتدا، باختر و بعد از آن وادی کابل را متصرف شدند. و چندراگوپتا را تا دریای سند به عقب راندند، ولی در پی یک سلسله پیروزی‌های موقت عساکر سلیکوس دوباره مورد حملات پی درپی نیروهای چندراگوپتا قرار گرفت تا بالآخره وی مجبور شد که به چندرا گوپتا دست دوستی بدهد و دختر خویش را به عقدنکاح وی در آورد. علاوه بر آن گنده‌هارا، اراکوزیا و گدروزیا را نیز به نیروهای چندرا گوپتا وا گذاشت و باختررا در اختیار دیودتس سپرد، بعدها همین حکمران باختری استقلال خود را اعلام کرد.

چندرا گوپتا درسال ۳۰۰ ق.م. درگذشت، پسر وی بندو سارا به قدرت رسید،درین وقت مراکز مختلف امپراتوری یونانی ایجاد شد و جنگ میان آن‌ها ادامه داشت با وجود این که جنگ میان نیروهای یونانی جریان داشت؛ اما روابط حسنه بین سلوکیدیان و موریایی‌ها روز به روز زیاد می‌شد. ابو ظفر ندوی مؤرخ هندی می‌نویسد:

«حکمران هند بندوسارا به انتیاکوس پیام فرستاد که برایم یک تن طبیب، شراب شیرین و یک مقداری انجیر خشک بفرست انتیاکوس به جواب نوشت که شراب و انجیر خشک برایت خواهیم فرستاد؛ ولی در قانون یونانی‌ها فروش عالم و طبیب ممنوع می‌باشد.»

روابط نیک بین سلوکیدیان و موریایی‌ها زمینهٔ انتقال اموال تجارتی هندی را مساعد ساخت تا به نواحی



سکهٔ طلایی از عصر چندراگوپتا

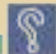
باختر و مناطق تحت تسلط سلوکیدیان و حتی فراتر از آن برسند و برعکس اموال تجارتی این مناطق به طرف هند سرازیر شود. این روابط تجارتی، سبب شد تا زمینهٔ اختلاط فرهنگ هندی و یونانی فراهم شود.

بعد از بندو سارا حکمران معروف سلسلهٔ گوپتایی (آشوکا) به قدرت رسید. وی در راه نشر دین بودایی زحمات زیادی را متحمل شد و مبلغان زیادی را به افغانستان و نقاط مختلف جهان فرستاد. وی در قلمرو تحت سلطهٔ خویش فرمان‌هایی را به روی سنگ‌ها نوشت که از آیین بودایی نماینده‌گی می‌نمود در قندهار، ننگرهار(درونته) و بعضی مناطق دیگر، از این گونه سنگ‌هایی که فرمان‌های آشوکا به روی آن‌ها مرقوم شده، موجود است. درفرمان‌های آشوکا نشانهٔ از نام ایتودموس(ای‌تیودیم) وجودندارد، این بدان معنی است که در زمان حاکمیت آشوکا در افغانستان حکمرانی ای‌تیودیم شروع نشده بود. با آغاز زمامداری ای‌تیودیم، یکی از والیان آشوکا که بر حوزهٔ کابل وگندهارا حکم می‌راند، به شکست مواجه شد. به این ترتیب، حکمرانی موریایی‌ها در قسمت‌های جنوبی افغانستان از بین رفت. تا سال ۲۵۴ ق.م. ای‌تیودیم حملات باختر را تا مناطق جنوبی هندوکش رسانید و استقلال افغانستان را اعلام کرد.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند، هر گروه به ترتیب قلمرو و سرحدات حکمرانی هخامنشی‌ها، یونانی‌ها و موریایی‌ها را در نقشه نشان دهند.



سؤالات

۱- راجع به نخستین حکمران موریایی‌ها چه می‌دانید؟توضیح دهید.

۲- بندوسارا به سلوکیدی چه نوشت؟ جواب چه بود؟ معلومات دهید.

۳- راجع به به عقیدهٔ آشوکا چه می‌دانید ؟ بیان کنید.

فصل دوم

مدنیت‌های اولیه در افغانستان

این فصل مشتمل بر درس‌های زیر می‌باشد:

۱–دولت‌های مستقل یونان–باختری

۲–خصوصیات مدنیت یونان–باختری

۳–شهر مشهور دورۀ یونان–باختری(آی‌خانم)

۴– ساک‌ها

۵–امپراتوری کوشانی‌ها

۶–بگرام پایتخت امپراتوری بزرگ کوشانی

۷–هده مرکز فرهنگی امپراتوری کوشانی

۸–بامیان یا اماکن بزرگ بودایی

۹– کیداریان یا کوشانیان کوچک

۱۰ – امپراتوری یفتلی‌ها

۱۱– افغانستان مقارن ظهور اسلام

اهداف فصل

از شاگردان انتظار می‌رود که در پایان این فصل به اهداف ذیل نایل آیند:

- شاگردان با دولت یونان-باختری، شهر آی‌خانم، حکمرانی ساک‌ها و پارت‌ها، امپراتوری کوشانی‌ها و مراکز عمدۀ آن‌ها، حاکمیت کیداریان، امپراتوری یفتلی‌ها و وضعیت افغانستان مقارن ظهور اسلام آشنا شوند.
- خصوصیات مدنیت یونان- باختری و طرز ساختمان شهر آی‌خانم را بیان کرده بتوانند.
- ارزش ساحات باستانی بگرام، هده و بامیان را درک کنند.
- با ساحات باستانی وتوریستی کشور علاقه‌مند شوند.

دولت‌های مستقل یونان– باختری

در این درس در مورد تأسیس دولت یونان– باختری، وضع سیاسی باختر که شامل مناطق سغد، مرو، بلخ و تخار می‌شد آشنا می‌شوید.

دیودتس اول مؤسس دولت یونان– باختری می‌باشد. وی در سال ۲۵۵ ق.م در باختر استقلال خویش را از سلوکیدها اعلام نمود. حکمرانی دیودتس دارای دو مرحله است: در مرحلۀ نخست وی سکه‌هایی را ضرب زد که در یک روی آن عکس دیودتس و در روی دیگر آن چهرۀ انتیکیوس نقش شده بود؛ اما در مسکوکات مرحلۀ بعدی حکمرانی او دریک طرف سکه چهرۀ دیودتس و در روی دیگرآن جیوپیتر (الهۀ رعد و برق) ترسیم شده است. حکمرانی دیودتس تا باختر که شامل مناطق سغد، مرو، بلخ و تخار بود می‌شد.

دیودتس اول در سال ۲۵۰ ق. م. وفات یافت. بعد از مرگ او پسر وی دیودتس دوم به قدرت رسید. وی تا سال ۲۳۰ ق. م. بر سرزمین باختر حکمرانی کرد. در این زمان مناطق دیگری همچون هرات و حوزۀ هریرود نیز به قلمرو تحت کنترول دیودتس دوم ملحق شد و روابط بین دولت پارت به رهبری ارساس و دیودتس هم استحکام یافت. به این ترتیب، دو دولت تازه استقلال یافته، در برابر سلوکیدیان با هم متحد شدند.

زمامداری سلسلۀ دیودتس مدت زیادی دوام نیافت؛ زیرا یک تن از فرماندهان به نام آی تیدیوم در سال ۲۲۰ ق. م. بر ضد وی قیام نمود و به حاکمیت سلسله دیودتس نقطۀ پایان گذاشت.

آی تیدیوم در سال ۲۲۰ ق. م. حاکم مستقل جدید باختر شد این درحالی است که حکمران یونانی شام آنتیکیوس دولت مستقل نو بنیاد پارتی را مورد حمله قرار داد و بعد از سقوط دولت پارت حملات خود را به طرف باختر آغاز کرد.

آی تیدیوم غرض مقابله و جلوگیری از نفوذ دشمن به حوزهٔ هریرود شتافت و در آنجا در طی جنگ‌های سنگینی به شکست مواجه شد، بعد از آن به طرف مرکز خود زریاسپ رو آورد. او درآنجا به هدف دفاع از سرزمین تحت حاکمیت خود کمر همت بست. این دفاع دو سال به طول انجامید. طی همین مدت مناطق زیر حاکمیت اش در محاصرهٔ حاکم شام قرار داشت، تا این‌که بعد از دو سال بین دو جناح مصالحه صورت گرفت. به تعقیب آن زمینهٔ توسعه و گسترش هرچه بیشتر حکمرانی او مساعد گردید .

آی تیدیوم، اولین حکمران باختر بود که هنر یونانی را تا نیم قارهٔ هند رساند. به باور یک تعداد مؤرخان بر اساس سنگ نوشته‌های خروشتی که در هند به دست آمده است معلوم می‌شودکه صنعت کاران و هنرمندان یونانی تأثیر خود را بر مناطق هند گذاشته اند.

بعد از آیتیدیوم، پسر وی دیمیتروس در سال ۱۹۰ ق.م جانشین او شد. موصوف قلمرو تحت تسلط خویش را گسترش داد و نواحی تاکسیلا، کاتیاوار و موریاپته را از قید سلطهٔ پادشاه هندی خارج ساخت. دیمیتروس در نواحی مختلف قلمرو خود کار ساخت و ساز شهرهای جدید را آغاز کردکه شهر کلات در اراکوزیا، سیالکوت و پتیاله در



نمونه‌یی از مسکوکات دیمترس

سندو هند از نمونه‌های بارز آن است.

آخرین حکمران سلسلۀ یونان- باختری دیمیتروس بود که از جانب یک‌تن از قومانداانان خود به نام ایواکراتید شکست خورد. ایواکراتید سلسلۀ حکمرانی جدید را اساس گذاشت. وی در سال ۱۸۱ قبل از میلاد در بلخ به قدرت رسید و بر تمام آریانای



نمونۀ از مسکوکات ایوکراتید

باستان حکم می‌راند. در زمان حکمرانی ایواکراتید بقایای خانوادۀ آی تیدیوم به همکاری پارت‌ها بر ضد او دست به یک سلسله فعالیت‌ها زد. در نتییجۀ همین فعالیت‌ها بود که حاکمیت ایواکراتید دچار ضعف و تزلزل شد، و در سال ۱۳۵ ق.م. مرکز حکمرانی خویش را به جنوب هندوکش یا کاپیسا انتـقال داد.

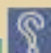
بعد از ایواکراتید پسر او هیلوکلیس بر مسند قدرت نشست. وی که آخرین حکمران دورۀ یونان-باختری شناخته می‌شد، دامنۀ قلمرو تحت سلطۀ خود را از شمال هندوکش تا گندهارا و جهلم وسعت داد. در مجموع سی وشش تن از حاکمان یونان - باختری بر سر زمین باختر حکم‌راندند. در سال صدم (۱۰۰) قبل از میلاد سلسلۀ دیگری به نام ساک‌ها در نواحی جنوبی افغانستان باستان رویکار شدند و روز به روز مناطق تحت

تسلط خود را وسعت می‌دادند و به صورت تدریجی حکمرانان محلی دورهٔ یونان- باختری را خلع نموده و به سقوط مواجه ساختند.



فعالیت داخل صنف

شاگردان موقعیت کاپیسا، پتیاله و جهلم را در نقشه‌ها نشان دهند.



سؤالات

۱- کدام یکی از حکمرانان یونان- باختری اولین بار استقلال باختر را از سلوکیدیان اعلام کرد؟ معلومات خویش را بیان کنید.

۲- آی تیدیوم کی بود؟ معلومات دهید.

۳- آخرین امپراتور دورهٔ یونان باختر که بر تمام حوزهٔ باختر حاکمیت داشت کی بود؟



فعالیت بیرون از صنف

شاگردان تصاویر مسکوکات دورهٔ یونان- باختری را با استفاده از نشرات وکتاب‌های دیگر جمع آوری نموده و درصنف نمایش دهند.

خصوصیات مدنیت یونان– باختری

در این درس پیرامون اهمیت و خصوصیات مدنیت یونان- باختری در افغانستان قدیم آشنا می‌شوید.

افغانستان از نظر عده یی زیادی از مؤرخان ومحققان یک منطقهٔ مهم استراتژیک محسوب میشود. مؤرخ شهیر انگلیسی (تاینبی) از افغانستان به عنوان کانون مدنیت‌های قدیم و محل تلاقی آن‌ها یاد کرده است، اما باستان شناسان جاپانی (ماوریزوویوتوزی) افغانستان باستان را چهار راه تجارتی لقب داده است؛ ولی علامه حبیبی افغانستان را مهد تمدن‌ها در منطقه معرفی کرده است. به همین ترتیب، القاب و عناوین دیگر نیز راجع به اهمیت افغانستان قدیم ذکر شده است. از جمله مدنیت‌های مشهور تاریخی که در افغانستان و منطقه قابل شناخت است، مدنیت یونان- باختر می‌باشد.

مدنیت یونان- باختری اساساً مجموعهٔ آمیزش دو تمدن است. یکی از این دو مدنیت به وسیلهٔ یونانی‌ها و همراه با آن‌ها به افغانستان و منطقه رسیده است و دیگر آن مدنیت ساکنان باختر بود که بر بنیاد مدنیت‌های قدیم آریایی انکشاف کرده بود. تزویج این دو تمدن در افغانستان و منطقه اساس مدنیت جدید را گذاشت که در تاریخ به نام مدنیت یونان- باختر شناخته شده است.

یونانی‌ها در کشور شان مراحل مختلف تفکر و اندیشهٔ عالی را پشت سرگذاشته بودند. یکی از این مراحل مرحلهٔ هیراکلت، افلاطون، بطلیموس و سایر فیلسوفان بود این مرحله با امپراتوری یونانی یکجا تجلی یافت. در امور عمرانی تجارب مختلف را آزموده و از آن استفاده کرده بودند که از نمونه‌های آن می‌توان از هنر هیکل تراشی نام برد که به مرحلهٔ کمال رسیده بود.

یونانیان همین گونه دست آوردهای مدنی دیگری نیز در کشور شان داشتند. یونانیان یکجا با فتوحات خود، دست آوردهای مدنی خویش را به مناطق تحت تسلط شان آوردند که نمونه‌های آن در تمام مناطق تحت نفوذ ایشان به خصوص درافغانستان قدیم آشکار است. معماران یونانی برای ساختن پایگاهای عسکری مناطقی را انتخاب می‌نمودند که از دو یا سه طرف به همکاری موانع طبیعی محافظت می‌شد. نمونهٔ این گونه معماری در مناطق مختلف افغانستان دیده می‌شود؛ طور مثال: محل باستانی آی‌خانم که در مقاطع دریاهای کوکچه

و آمو اعمار شده است و نیز محل باستانی بگرام یکی دیگری از نمونه‌های این معماری می‌باشد که در محل مقاطع رود شتل و پنجشیر بنا یافته است.

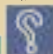
مجسمه سازی و هیکل تراشی از نمونه‌های هنر یونانی است که در افغانستان قدیم به مساعی هنرمندان افغانی زیاد انکشاف کرد. این هنر با موجودیت مجسمه‌های بامیان در ادوار اخیر به حیث میراث فرهنگی جهانی شناخته شده است. نمونهٔ رسم الخط یونانی به روی سنگ نوشته‌ها بسیار قابل رؤیت است که در آن زمان در قسمت‌های مختلف کشور معمول بود. این رسم الخطها منابع مطمئن و مهم حوادث تاریخی افغانستان می‌باشد.

مثال‌های مختلف تمدن یونانی که در روش‌های معماری در مجسمه سازی و کاربرد رسم‌الخط دیده می‌شود، به همت افغان‌ها در افغانستان و منطقه انکشاف و توسعه یافت. ابتدا مردم این نو آوری‌ها را پذیرفته و پس از آن غرض تعمیم و ازدیاد آن زحمات زیاد کشیدند؛ به همین ملحوظ در دورهٔ تمدن یونان و باختر تمامی دست آوردهای یونان قدیم و باختر به صورت یونانی باقی نماند؛ بلکه مطابق به اساسات و ارزش‌های افغانی رشد کرد و چهرهٔ یک تمدن مشترک را به خود اختیار کرد که در تاریخ قدیم به نام مدنیت یونان- باختر مسمی شده است.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و هر گروه در بارهٔ این‌که چرا مؤرخان به افغانستان قدیم القاب و نام‌های مختلف داده اند با هم بحث نموده و نتیجه را یکی ازآن‌ها به دیگران بیان نمایند.



سؤالات

۱- مؤرخان، افغانستان باستان را به کدام القاب یاد نموده اند؟
۲- تأثیر متقابل هنر معماری یونان- باختر چه بود؟
۳- هنر مجسمه سازی یونانی در افغانستان چه تأثیر داشت؟ معلومات دهید.



فعالیت بیرون از صنف

شاگران راجع به شکل، نوع و ساختمان، معماری قدیم از بزرگان خویش معلومات به دست آورده وآن‌را در صنف به دیگران تشریح نمایند.

درس دوازدهم

آی‌خانم شهر مشهور دورۀ یونان– باختری

در این درس در رابطه به آثار وشواهد به‌دست آمده از محل باستانی آی‌خانم که جزء تاریخ قدیم افغانستان محسوب می‌شود آشنا می‌شوید.

در محل تقاطع دریاهای کوکچه و آمو در ولایت تخار ۲۳۰۰ سال قبل یک شهر دفاعی تأسیس شد که نشانه‌یی از مدنیت یونان– باختری می‌باشد. این شهر در سال ۱۹۴۶ م. از طرف باستان شناسان فرانسوی مورد کاوش و تحقیق قرار گرفت.

آی‌خانم، اسم ترکی است که آی به معنای ماه و خانم به معنای زن استعمال می‌شود. بعضی اوقات اهالی محل برای این منطقه نام ماه خانم را هم استعمال می‌کنند با آنکه مشخص نیست که نخستین بنیانگذار این منطقۀ باستانی چه کسی بوده است، ولی بر اساس شواهدی که ازین محل به دست آمده است و یا از بعضی متون تاریخی بر می‌آید، آشکار می‌سازد که نخستین بار اساس این شهر را اسکندر مقدونی گذاشته است، جغرافیه دان معروف یونانی بطلیموس در آثار خود به نام اسکندریه اکسوس از یک محل تذکر داده که بدون شک آی‌خانم کنونی است.

تحقیقات باستان شناسان فرانسوی نشان داد که اهالی نخستین این شهر با مهارت و دقت کامل میتود نوین معماری را از میان روش‌های معماری شرقی و غربی به‌وجود آوردند که از جایگاه و مقام خاصی برخوردار است. به طور مثال جهت استحکام بعضی از عمارات، در تهداب به جای خشت خام از خشت پخته کار گرفته شده، از زغال به مقصد جلوگیری از رطوبت یک لایۀ (طبقه) به خصوص ساخته شده و برای تزیین این بناها از سنگ چونه(آهک) کار گرفته شده است.



ستون‌های آی‌خانم

تحقیقات پی هم باستان شناسان نشان داد که آی‌خانم کانون ممزوج تمدن یونان- باختری می‌باشد. این شهر باستانی به وسیلۀ دیوار بزرگی احاطه شده که طول آن به ۱۵۰۰ متر و ارتفاع آن به ۱۰ متر می‌رسد. اگر بقایای عمارات به دست آمده از این محل و ویرانه‌های که مورد کاوش قرار گرفته از نظر موقعیت و حالت ملاحظه شود به وضاحت آشکار می‌شود که در بخش مرکزی این شهر دفاتر و در حوالی آن خانه‌های مسکونی آباد شده بود. قسمت وسطی این شهر که ۳۰۰ در ۳۰۰ متر ساحه را احتوا می‌کند، به شکل حویلی نمایان می‌شود که در اصل پایتخت حاکمان و مرکز اداری همان وقت بوده است.

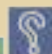
این حویلی که ۱۳۰ متر طول و ۱۸۰ متر عرض داشت به شکل مستطیل ساخته شده و در چهار اطراف خود دارای (۱۱۶) ستون می‌باشد. و همین‌طور یک تالار بزرگ که طول آن ۲۷ و عرض آن به ۱۷ متر رسیده در وسط حویلی بزرگ دید بیننده را به خود جلب می‌کند.

از خانه‌ها و اتاق‌های داخل محوطۀ آی‌خانم آثار و شواهد زیادی به دست آمده که از عظمت مدنیت یونان- باختری نماینده‌گی می‌کند.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به بنیانگذار آی‌خانم و گروه دوم راجع به موقعیت آی‌خانم باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱. راجع به وجه تسمیه و موقعیت آی‌خانم چه میدانید؟ معلومات دهید.
۲. در آی‌خانم مسکوکات کدام دوره دریافت شده؟ واضیح سازید.



فعالیت بیرون از صنف

شاگردان با استفاده از منابع و شخصیت‌های فرهنگی راجع به ولایت تخار و آی‌خانم معلومات جمع آوری نموده و در صنف آن‌را توضیح نمایند.

ساک‌ها

در این درس راجع به حاکمیت ساک‌ها در ساحات جنوب افغانستان؛ چون اراکوزیا«قندهار» سکستان«سیستان» معرفت حاصل می‌نمایید.

آخرین حکمران دورۀ یونان- باختری امپراتور هیلوکلیس بود، وی بر تمام امپراتوری یونان- باختری حاکمیت داشت. بعد از او حاکمان محلی به وجود آمدند که هر یکی از ایشان بر منطقۀ کوچکی حکم می‌راند. این وضعیت تا صد سال قبل از میلاد ادامه یافت. در این زمان در مناطق جنوب و جنوب شرقی افغانستان قدیم، زمامداری سلسلۀ جدیدی به نام ساک‌هاآغاز شد.

در ساحات جنوب افغانستان باستان؛ چون، اراکوزیا (قندهار) سکستان (سیستان) قوم نیرومندی به نام ساک‌ها حاکمیت خویش را اساس گذاشتند. نخستین حاکم این نیروی جدید به نام هرایوس شناخته شده است، وی همچون امپراتوران یونان- باختری به نام خود سکه ضرب می‌زد این سلسله به مدت کوتاهی دامنۀ متصرفات شان را تا تاکسیلا، سند و حوالی بولان گسترش دادند، و نواحی جنوب و جنوب شرقی امپراتوری یونان-باختری را نیز تحت کنترول خویش در آوردند.

بعد از هرایوس، مایوس در سال۷۲ قبل از میلاد به قدرت رسید. وی به روی مسکوکات خویش عنوان شهنشاه را نوشت، یک نامه که از زمان حاکمیت وی به دست باستان شناسان رسیده و بر روی پارچۀ مسی تحریر شده، از ین نامه استنباط می‌شود. که در این ناحیه ۷۸ سال قبل از میلاد، استفاده از رسم الخط یونانی و خروشتی آشکارا ظاهر می‌شود. هفت قسم مسکوکات زمان مایوس به دست باستان شناسان رسیده است.

بعد از مایوس دو تن از وارثان وی شناسایی شده که حکمرانی هردوی ایشان ۵۰ سال قبل از میلاد در اثر فشار اقوام سیتی پایان یافت و امپراتوران کوشانی ایشان را از قدرت خلع نموده و متصرفات ایشان را نیز تحت سیطرۀ خود در آورند.



فعالیت داخل صنف

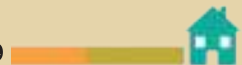
شاگردان باهم راجع به ساک‌ها گفتگو نموده، و از یکدیگر سؤال کنند و جوابات آن را نیز خود ایشان ارزیابی کنند.



سؤالات

۱- اولین مرکز ساک‌ها در کجا بود؟ معلومات دهید.

۲- نخستین حکمران ساک‌ها چه نام داشت؟



فعالیت بیرون از صنف

شاگردان در مورد ساک‌ها یک مطلب تهیه نموده و آن را در صنف ارائه بدارند.

امپراتوری کوشانی‌ها

در این درس راجع به تأسیس امپراتوری کوشانی‌ها، و امپراتوران مهم آن‌ها وکتیبهٔ رباتک آشنا میشوید.

نام کوشانی‌ها از کلمهٔ کوشان گرفته شده است، کوشان، یکی از جمله اقوام یوچی بود که از دریای آمو عبور نمودند و در بلخ به حاکمیت یونان- باختری خاتمه بخشیدند. در آغاز حکمرانی کوشانیان، سه ولایت دیگر با بلخ ملحق شد و اساس یک امپراتوری جدید را گذاشتند. در آن زمان، چهار امپراتوری بزرگ بر مناطق وسیعی آسیا و اروپا حاکمیت داشتند



دو روی یک سکهٔ کجولا کدفیررس

کتیبهٔ رباتک



که یکی از آن‌ها امپراتوری کوشانی‌ها بود.

مؤسس امپراتوری کوشانی، کجولاکدفیسیس می‌باشد. نامبرده سه حاکم محلی را که به حاکمیت یونانو باختری خاتمه بخشیده بودند، و در بلخ و نواحی همجوار آن حاکم بودند، یکی را

پی دیگر تحت سیطرهٔ خود در آورد.

کجولا کدفیسیس قبل از آنکه اعلان پادشاهی کند، ریاست (رهبری) قوم خویش را به عهده داشت. او در سال ۴۰ م. اعلان پادشاهی کرد و تا سال ۸۰ بر نواحی زیادی از آریانا مدت ۴۰ سال حکمرانی داشت. او در اواخر دورهٔ حکمرانی خویش لقب شهنشاه را به خود اختیار کرد.

بعد از مرگ کجولا کدفیسیس پسر او ویما تکتو بر اریکهٔ قدرت نشست. بعد از ویماتکتو پسر وی، ویما کدفیسیس از سال ۱۰۵م. تا ۱۲۷ م. حاکمیت داشت. ویما کدفیسیس، اولین امپراتور کوشانی‌ها بود که حدود کشور را در جنوب تا دریای گنگا وسعت داد. و یما کدفیسیس با کشور چین روابط دوستانه داشت و به دربار امپراتور روم تراجان یک سفیر فرستاد و با آن‌ها روابط تجارتی و اقتصادی برقرار نمود. در این دوره تأثیر هنر سکه سازی روم نمایان گردید.

تازه ترین معلومات راجع به امپراتوری کوشانی از سنگ نوشتهٔ رباطک به دست آمده است. این سنگ نوشته به صورت غیر مترقبه از منطقهٔ به نام رباطک واقع در وسط ولایات سمنگان و بغلان به دست آمد، به این خاطر به نام رباطک مسمی گردید. در این سنگ نوشته راجع به عصر کوشانی‌ها معلومات تازه که قبلاً از آن اطلاع در دست نبود آشکار شد.


سکهٔ طلایی کنشکا

طور مثال: در گذشته باور بر این بود که خانوادهٔ کدفیسیس‌ها و سلسله کوشانی از هم جدا اند، ولی سنگ نوشتهٔ رباطک ثابت ساخت که این هر دو خانواده یکی بوده و ذهنیت مبنی بر جدایی این دو سلسله را نادرست

ثابت کرد.

کنشکای کبیر پسر ویما کدفیسیس، بعد از مرگ پدرش در سال۱۲۷م. به قدرت رسید و تا سال۱۴۷م. حکومت نمود کنشکا در تاریخ قدیم افغانستان یک امپراتور مقتدر و از شهرت خاصی برخوردار است. حدود امپراتوری وی از طرف شرق به بنارس هندوستان، از طرف غرب به امپراتوری پارت‌ها و از شمال تا کاشغر و یارکند می‌رسید؛ همچنان در شرق با چین و در غرب با روم روابط تجارتی داشت، در زمان کوشانی‌ها راه مشهور ابریشم به خصوص در زمان حاکمیت کنشکا، شهرت خاص جهانی یافت. کنشکا برای اداره امور امپراتوری خویش دو مرکز (پایتخت) داشت. وی پایتخت تابستانی خویش را بگرام و پایتخت زمستانی اش را پشاور انتخاب کرده بود.



تصویر مجسمهٔ سنگی کنشکا

عوامل سقوط امپراتوری کوشانی

عوامل سقوط امپراتوری کوشانی‌ها تا هنوز به صورت درست مشخص نشده، اما مواردی نظیر توجه بیش از حد حاکمان کوشانی به طرف هند، نیرومندی روز افزون امپراتوری ساسانی در غرب امپراتوری کوشانی، حملات قبایل یفتلی در شمال کشور، تمرد حاکمان محلی از فرمان حکومت مرکزی، حملات پی هم نیروهای نو ظهور در داخل امپراتوری کوشانی، از جمله عواملی بود که زمینهٔ فروپاشی امپراتوری کوشانی را مساعد ساخت.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به مؤسس سلسلهٔ کوشانی‌ها، گروه دوم راجع به سنگ نوشتهٔ رباطک و گروه سوم در رابطه به حکمرانان مشهور کوشانی به هم‌صنفان خویش معلومات ارائه نمایند.



سؤالات

۱- مؤسس کوشانی‌ها کی بود؟ معلومات دهید.

۲- راجع به سنگ نوشتهٔ رباطک چه می‌دانید؟

۳- نیرومندترین پادشاه کوشانی‌ها کی بود؟ توضیح دهید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد کوشانی‌ها یک مطلب تهیه و آن را در صنف ارائه نمایند.

بگرام پایتخت امپراتوری بزرگ کوشانی

در این درس راجع به تحقیقات دانشمندان در مورد محل باستانی افغانستان یعنی بگرام پایتخت تابستانی کوشانی‌ها معلومات حاصل می‌نمایند.

کنشکا، بزرگترین امپراتور سلسلهٔ کوشانی، بگرام را پایتخت تابستانی خویش قرار داد، تحقیقات باستان شناسان این مطلب را واضح ساخته که بگرام قبل از آنکه مرکز اداری کنشکای کبیر تعیین گردد، اسکندر مقدونی در آنجا یک شهر دفاعی را اساس گذاشته بود، در آثار کتبی که از اسکندر مقدونی به شکل خاطرات به جا مانده راجع به مناطق بگرام و کاپیسا معلومات مطلوب دارد. در همین خاطرات تحت نام اسکندریهٔ قفقاز تذکرات راجع به بگرام فعلی موجود است.



تمام مناطق امپراتوری کوشانی که سرحدات آن در شرق از خوقند، یارکند و نیپال شروع می‌شد و تا مناطق اصفهان و سیستان در غرب و همچنین سرحدات شمالی آن از سیر دریا، خوارزم و سغد شروع و تا نواحی پوتالی پوترا، سری چامپای هند مرکزی الی بحیرهٔ هند می‌رسید. در تابستان از مرکز بگرام و در فصل زمستان از پشاور اداره می‌شد.

بگرام برای نخستین بار توسط باستان شناسان فرانسوی در سال ۱۹۳۷ م. سروی و مورد



کاوش قرار گرفت. از تحقیقات گرشمن باستان شناس فرانسوی استنباط می‌شود که این شهر به دست ماهرین یونانی ساخته شده باشد، نامبرده شهر بگرام را از نظر ساختمان و ممیزات معماری با شهرهای یونان مقایسه کرده و در میان این شهرها مشابهت‌ها و خصوصیت‌های زیادی را برملا ساخته است که نمونۀ از این گونه مشابهت‌ها و خصوصیات بسیار زیاد است؛ ولی توجه گرشمن به این نکات معطوف شده است.

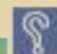
شهرهای متذکره در محل تقاطع دریاها ساخته شده، از نظر نظامی، دفاع از این شهرها از سه جهت آسان به نظر می‌رسد و در مکان‌های بلند و نقاط حاکم بر مناطق اطراف خویش اخذ موقع نموده است.

از بگرام به پیمانۀ وسیع مسکوکات طلایی، آثار عاجی، وسایل ارزشمند برونزی، آثار نایاب و ویژۀ یونان، روم، مصر، چین، هند و بعضی نواحی دیگر جهان به دست آمده است، این آثار به صورت متواتر به موزیم ملی افغانستان ارسال می‌شد و در موزیم ملی اتاق مخصوص به نام بگرام افتتاح گردید که مورد توجه زیاد محققان و زایران واقع شده بود.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به کاوش‌ها در بگرام، گروه دوم در رابطه به خصوصیات سیاسی بگرام و گروه سوم راجع به آثار به دست آمده از بگرام، معلومات خود را به هم‌صنفان خویش عرضه نمایند.



سؤالات

۱- کاوشگری بگرام در کدام سال آغاز شد؟
۲- خصوصیات ساختمانی بگرام چگونه است؟ مختصراً شرح دهید.
۳- اسامی چند نوع آثار بدست آمده از بگرام را بیان کنید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به بگرام معلومات بیشتر به دست آورده و آن را در صنف برای دیگر هم‌صنفان شان توضیح نمایند.

هده مرکز فرهنگی امپراتوری کوشانی

در این درس پیرامون هده، مرکز فرهنگی امپراتوری کوشانی‌ها، معلومات حاصل خواهید کرد.

مؤرخان و دانشمندان،مناطق شرقی افغانستان باستان را که تا به گوشه‌های شمالی هند کنونی می‌رسید، به نام گندهارا یاد کرده اند. هیرودت و استرابون مؤرخان یونانی نواحی گندهارا را در آثار خویش به نام گنداریس ثبت کرده، که مناطق میان کابل و کنر را در بر می گرفت. افزون براین که در دورهٔ اسکندر مقدونی از گندهارا نامبرده نشده، ولی در آثار حکمرانان دورهٔ یونان- باختری که بر تمام حدود افغانستان قدیم حاکم بود، از این منطقه به نام گنداراتی (Gandarati) و یا گنداروا (Gandarwa) تذکر به عمل آمده است که مناطق ناگاها (ننگرهار) کوهش (کنر)، پورا شاپورا (پشاور)، سراسوتی (سوات) در آن شامل می‌باشد.





یکی از مراکز بزرگ فرهنگی گندهارا واقع در نزدیکی جلال‌آباد کنونی منطقهٔ هده است که در متون کهن به نام هیلو یاد شده، هیلو محل متبرک بوداییان قدیم و مرکز عمدهٔ عبادت آن‌ها بود، در سفرنامه‌هایی که از زایران چینی به میراث مانده، در رابطه به این محل، معلومات مطلوب وارزشمندی وجود دارد. فاهیان اولین زایر چینی بود که در سال ۴۲۰ م. از هده دیدن نمود، بعد از آن سوینگ یون

در سال ۵۲۰ م. از هده دیدن به عمل آورده و مطالب زیادی در این باره ثبت کرده است.

چرا هده پایتخت فرهنگی امپراتوری کوشانی محسوب می‌شود؟

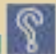
بر اساس تحقیقات و کاوش‌های پی در پی که باستان شناسان در مورد هده انجام داده اند و نتایجی که از آن به دست آمده می‌رسید، که مهمتر از همه، اولین عامل مؤثر، موجودیت شرایط و امکانات مورد ضرورت بوده که در زمان امپراتوری کنشکا فراهم شد، عامل دوم تغییرات و نو آوری در بودیزم قلمداد شده است و عامل سوم ذکاوت و ظرافت فکری گندهاراییها را یاد کرده که در تمام عالم بودایی برای نخستین بار ابتکار ساختن مجسمهٔ بودایی را نمود به قول میسو فوشه باستان شناس فرانسوی مجسمهٔ بودا در گندهارا، توسط گندهاری‌ها ساخته شد.





فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم گردند، گروه اول راجع به نام هده، و گروه دوم در مورد عوامل انتخاب هده به حیث پایتخت فرهنگی و گروه سوم در رابطه به چگونه گی ساختن مجسمهٔ بودا به دیگر هم صنفان خویش معلومات ارائه نمایند.



سؤالات

۱- تاریخ هده را مختصر شرح دهید؟

۲- هده چرا پایتخت فرهنگی امپراتوری کوشانیان محسوب می‌شود؟ معلومات دهید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به هده معلومات بیشتر تهیه نموده و به هم‌صنفان خود آن را بخوانند.

درس هفدهم

بامیان مرکز عقیدتی کوشانی‌ها

در این درس راجع به تمدن گریکو بودیک و اهمیت بامیان باستان آشنا می‌شوید.

تمدن گریکو بودیک در اصل در افغانستان قدیم به وجود آمد و انکشاف کرد که بعد به دیگر نواحی همجوار انتشار یافت. تا زمانی که کنشکای کبیر به آیین بودایی نگراییده بود. این آیین در محدودهٔ هند به عنوان یک عقیدهٔ بی تحرک باقی مانده بود، همین‌گونه هنرمندانی که از یونان آمده بودند در راه ترویج هنر خویش با تفکر شرقی با یک رشته مشکلات مشخص نیز مواجه بودند که در زمان حاکمیت کوشانی‌ها این معضلات به وسیلهٔ هنرمندان و ماهرین افغانی برطرف شد و زمینه برای اتحاد هنر یونانی و ارزش‌های هندی فراهم گردید که در نتیجه، تمدن بزرگ تاریخی به وجود آمد که به نام گریکو بودیک نامیده می‌شود.

تمدن گریکو بودیک از یک‌طرف بر جامعهٔ قدیم افغانستان تأثیرات همه جانبه از خود به جا گذاشت و از طرف دیگر، این مدنیت مناطق جاپان، چین،کوریا، و از سریلانکا گرفته تا





هند، سیر دریا و تاجیکستان را تحت تأثیر خود در آورد. از نقاط مختلف جهان غرض ادای مراسم مذهبی تعداد زیادی راهبان، زایرین و توریست‌ها نیز به هدف دیدار از معابد بودایی به افغانستان به ویژه به بامیان باستان سفر می‌نمودند.

قدیمیترین معلومات راجع به بامیان به واسطهٔ زایران چینی نوشته شده، فاهیان یکی از جمله، قدیمی‌ترین زایران چینی است که در رابطه به بامیان تحقیقات نموده است. وی در سال ۴۰۰ م. از بامیان دیدن نموده و راجع به مجسمه‌های بزرگ بامیان معلومات مفید را به رشتهٔ تحریر در آورده است. نامبرده می‌نویسد دره‌های بامیان سرسبز و پاک است، اطراف مجسمه‌های بزرگ هر روز شسته می‌شود، تعداد زیاد مدارس مذهبی موجود است، هر روز زایران و تاجران به این منطقه در رفت و آمد هستند، صومعه‌های خاص برای راهبان ایجاد شده و برای مواشی و حیوانات محلات جداگانهٔ وجود دارد.

بعد از فاهیان هیوان تسنگ از بامیان دیدن به عمل آورد و در سفر نامه‌های خویش مطالب مهم را گرد آورده است. به قول وی در بامیان بیشتر از ده خانقا وجود دارد که در آن‌ها کم

از کم یک هزار تن واعظ برای تبلیغ مذهب بودایی گماشته شده، ده‌ها مدرسه موجود است که در یکی از آن‌ها کم و بیش یک هزار شاگرد مصروف فراگیری درس اند. هیوان تسنگ مجسمه‌های خورد و کوچک را دیده است، اما یکی ازین مجسمه‌ها هر صبح در مقابل نور آفتاب رنگ طلایی را به خود می‌گرفت و طوری ظاهر می‌شد که گویا از طلا ساخته شده باشد.

بعد از آغاز کاوش‌ها و تحقیقات رسمی در افغانستان در سال ۱۹۲۲ م. برای اولین بار مجسمه بزرگ بامیان از طرف باستان شناس فرانسوی الفردفوشه مورد تحقیق قرار گرفت. او در تحقیقات خود ثابت کرد که در قرن‌های چهارم و پنجم میلادی دو مجسمهٔ بزرگ بودا به نام صلصال و شمامه ساخته شده است.کار کاوش و تحقیقات علمی راجع به این مجسمه‌های بزرگ به وسیلهٔ باستانشناسان فرانسوی آغاز شد و در پی آن باستان شناسان از کشورهای دیگری هم در این خصوص تحقیقات و نوشته‌های کرده اند که به عنوان مثال می‌توان از باستان شناسان هندی، جاپانی، چینی و افغانی یاد کرد.

دو مجسمهٔ بزرگ بودا در بامیان در سال ۲۰۰۱ م. در زمان تسلط طالبان از بین رفت. دو سال بعد از تخریب این مجسمه‌ها در سال ۲۰۰۳ م. بامیان در فهرست ادارهٔ میراث‌های فرهنگی ملل متحد یا یونسکو شامل شد.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به دیدگاه‌های زایران چینی در خصوص بامیان، گروه دوم در رابطه به معلومات دانشمندان اروپایی وگروه سوم بعد از کاوش‌های رسمی در افغانستان راجع به بامیان معلومات خویش را با دیگر هم صنفان شان شریک سازند.



سؤالات

۱- زایران چینی در سفرنامه‌های خود در خصوص بامیان چه معلومات را تحریر نمودند؟ واضیح سازید.

۲- معلومات ابتدایی دانشمندان اروپایی در رابطه به بامیان چه بود؟بیان کنید.

۳- بعد از تحقیقات رسمی راجع به بامیان چه می‌دانید؟ توضیح دهید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به ولایت بامیان معلومات جمع آوری نموده و در صنف آن‌را به دیگران شرح دهند.

کیداریان یا کوشانیان کوچک

در این درس در مورد حاکمیت کیداریان و آغاز حکومت‌های محلی در امپراتوری کوشانی‌ها در بلخ و وضع سیاسی آن‌ها معلومات حاصل می‌نماید.

بعد از مرگ واسودیوا، دوران حاکمان محلی در امپراتوری کوشانی آغاز شد، مرکزیت اداری این امپراتوری بزرگ ازبین رفت، حکمرانان محلی بر اساس منافع و سلیقه‌های شخصی ادارۀ امور را به پیش می‌بردند، در قسمت‌های غربی امپراتوری کوشانی حاکمان متمرد روابط خود را با امپراتوری نو بنیاد ساسانی برقرار کردند که در حقیقت این روابط سعی برای حفظ موجودیت شان بود که کم از کم نیم قرن دوام یافت.

نیروهای ساسانی قادر نشدند تا تمام افغانستان را متصرف شوند، گاهی بر یک منطقه و گاهی بر منطقۀ دیگری از راه تفاهم با حکمرانان محلی و گاهی با استفاده از نیرو می‌خواستند امپراتوری شان را توسعه بخشیده و ریشه دار سازند، اما به قدرت رسیدن کیداریان در بلخ و وجود روحیۀ استقلال طلبانه در حکمرانان کیداری سبب شد تا، جریان جنگ‌های پی در پی ایشان با ساسانیان به درازا بکشد و مقاومت در برابر ایشان تقویت گردد، روی همین ملحوظ بود که اوقات بیشتری کیداریان در جنگ با ساسانیان گذشت.

کیداریان از بقایای حکمرانان کوشانی اند. یک شهزاده مربوط خانواده کوشانی که کیدار نام داشت، ادارۀ امور حکومتی را در بلخ به دست گرفت، اما از حاکمیت کیداریان در بلخ دیری نگذشت که در شمال، مورد حملات پی هم قبایل یفتلی قرار گرفت؛ بنابرآن کیدار پایتخت (مرکز اداری) خود را به سمت غرب هندوکش منتقل کرد و بدون جنگ کابل و گندهارا را تحت تسلط خویش در آورد. حاکمیت کیدار مصادف با سال ۳۲۵ م آغاز دوران کوشانی‌های کوچک محسوب می‌شود.

راجع به دورۀ کیداریان و کابل شاهان معلومات زیادی تا به حال یا بر اساس مسکوکات و یاهم مبنی بر نوشته‌های چینی‌ها به‌دسترس قرار گرفته است. از مسکوکات کیداری طوری آشکار می‌شود که جنگ‌های زیادی میان کیداریان وساسانیان واقع شده و حملات زیادی نیز متقابلاً بر یکدیگر انجام داده اند، در زمان حاکمیت کیدار، جنگ و مخالفت با ساسانیان هشت

سال دوام داشت. در خصوص جنگ‌ها بین کیداریان و ساسانیان، فوستس مؤرخ ارمنستانی نوشته است: «در سال‌های ۳۶۷ و ۳۶۸م. جنگ‌های سختی صورت گرفت که در نتیجهٔ آن، ساسانیان شکست سختی را متحمل شدند.»

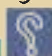
در زمان حکمرانی کیدار در کابل از پسر وی کنگاس، نیز ذکر شده، وی در زمان حکمرانی پدرش ادارهٔ یک تعداد مناطق را بر عهده داشت، بعد از مرگ کیدار پسر دیگری او به نام پیرو به قدرت رسید، نامبرده از ۳۷۵ الی ۳۸۰ م. زمام امور را به دست داشت. یک مقدار مسکوکات طلایی نیز ازین دوره به دست آمده است.

بعد از پیرو، بهرام، یکی دیگر از حکمرانان کابل شاهان یا کیداریان زمام امور را به‌دست گرفت. بعد از بهرام، نواحی جنوبی هندوکش تحت حملات نیروهای یفتلی قرار گرفت که در نهایت به حکمرانی کیداریان و یا کوشانیان کوچک نقطهٔ پایان گذاشته شد.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، بعد از مباحثه گروه، اول راجع به نخستین حکمران کیداریان و گروه دوم در رابطه به حکمرانان بعدی این سلسله به هم صنفان خویش معلومات دهند.



سؤالات

۱- نخستین حکمران کیداریان کی بود؟

۲- راجع به روابط بین ساسانیان و کیداریان چه می‌دانید؟

۳- حکمرانان بعدی کیداریان کی‌ها بودند؟ معلومات دهید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان علاوه بر کتاب مکتب، با استفاده از منابع دیگر راجع به کیداریان معلومات جمع آوری نموده و در صنف درسی آن را به خوانش بگیرند.

امپراتوری یفتلی‌ها

در این درس پیرامون ایجاد امپراتوری یفتلی‌ها، امپراتوران مهم آن‌ها و سقوط این امپراتوری آشنا می‌شوید.

بنابر عقیدهٔ سراولف‌کار مؤرخ انگلیسی، یفتلیان از آسیای مرکزی به طرف جنوب در حرکت افتادند و نخستین ادارهٔ خود را در سال ۴۲۵ م. در تخار ایجاد نمودند، تخار و بعضی از مناطق هندوکش را از سیطرهٔ کیداریان یا کوشانیان کوچک خارج ساختند و به تصرف خود در آوردند، اما در پی جنگ‌های سنگین با ساسانی‌ها مجبور به دفاع از مناطق خود شدند. این قبایل تعداد زیادی از عمارات بودایی را ویران نمودند و عبادت‌گاه‌های آفتاب پرستی را به حال خود گذاشتند.

جنگ میان یفتلیان و ساسانیان زمانی شدت گرفت که یفتلی‌ها بر مناطق جنوب هندوکش



سرحدات افغانستان در زمان یفتلی‌ها



مسکوکات یفتلی‌ها

حاکم نشده بودند، اولین جنگ بین حکمرانان یفتلی و ساسانی در سال ۴۲۷ م. اتفاق افتاد که بهرام گور ساسانی بالای مرو و مرغاب حمله نمود، ولی حاکم یفتلی (خاقان) از قلمرو حاکمیت خود با قاطعیت دفاع کرد و نیروهای ساسانی را به شکست مواجه ساخت. در سال ۴۳۸ م. پسر بهرام یزدگرد دوم بازهم بر نواحی تحت تصرف یفتلی‌ها حمله کرد. وی نیز به شکست سختی مواجه شد به تعقیب آن فیروز اول هم یکبار دیگر راه جنگ با یفتلی‌ها را در پیش گرفت، ولی این بار حکمران یفتلی اخشنور شکست طاقت فرسایی را به فیروز ساسانی تحمیل کرد و وی مجبور شد تا جهت حفظ حاکمیت خویش قباد پسر خود را تسلیم اخشنور نماید. وی برای مدت دو سال مالیات زیادی به حاکمان یفتلی پرداخته و سرانجام خود را رهایی بخشید.

اخشنور بعد از جنگ با فیروز توانست تا وحدت آریانای قدیم را دوباره تأمین کند، نواحی جنوبی هندوکش را متصرف شد. زابل را منحیث مرکز خود انتخاب کرد و از همانجا پلان‌های تسخیر مناطق دیگر را اتخاذ می‌نمود. این در حالی است که جنگ و تشنج میان حاکمان ساسانی افزایش یافته بود، تاحدی که ولاش برادر فیروز به وسیلۀ یکی از وزیران

خویش عزل و از نعمت چشم نیز محروم شد. بعد از این هرج و مرج‌ها در میان حکمرانان ساسانی، پسر فیروز، قباد که مدتی زیادی نزد اخشنور گروگان باقی مانده بود، به حکمرانی ساسانی‌ها رسید. قباد با حاکمان یفتلی راه دوستی را در پیش گرفت. درین حال توجه حکمرانان یفتلی به‌طرف هند معطوف شد.

اخشنور کم از کم نیم قرن حاکمیت داشت، حکمرانان ساسانی مثل ولاش و قباد خراج گذار وی بودند، او در هند خاندان گوپتا را درهم کوفت، تا سال ۴۶۰ م. بیشتر از ۴۰ ولایت آن‌ها تحت تسلط خویش در آورد، بعد از اخشنور پسر وی تورمنه به قدرت رسید. وی در مسکوکات خویش خود را امپراتور زابل تورمنه یاد کرده است. تورمنه قلمرو حاکمیت خود را تا نواحی مرکزی هند وسعت داد و در سال ۵۰۲ م. وفات یافت. بعد از وی پسر او مهراکولا به قدرت رسید.

مهراکولا جهت وسعت دامنهٔ حاکمیت خود بر هند حملات انجام داد و خاندان گوپتا را مجبور به پرداخت باج کرد.با حکمرانان بنگال نیز جنگ‌هایی کرد و تعداد زیادی مراکز بودایی را منهدم کرد، مهراکولا در سال ۵۴۲ م. فوت کرد و همزمان با مرگ او زوال امپراتوری یفتلی هم آغاز شد. هند و بنگال دوباره بدست حکمرانان محلی افتادند و در افغانستان نیز زمینهٔ قدرتمند شدن حاکمان محلی فراهم شد.

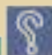
در پی فروپاشی امپراتوری یفتلی در افغانستان دورهٔ دیگری به نام کوشان- یفتلی که همانا دورهٔ حکمرانان محلی بود آغاز شد. در این دوره می‌توان از کابل شاهان رتبیل شاهان، شیران بامیان و تگین شاهان یاد کرد که در نقاط مختلف هر یکی حاکم بودند از ویژه گی این دوره در افغانستان حاکمیت حکمرانان محلی و مقاومت‌های پی در پی است که در نقاط مختلف افغانستان در برابر نیروهای اسلامی صورت گرفته است. از نظر زمانی این دوره عمدتاً

از قرن ششم میلادی الی اواخر قرن هشتم میلادی دوام می‌یابد که مصادف می‌شود با آغاز حکومت‌های مستقل اسلامی در افغانستان .



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول کار و نظریهٔ مؤرخ انگلیسی را در خصوص حکمرانان یفتلی بیان داشته و گروه دوم معلومات خویش را در رابطه به حاکمیت اخشنور به دیگر هم صنفان خود ارائه دارند.



سؤالات

۱- یفتلیان از کجا آمدند؟ معلومات دهید.

۲- راجع به اخشنور حکمران یفتلی چه می‌دانید؟

۳- راجع به تورمنه هرچه می‌دانید؟ بیان دارید.



فعالیت بیرون ازصنف

شاگردان در رابطه به یفتلی‌ها مطلبی را تهیه و آن را در صنف ارائه نمایند.

درس بیستم

اوضاع افغانستان مقارن ظهور اسلام



تصویرمسجد نه گنبد بلخ که اولین مسجد در افغانستان شمرده میشود

در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم میلادی سرزمین افغانستان به وسیلهٔ امیران محلی و بعضی از بقایایی کوشانیان و یفتلیان اداره می‌شد. برای اینکه تصویر جامعی از اوضاع افغانستان مقارن ظهور دین مبارک اسلام ارائه گردد باید این بحث را به طور مختصر تحت دو عنوان مطالعه نماییم.

الف): اوضاع سیاسی

مقارن ظهور دین مقدس اسلام، افغانستان از لحاظ سیاسی در حالت پراکنده‌گی و تشتت به سر می‌برد. از یک طرف، موجودیت دو امپراتوری نیرومند در شرق (امپراتوری گوپتاها) و در غرب (امپراتوری ساسانی‌ها) و از جا نب دیگر، عدم ادارهٔ قوی مرکزی ، زمینهٔ مساعدی را برای به وجود آمدن حکومت‌های محلی مهیا ساخته بود.

هیونتسنگ زایر چینی که در قرن هفتم میلادی به افغانستان سفرنموده و مطالب زیادی در مورد اوضاع و حالات افغانستان نوشته است، پیرامون وضع سیاسی آن‌زمان افغانستان می‌نویسد که : این سرزمین به واحدهای جداگانه منقسم شده که هر حوزهٔ جغرافیایی آن به وسیلهٔ شاه مستقل اداره می گردد.

رتبیل شاهان زابلی از جمله خانواده‌های مشهوری بودند که با کابل‌شاهان روابط حسنه داشته و بر زابل و غزنه تا سیستان حاکمیت داشتند؛ همچنان خانواده‌های چون شیران در بامیان، کابل‌شاهان در کابل و تعداد دیگر ی از این‌گونه حکومت‌های محلی در گوشه و کنار افغانستان حاکمیت داشتند. به این ترتیب، حکومت سراسری قوی مرکزی وجود نداشت.

ب): اوضاع دینی و اجتماعی

مردم این دیار از لحاظ دینی به کیش‌های مختلف اعتقاد داشتند. آیین زردشتی که مبدأ آن در بلخ بود و کیش بودایی که مبدأ آن در هند بود؛ پیروانی در افغانستان داشتند. علاوه برآن، عقاید

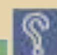
دیگری نیز تا رسیدن مبلغین مسلمان اعراب در این سرزمین وجود داشت. یکی از دلایل موجودیت عقاید متعدد، وضعیت خود مختارحکومت‌های محلی بود؛ اما کلتور و فرهنگ مردم افغانستان آن زمان بنیاد عظیمی از تهذیب‌های ویدی و اوستایی گرفته بود. از ین جهت هیچ کلتور عادی و عقب مانده نمی‌توانست بر مردم این مرز بوم فایق آید، ولی آن عده از فرهنگ‌ها و تهذیب‌های که تازه به میان می‌آمد و نوآوری در آن به ملاحظه می‌رسید مردم این سرزمین همان فرهنگ را با فرهنگ بومی و اصلی خویش یکجا می‌نمودند و به آن چهرهٔ جدید داده و بعد به جهانیان عرضه می‌نمودند. برای ثبوت این مدعا می‌توان به عنوان نمونه از مدنیت‌های دوران یونان- با ختری و گریکوبودیک یاد آوری کرد که هر دو از ابداعات مردم این سرزمین است که از میراث‌های مهم فرهنگی در تاریخ قدیم جهان به شمار می‌رود.

خلاصه این که در اواخر قرن هفتم میلادی آخرین شاه ساسانی به نام یزد گرد سوم ، به وسیلهٔ احنف ابن قیس رضي‌الله‌عنه سر لشکر سپاه اسلام در سال ۶۵۱ میلادی شکست خورد. و به تعقیب آن سپاه اسلام به سمت افغانستان پیشروی کرد. در سال ۲۲ هـ.ق. در عهد خلافت حضرت عمر فاروق رضي‌الله‌عنه لشکر اسلام به افغانستان رسید. فتوحات مسلمانان در اوقات مختلف ادامه یا فت تا سر انجام درعهد حضرت عثمان رضي‌الله‌عنه خلیفه سوم مسلمانان، لشکر اسلام تحت قیادت عبد الله ابن عامر رضي‌الله‌عنه تا حدود کابل رسید و به این ترتیب، زمینه برای سقوط حکومت‌های محلی قبل از اسلام در افغانستان مساعد شد. عساکر فاتح مسلمانان برای ثبات حکومت اسلامی نزدیک دو قرن به جنگ‌های پی در پی ادامه دادند تا اینکه زمینه برای ظهور دولت‌های مستقل اسلامی در افغانستان مساعد گردید.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول وضع سیاسی و گروه دوم وضع اجتماعی و دینی افغانستان را مقارن ظهور دین مبین اسلام در صنف شرح دهند.



سؤالات

۱ – مقارن ظهور اسلام وضع سیاسی افغانستان چگونه بود؟ شرح دهید.

۲ – وضع اجتماعی و دینی افغانستان مقارن ظهور اسلام چگونه بود؟ توضیح دهید.

۳ – آخرین شاه ساسانی به نام ...... به وسیلهٔ احنف ابن قیس رضي‌الله‌عنه در سال ۶۵۱ میلادی شکست خورد.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد چگونه گی آمدن دین مقدس اسلام به افغانستان یک مطلب تهیه نموده آنرا در صنف ارائه نمایند.

فصل سوم
تمدن‌های قدیم جهان

این فصل مشتمل بر درس‌های زیر می‌باشد:

۱- چگونه گی به میان آمدن تمدن و خصوصیات آن

۲- تمدن بین النهرین

۳- تمدن و فرهنگ بین النهرین

۴- تمدن مصر

۵- فرهنگ و تمدن مصر

۶- تمدن فارس

۷- تمدن هند

۸- تمدن چین

۹- تمدن یونان

۱۰ - تمدن روم

۱۱- تمدن‌های امریکا

اهداف فصل

از شاگردان انتظار می‌رود که در پایان این فصل به اهداف ذیل نایل آیند:

- با تمدن‌های بین النهرین، مصر، فارس، هند، چین، یونان، روم و امریکا آشنا شوند.
- دست آوردهای علمی و فرهنگی تمدن‌های متذکره را بیان کرده بتوانند.
- از اطلس‌ها و نقشه‌های تاریخی استفاده کرده بتوانند.
- ارزش تمدن‌های قدیم جهان را درک کنند.
- با تمدن‌های قدیم جهان و دست آوردهای آن‌ها علاقه‌مند شوند.

چگونه‌گی به میان آمدن تمدن و خصوصیات آن

در این درس در بارۀ نظریات دانشمندان راجع به چگونه‌گی به میان آمدن تمدن‌ها و خصوصیات آن‌ها معرفت حاصل می‌نماییم.

تمدن، کلمه عربی بوده که به مفهوم شهر نشینی اطلاق می گردد.در رابطه به چگونه گی به میان آمدن تمدن نظریات مختلف از طرف مؤرخان و جامعه شناسان ارائه شده است. ابن خلدون مؤرخ مشهور جهان اسلام بدین باور است که تمدن بر بنیاد فرهنگ‌های بدوی به وجود می‌آید و تحت حملات همین فرهنگ بدوی نیز دوباره از بین می‌رود و این جریان به شکل دایروی پایان می‌یابد. آرنولد تاینبی نظریۀ چالش‌ها و عکس العمل را عامل به وجود آمدن تمدن می‌داند، بنابر باور آرنولد تاینبی مشکلات پی در پی، انسان‌ها را مجبور به تلاش نمود که در نتیجه این عمل باعث به میان آمدن تمدن گردید.

یک تعداد مؤرخان به این باور اند که تمدن بشری دارای منشأ واحد بوده و از یک حوزۀ باستانی آغاز شده است.گوردن چایلد یکی از مؤرخانی است که تمام مدنیت‌ها را برآمده از یک هستۀ واحد و یا محل واحد می‌داند، تمدن‌های مصر، بین النهرین و سند را تحت مطالعه قرار داده و شباهت‌های میان این تمدن‌ها را برملا کرد و سر انجام سرچشمۀ تمام تمدن‌ها را مصر، عنوان نمود.

گروه دوم مؤرخان معتقد اند که منشأ تمدن‌ها یکی نیست و تمدن‌های دنیا از یک تمدن سرچشمه نگرفته، بلکه نظر به شرایط هر منطقه، تمدنی به میان آمده و انکشاف کرده است.

خصوصیات تمدن‌های اولیه

۱- انقلاب شهری: حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد انسان‌ها به یک مرحلۀ مهم تمدن وارد شدند که آن عبارت از ایجاد شهرها بود. جدا شدن زراعت از مالداری به نوبۀ خود بستر مناسب را برای ایجاد شهرها به وجود آورد. شهرها مراکز تغییرات دینی، سیاسی، فرهنگی،

اجتماعی و اقتصادی شدند. در تاریخ بشریت این انکشاف را به نام انقلاب شهری نامیده اند.

۲- ساختارهای نظامی وسیاسی: همزمان با آغاز زنده‌گی شهری ادارات حکومتی نیز به وجود آمد تا جامعه را به طرف رشد و ترقی سوق نموده و به خواست آنان پاسخ بدهد. نیروی نظامی نیز به منظور حفظ قدرت سیاسی و تصرف مناطق جدید، تشکیل گردید.

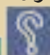
۳- ساختار اجتماعی جدید بر اساس نیروی اقتصادی: پادشاهان، روحانیون ، طبقهٔ بالا، رهبران سیاسی و جنگجویان اهرام قدرت را به دست گرفتند و خود به طبقهٔ ممتاز در جامعه مبدل شدند. زارعان(کشاورزان) و صنعت کاران در طبقهٔ دوم و غلامان در طبقهٔ پایین جامعه جای داده شدند.

٤- تشکیلات دینی: در مدنیت‌های اولیه تشکیلات و ساختارهای دینی حایز اهمیت خاص بودند. پس از انحراف برخی از مردم جوامع قدیم از جادهٔ توحید و آغاز جریان‌های شرک و خرافات که از طریق ساختارهای دینی به منظور تلقین و باور مردم آغاز شد برای ارباب الانواع کاذب شان نقش مهمی در موفقیت جامعه قایل شدند و به همین طریق برای انکشاف مدنیت و ساختار سیاسی به وجود آمده در تلاش بودند.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد چگونه‌گی به میان آمدن تمدن و گروه دوم در بارهٔ خصوصیات تمدن باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- در مورد به میان آمدن تمدن، نظر ارنولد تاینبی چه بود؟

۲- در مورد منشأ تمدن، نظریات دانشمندان را بیان نمایید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد نمونه‌های تمدن معلومات جمع آوری و به هم‌صنفان خود ارائه نمایند.

تمدن بین النهرین

در این درس راجع به قدامت محلات باستانی و اوضاع سیاسی تمدن بین النهرین معلومات حاصل می‌نماییم.

آن منطقهٔ‌که در میان دو دریای (دجله و فرات) موقعیت دارد به نام بین النهرین یاد می‌گردد، در این منطقه، قدیمترین تمدن جهان به وجود آمده است که مؤرخان عامل به وجود آمدن آن را سواحل دجله و فرات می‌دانند. به نظر مؤرخان توفان نوح علیه السلام در همین منطقه اتفاق افتاده است.

قدیمی ترین محل بین النهرین به نام تل حسونا یاد می‌شود که ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد در آن قلعهٔ بزرگی وجود داشت و مردم آن به زراعت اشتغال داشتند؛ لیکن با ازدیاد نفوس در این محل در سال‌های ۵۰۰۰– ۴۰۰۰ قبل از میلاد به بین النهرین هجرت نمودند و در آنجا تمدنی را بنیاد نهادند که به نام تمدن سومریان یاد می‌شود.

در سومریعنی محل سکونت سومری‌ها شهرهای زیادی ایجاد شد که از جمله شهرهای اور، اوروک، کیش، لاگاش، لارسا و وینپور قابل ذکر است. این شهرها به صورت مستقل اداره شده، روی همین ملحوظ دولت‌های شهری محسوب می‌شدند، در میان این شهرها عبادتگاه‌های وجود داشت که در آن مجسمهٔ خدای حافظ شهر حفاظت می‌شد.

وضع سیاسی بین النهرین

شهرهای دولت سومری از سوی کاهنان که بزرگان شان به نام انسی یاد می‌شدند به صورت مستقل اداره می‌شد و حاکمیت مرکزی وجود نداشت یکی از حکمرانان سومر ایتن بود که بر تمام دولت‌های سومری تسلط داشت.

در سال ۲۴۰۰ قبل از میلاد اقوام اکدی حکمران سومری (گیل گمیش) را از میان برداشتند و قدرت را به دست آوردند، اولین حکمران این سلسله سارگون بود که قلمرو خود را از خلیج فارس تا شمال بین النهرین گسترش داد، او از همین لحاظ در تاریخ سیاسی بین النهرین از

شهرت زیادی برخوردار است و نخستین امپراتور به حساب می‌آید. این سلسله بعد از دو قرن حکمرانی از طرف یکی از اقوام شمال شرق (گوتی) از بین رفت.

گوتی‌ها یک قرن حاکمیت کردند و سر انجام به وسیلهٔ سومریان محو شدند ، بعد از مدتی، سومری‌ها واکدی‌ها باهم متحد شدند و حکومت اور را ایجاد کردند، در این زمان ایلامی‌ها که در غرب و جنوب فارس حاکم بودند و تازه تابع حکومت اور شده بودند، یکبار دیگر به استقلال دست یافتند، در برابر سومری‌ها به جنگ پرداختند و در ۲۰۰۷ قبل از میلاد به حاکمیت آن‌ها نقطهٔ پایان گذاشتند.

در پی از بین رفتن حاکمیت اور در بین النهرین جنوبی جنگ آغاز شد که در اثر آن سلسلهٔ بابلی‌ها که در قرن ۱۹ قبل از میلاد تأسیس شده بود، قسمت اعظم این کشور را متحد ساخت و به نام بابلیان امپراتوری را ایجاد کرد.


سه تصویر از یک مجسمهٔ حمورابی

عصر امپراتوری باستانی بابلیان که سه قرن دوام نمود، فصل مهم تاریخ جهان محسوب می‌گردد، حکمران مشهور این سلسله حمورابی بود که وحدت بین النهرین را تأمین کرد و قلمرو خود را توسعه بخشید و یک امپراتوری را اساس گذاشت، علاوه بر آن زراعت و تجارت را انکشاف داد و هم یک قانون را ساخت که به نام قانون حمورابی یاد می‌گردد، پایتخت حمورابی شهر بابل بود که یکی از شهرهای بزرگ دنیای قدیم به حساب می‌آید.

با مرگ حمورابی در بین النهرین شورش‌ها آغاز شد که در نتیجهٔ آن بابلی‌ها از بین رفتند و آشوریان به قدرت رسیدند، آشوری‌ها قوم جنگی بودند که در آشور حاکمیت داشتند.

قسمتی از قانون حمورابی

اگر کسی فرد را به قتل متهم کرد و آن را به اثبات نرساند، اتهام کننده باید به قتل برسد.

اگر کسی به غلام فراری پناه داد، باید کشته شود.

اگر کسی غلام دیگری را کشت، در بدل آن باید غلام بدهد.

اگر یک فرد آزاد یک فرد آزاد دیگر را کشت، در بدل آن باید جریمهٔ نقدی پرداخت کند و اگر فرد بابلی را کشت شصت دره باید زده شود.

نخستین حکمران این سلسله سارگون بود که ۱۹۰۰ سال قبل از میلاد شهر اور را به دست آورد. در قرن ۹ قبل از میلاد آشوریان موفقیت‌های زیادی به دست آوردند و قلمرو خویش را تا سواحل مدیترانه وسعت دادند. و بعد از مدت زمانی، مصر را نیز متصرف شدند، آخرین حکمران این سلسله، آشور بانیپال بود که نواحی زیادی را به تصرف خود در آورد و به اقتدار سیاسی ایلامی‌ها نقطهٔ پایان گذاشت. مرکز این سلسله شهر نینوا بود که در ادارهٔ آشور بانیپال توسعه یافته بود.

قوم بعدی که بیشتر از یک قرن در بین النهرین حکومت کردند کلدانی‌ها بودند و به نام بابلی‌های نو نیز یاد می‌شدند، زیرا آن‌ها پایتخت خود را از نینوا به شهر بابل انتقال دادند و سعی کردند تا تمدن بابلی‌ها را احیا نمایند و قانون حمورابی را پیاده کنند، اما موفق نشدند.

در سال ۵۳۹ قبل از میلاد هخامنشی‌ها حکمران اخیر کلدانیان (بخت نصر) را از بین بردند و

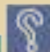
شهر بابل را متصرف شدند، به این ترتیب، بین النهرین به قلمرو هخامنشی‌ها ملحق شد.

بعد از هخامنشی‌ها ساسانی‌ها بر بین النهرین تسلط یافتند و منطقهٔ مذکور در قرن هفتم میلادی از طرف مسلمانان تسخیر شد.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد سومری‌ها، گروه دوم در مورد اکدی‌ها و گروه سوم در مورد بابلی‌ها باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- نخستین تمدن بین النهرین چه نام دارد و علت به میان آمدن آن چه بود؟

۲- در مورد شهرهای سومری چه می‌دانید؟ واضح سازید.

۳- در مورد حکومت اور معلومات خویش را بگویید.

۴- حمورابی کدام کارها را انجام داد واضح سازید؟



فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد وضع سیاسی بین النهرین معلومات بیشتر جمع آوری و به دیگر هم صنفان خود ارائه نمایند.

تمدن و فرهنگ بین النهرین

در این درس، پیرامون عقاید دینی بین النهرین، دست آوردهای علمی و اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم بین النهرین معلومات حاصل خواهید کرد.

دین: مردم بین النهرین به خدایان زیادی چون آسمان، ستاره گان، مهتاب، زراعت وغیره باور داشتند. آن‌ها مجسمه‌های خدایان شان‌را ساخته بودند و مشغول پرستش آن‌ها بودند. در مراکز شهرها به روی تپه‌ها معابد چند طبقه یی وجود داشت که در هر معبد آن مجسمهٔ خدایان حافظ شهر گذاشته شده بود.

مردم بین النهرین به هدف رضای خدایان مراسم مختلفی را اجرا می‌کردند. قربانی می‌کردند و مشترک سروده‌های مذهبی می‌سرودند. آن‌ها به زنده‌گی بعد از مرگ معتقد بودند. بنابرآن، با مرده‌ها در قبر وسایل را دفن می‌کردند.

بر اساس نصوص دینی و روایات تاریخی خداوندﷻ حضرت ابراهیم علیه السلام را فرستاد تا مردم را به ترک پرستش معبودان باطل و عبادت خدای واحد دعوت نماید. دعوت توحیدی ابراهیم علیه‌السلام به مقاومت شدید نمرود پادشاه آن وقت و سران شرک مواجه شد؛ ولی به‌زودی از مرزهای بین النهرین گذشت و به فلسطین و جزیرة‌العرب رسید.

زراعت: منابع سرشار آبی دجله و فرات عامل مهم در توسعه و انکشاف زراعت در بین النهرین بود که به اثر آن سیستم منظم آبیاری به میان آمد و راه برای زنده‌گی اجتماعی هموار شد. گندم و جو از مهمترین پیداوار بین النهرین بود.

خط: لوایح زیادی گلی از بین النهرین به دست آمده که نوشته‌های مختلف بر روی آن‌ها به نظر می‌رسد. تحقیقات مؤرخان ثابت کرده است، لوایحی که قدامت آن به ۵۰۰۰ سال ق.م. می‌رسد، در واقعیت امر، کتاب‌های همان زمان است، برین اساس گفته می‌توانیم که قدیمترین کتابخانهٔ جهان در بین النهرین به وجود آمده است. این لوایح مطالب زیادی راجع به تعلیم و تربیه، عبادت خدایان، مسایل حقوقی، جنگ‌ها، داد و ستد وغیره را دارا می‌باشد که به خط میخی نوشته شده. پس گفته می‌توانیم که نخستین خط به میان آمده در بین النهرین خط میخی است.

علوم: علم نجوم در بین النهرین به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌یی دست یافته بود. دلیل آن هم پرستش ستاره گان بود. آن‌ها ستاره‌ها را که در حال حاضر عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل نامیده می‌شوند می‌شناختند. سواحل دریای دجله و فرات برای مردم بین النهرین بهترین مشوق بود تا در مورد تنظیم سیستم آبیاری و استفاده از آن و تعیین حدود زمین‌های شان فکر کنند. به این ترتیب، نخستین فعالیت‌های ریاضی و هندسی به میان آمد و به تعقیب آن عملیه‌های جمع، منفی، ضرب و تقسیم نیز ایجاد شد، مردم بین النهرین هر سال را به دوازده ماه قمری و هر ماه را به چهار قسمت تقسیم کرده بودند که به این شکل، هفته به وجود آمد.

توضیح: بابل، شهر بزرگ و پر آوازهٔ جهان باستان

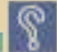
بابل یکی از شهرهای قدیم بین النهرین است. به نظر مؤرخان این شهر از ۴۰۰۰ سال ق.م. بدینسو وجود داشته و از اولین شهرهای جهان به حساب می‌آمد. شهر بابل در زمان حکمرانی قدیم بابلی‌ها و به خصوص در زمان حکمرانی حمورابی بسیار انکشاف یافت. در سال ۵۳۹ ق.م. شهر بابل تحت تصرف کوروش، زمامدار هخامنشی‌ها قرارگرفت شهر بابل در کرانهٔ دریای فرات واقع است. مساحت این شهر بزرگ ۵۲۰ کیلومتر مربع تخمین شده است. در دورا دور این شهر استحکامات بلند و محکم موجود بود. این استحکامات نزدیک به۲۵۰ برج و ۱۰۰ دروازه داشت که در دورا دور آن حفره‌های عمیق پر از آب وجود داشت و دیوارهای به طول ۹۰ کیلومتر این شهر را احاطه نموده بود دریای فرات از وسط شهر می‌گذشت هر دو طرف این شهر توسط دو پل مقبول و زیبا وصل می‌گردید. تعمیرات شهر از سنگ اعمار گردیده بود روی این سنگ‌ها توسط رنگ سفالی پوشانده شده بود و بلندترین عمارت جهان شمرده می‌شد. طرف بیرونی این تعمیر توسط کاشی‌های منقوش زیبا تزیین شده بود هنگامی که یونانی‌ها به بین النهرین آمدند این منطقه مورد توجه اسکندر قرار گرفته و آن‌را مقر خویش قرار داد در نتیجهٔ جنگ‌های جانشینان اسکندر این شهر خساراتی را متحمل شد و بعد از آن به سوی سقوط می‌رفت. از روی آیات قرآن کریم ثابت است که حضرت ابراهیم علیه‌السلام در بابل بت‌ها را شکستاند و بنابرامر حاکم بابل نمرود در آتش افگنده شد- خرابه‌های شهر بابل در۸۵ کیلومتری جنوب شهر بغداد در نزدیکی‌های کوفه همین حالا هم موجود می‌باشد.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند.

- گروه اول در مورد عقاید مذهبی مردمان بین النهرین؛
- گروه دوم در مورد پیشرفت علوم در بین النهرین؛
- گروه سوم درمورد شهر بابل باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- در بارهٔ عبادتگاه‌های بین النهرین چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

۲- در بخش علوم، بین‌النهرین کدام دست آوردها دارد؟

۳- در مورد شهر بابل چه می‌دانید؟



فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد نمرود (حاکم بابل) معلومات جمع آوری نموده و به هم‌صنفان خود ارائه نمایند.

تمدن مصر

در این درس پیرامون عوامل به وجود آمدن تمدن مصر ، مراحل تکاملی آن و همچنان به ارتباط وضعیت سیاسی مصر باستان معلومات حاصل خواهیم کرد.

کشور مصر در افریقا واقع شده است، به نظر مؤرخان عامل به وجود آمدن تمدن بشری در مصر دریای نیل بود که در حاشیه و سواحل خود زمینهٔ ایجاد شهرها و قریه‌ها را به میان آورد، فرهنگ را انکشاف داد و بسیاری از فعالیت‌های تمدن شهری را اساس گذاشت.

در مصر از ۵۰۰۰ الی ۳۲۰۰ قبل از میلاد حکومت مرکزی مقتدری دروادی نیل وجود نداشت، ولی با وجود آن هم بعضی از حکمای محلی متحد شدند و دو حکومت را یکی در جنوب و دیگری در شمال ایجاد کردند.

در این دوره، هنر انکشاف کرد، بر اساس رسوم و عادات قانون ساخته شد و همچنان خط و تقویم به میان آمد که از پیشرفت علمی این عصر شمرده می‌شود.

در ۳۲۰۰ قبل از میلاد همزمان با وحدت دو حکومت شمالی و جنوبی یک حکومت مرکزی ایجاد شد. بنیان گذار این حکمرانی مینز اول(menz) بود که بانی دورهٔ اول نیز شمرده می‌شود.

مراحل تکاملی مصر باستان

مؤرخان تاریخ مصر را از زمان مینز تا ورود هخامنشی‌ها به سه دوره تقسیم نموده اند:

۱- سلطنت قدیم

سلطنت قدیم با به قدرت رسیدن مینز آغاز می گردد، در این سلطنت شش خاندان پی در پی به قدرت رسیدند، سیستم حکومتی در این دوره، تیوکراسی (دینی) بود، پادشاه رهبر سیاسی و هم رهبر دینی بود، زیرا نیروی شاه به اصطلاح نیروی خدایی شمرده می‌شد و در میان مردم از احترام زیاد برخوردار بود، از همین لحاظ، لقب فرعون به وی داده می‌شد.

سلطنت قدیم مصر، نیروی نظامی کافی در اختیار نداشت و از روش مسالمت آمیز پیروی می‌نمود. این دوره در سال ۲۳۰۰ق. م. پایان یافت که همراه با آن عصر جدید آغاز شد و به مدت دو قرن دوام کرد و به نام دورهٔ فیودالی(حکومت زمینداران بزرگ) یاد می گردد.

در دورهٔ یاد شده هرج و مرج حاکم بود، نجیب زاده‌ها از قدرت زیادی برخوردار بودند که به همین دلیل گاه‌گاهی قیام‌هایی از سوی طبقات پایین اجتماع به میان می‌آمد.

۲- سلطنت میانه

در ۲۱۰۰ قبل از میلاد خاندان یازدهم به قدرت رسید که در نتیجهٔ آن هرج و مرج‌ها پایان یافت و صفحهٔ جدیدی در تاریخ مصر باز شد که به نام سلطنت میانه یاد می گردد.

این سلطنت در مقایسه با سلطنت قدیم ضعیف‌تر بود، فرعونیان یکی پی دیگر به قدرت می‌رسیدند، ولی قدرت اصلی به دست حاکمان کوچك بود، خاندان دوازدهم زمانی که به قدرت رسیدند به این وضعیت خاتمه دادند، فرعونیان را صاحب قدرت بیشتر ساختند، عدالت تأمین شد و مردم بدون تفاوت و تبعیض نژادی به کار گماشته شدند، پس گفته می‌توانیم که خاندان دوازدهم نخستین بنیان‌گذاران دموکراسی بودند، این حاکمیت از نظر عدالت اجتماعی و پیشرفت علمی یك دورهٔ زرین بود که با ختم آن مصر یکبار دیگر دستخوش هرج و مرج و تجاوز بیگانه‌ها قرار گرفت که بیشتر از دو قرن دوام نمود، سرانجام، پیشرفت‌های علمی وا جتماعی از بین رفت و هکسوس‌ها که در آسیای غربی حکمرانی داشتند ، مصر را متصرف شدند. این تسلط تأثیرات مهم از خود به جا گذاشت. نه تنها ایشان را با اصول جنگی آشنا ساخت، بلکه به اتحاد در برابر خارجی‌ها نیز آن‌ها را ترغیب کرد. حکمرانان مصر در مقابل هکسوس‌ها قیام را آغاز کردند و نیروهای بیگانه را از سرزمین خویش اخراج نمودند. قهرمان این پیروزی اهموز اول مؤسس خاندان هژدهم بود.

۳- دورهٔ امپراتوری

این دوره با خروج هکسوس‌ها و به قدرت رسیدن اهموز اول آغاز می‌گردد، اهموز در مقایسه با گذشته یک نظام فراگیر را ایجاد کرد ، فلسطین را تسخیر نمود و تا به سوریه رسید ، حملات و لشکر کشی‌های موفق این دوره در زمانی توتمس سوم، رخ داد که نواحی وسطی رودهای دجله وفرات را به قلمرو مصر ملحق ساخت.



جسد مومایی شده ی فرعون

در پی مرگ امپراتور باز هم شورش و تشنج به میان آمد که فرعون‌های مصری در فروکش کردن آن عاجز ماندند و در پی آن انقلاب‌های یکی بعد دیگر آغاز شد و تا قرن دوازهم قبل از میلاد مناطق مفتوحه را از دست داد و حکمرانی ایشان روبه تنزل نهاد.

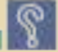
در ۶۷۰ ق. م. مصر از سوی آشوریان تصرف شد و تا ۶۶۲ ق. م. تحت استعمار آن‌ها باقی ماند، بعد از این مصر یکبار دیگر نیرو گرفت و فرهنگ انکشاف یافت، ولی این حالت دیری دوام نیاورد، در ۵۲۵ ق. م. مصر به تصرف امپراتوری فارس در آمد که بعد از این تمدن گذشته حیات دوباره نیافت.

در مجموع بیست خاندان در مصر به قدرت رسیدند و تعداد کثیری از فرعونیان در آن حکمرانی کردند که رامسس دوم یکی از این حکام بود که در زمان حکمرانی او حضرت موسی(ع) ظهور کرد.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد سلطنت قدیم، گروه دوم راجع به سلطنت میانه گروه سوم راجع به عصر امپراتوری باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- در وادی نیل چه وقت و توسط کی حکومت مرکزی به وجود آمد؟

۲- راجع به ادوار تاریخی مصر معلومات خود را بیان کنید.

۳- حضرت موسی علیه‌السلام در زمان کدام حاکم ظاهر شد؟ نام بگیرید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به فراعنهٔ مصر، معلومات جمع نموده و به دیگر اعضای صنف ارائه نمایند.

فرهنگ و تمدن مصر

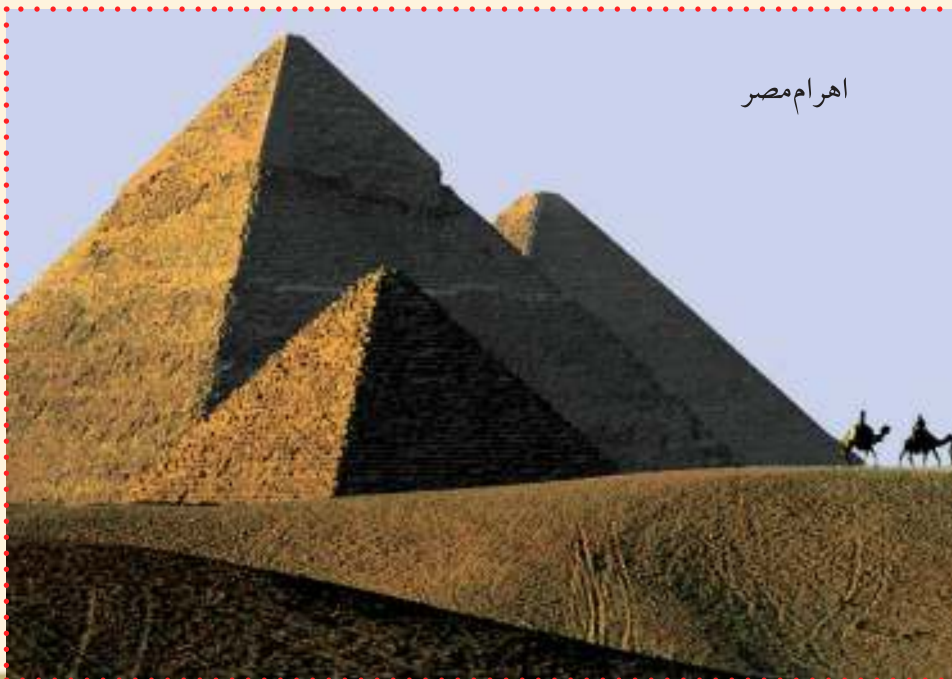
در این درس راجع به دین، وضع اجتماعی، سیستم اقتصادی، دستاوردهای علمی، فعالیت‌های هنری و آثار باستانی مصر قدیم معلومات حاصل مینمایید.

دین

در زنده‌گی اجتماعی مصریان دین نقش بارزی داشت و تمام شؤون زنده‌گی را تحت تأثیر قرار داده بود، سیستم حکومتی در سلطنت قدیم مصر تیوکراسی (دینی) بود در دورۀ سلطنت میانه و حتی امپراتوری، امور کشور از طریق دین اداره می‌شد.

در سلطنت قدیم، ادیان مختلفی با هم یکجا شدند و یک دین واحد را به میان آوردند، همچنین از میان خدایان متعدد آمون ری (رب النوع آفتاب) که حافظ عدالت، صداقت و امور اخلاقی کایینات محسوب می‌شد و اوسیروس (رب النوع نیل) که خدای نباتات شمرده می‌شد به وجود آمد، در عصر سلطنت میانه و امپراتوری دین به تکامل نهایی خود رسید.

در زمان تجاوز هکسوس‌ها این مذهب به ادیان خرافاتی مبدل شد، مردم در مقابل پول بخشش‌نامه که به روی پاپیروس نوشته می‌شد می‌گرفتند و در کنار مرده آن را در قبر


اهرام مصر

می‌گذاشتند، در این نامه برای مرده از ارباب الانواع طلب مغفرت می‌شد.

این خرافات که از سوی روحانیون به منصهٔ اجرا در می‌آمد، تأثیر سوء به محیط به جا گذاشت که در اثر آن در سال ۱۳۷۵ قبل از میلاد به رهبری امینوهوتپ چهارم قیام رخ داد. مذهب قدیم از بین رفت و به جای آن دین جدید به میان آمد، در آن خدای اتون که نام قدیم آفتاب بود مورد پرستش قرار می‌گرفت، امینوهوتپ به اخناتون تغییر نام داد، فرعونیان اخیر با این دین علاقمندی چندانی نداشتند، گذشته از آن توتن خامون خرافات دینی را دوباره ترویج کرد و دین اتون را از میان برد.

میراث‌های فرهنگی مصر تا حدی زیاد اهرام، مومیایی‌ها، عبادتگاه‌ها، مقبره‌ها، مجسمه‌ها، تصاویر، سنگ نوشته‌ها و سرودهای دینی است که تمامی آن‌ها در سایهٔ مذهب شکل گرفته است.

مصریان به ارباب انواع عقیده داشتند، آفتاب، مهتاب،دریای نیل و بعضی از حیوانات را مقدس می‌پنداشتند و به مقصد احترام، تصاویر و مجسمه آن‌ها را در معابد می‌گذاشتند. مگر این را نیز ناگفته نباید گذاشت که در کنار این همه خرافات و اوهام پرستی و شرک خداوند(ﷻ) برای هدایت مردم به‌طرف توحید و یکتا پرستی پیامبران علیهم السلام را فرستاده است. موسی علیه‌السلام و برادرش هارون علیه‌السلام در مصر به پیامبری مبعوث شدند. موسی علیه السلام و پیروانش بیرق توحید و یکتا پرستی و زنده‌گی در پرتو تعلیمات الهی را بر افراشت و با فرعون زمان در گیر شد. سر انجام، قیام موسی علیه السلام علیه شرک و خرافات و ظلم و بی عدالتی فرعون در نهایت به یک حرکت مردمی تبدیل شد و در فرجام، فرعون غرق گردیده و دعوت توحید بار دیگر اوج گرفت.

در آغاز، مصریان مرده‌های شان را به پارچه‌ها می‌پوشانیدند و در قبر می‌گذاشتند، ولی بعدها این شیوه را تغییر دادند و غرض حفظ جسد، آن‌ها را مومیایی می‌کردند و اشیای مورد ضرورت آن را همراه با مرده در قبر دفن می‌کردند.

اوضاع اجتماعی

جامعهٔ مصر در واقعیت از چهار طبقه تشکیل شده بود، در هر طبقهٔ آن افراد و در رأس آن فرعون جای داشت، در میان طبقات، تفاوت زنده‌گی زیاد محسوس نبود، تمام افراد در برابر قانون برابر بودند، البته تفاوت‌های اقتصادی موجود بود. به جز از اعضای خانوادهٔ شاهی دیگر موقعیت اجتماعی هیچ فردی مشخص نبود وحتی نوکران و غلامان می‌توانستند تا از یک طبقه به طبقهٔ دیگر ترفیع کنند. غلامان که در اوایل به کارهای شاقه گماشته می‌شدند، بعدها به خدمات عسکری شامل شدند و در زنده‌گی ایشان تغییرات رونما گردید تا سرانجام

صنف یا طبقهٔ غلامان به طور کامل از بین رفت.

در جامعهٔ مصری زنان از مقام والای اجتماعی برخوردار بودند تا حدی که می‌توانستند به تاج و تخت فرعونی برسند، عروسی و ازدواج در میان فامیل‌ها زیاد معمول بود مبنی بر آن فرعونیان با خویشاوندان و اقارب نزدیک خود در فامیل ازدواج می کردند.

در عرصهٔ تعلیم و تربیه نیز مصر به پیشرفت قابل توجه نایل آمده بود، درکنار مکاتب دولتی مکاتب خصوصی نیز وجود داشت و افراد وابسته به هر طبقه می‌توانست در آن‌ها به کسب تحصیل بپردازد.

سیستم اقتصادی

اساس اقتصادی مصر بر زراعت و مالداری استوار بود، زراعت بسیار توسعه یافته بود و زمین، حاصلات خوبی می‌داد، بنابر فرهنگ همان زمان تمام اراضی ملکیت فرعون محسوب می‌شد و در مقابل، مالیه به مردم به اجاره داده می‌شد. بعد از قرن ۲۰ ق.م. تجارت به سرعت توسعه یافت و در استحکام بنیهٔ اقتصادی از همه بیشتر کسب اهمیت کرد.

مصریان با کشورهای خارجی روابط تجارتی شان‌را گسترش داده بودند که مثال خوب آن رسیدن سنگ لاجورد افغانستان به مصر در ۳۰۰۰ ق.م. بود.

صنعت نیز در توسعهٔ اقتصادی مصرحایز اهمیت بود، کشتی‌سازی، شیشه سازی، کلالی، نساجی و صیقل سنگ عبارت از صنایعی بودند که در آن افراد زیادی به کار اشتغال داشتند، در ضرب سکه فلزی نیز مصر شهرت جهانی کسب کرده بود.

تا دورهٔ امپراتوری، زمین در میان مردم تقسیم شده بود و از کنترول عملی دولت خارج محسوب می‌شد، اما مصارف گزاف این دوره موجب شد تا مالیات برزارعان افزایش یابد که به این گونه فرعونیان صاحب زمین، و زارعان به نوکران آن‌ها مبدل شدند. افزون بر آن به منظور به دست آوردن سود بیشتر تجارت خارجی نیز به انحصار دولت در آمد.غیر از دورهٔ اخناتون دیگر در تمام دورهٔ امپراتوری، روحانیون از مالیه معاف بودند و در بودجهٔ دولت سهم خاص داشتند، علاوه بر آن یک هفتم حصهٔ زمین زراعتی سهم روحانیون شمرده می‌شد و همچنین مالک هزاران حیوان و نزدیک به صدکشتی نیز بودند.

ادبیات

مصریان، نخستین کسانی بودند که خط تصویری (هیرو گلیف) را ایجاد کردند، کاهنان این خط را به منظور نوشتن مطالب مربوط به عبادتگاه‌ها، قصرها و قبور فرعونیان به کار می‌بردند و در مکاتب خاص آن را به شاگردان تعلیم می‌دادند. علاوه بر هیروگلیف رسم

الخط دیگری به نام دیموتیک نیز مروج بود که مردمان طبقات متوسط و تاجران از آن استفاده می کردند.

کاهنان به تدریس علوم مختلف و تربیت فرزندان اشراف در مکاتب اشتغال داشتند، در این مکاتب از کاغذ پاپیروس بهره گرفته می‌شد.

به میان آوردن سال‌نامه نیز قابل ذکر است که در حقیقت همچون کتاب‌های تاریخ آن زمان شمرده می‌شد و در آن پیروزی فرعونیان و مسایل مربوط به آن‌ها به وسیلهٔ منشی‌ها تحریر می‌شد.

هنر و معماری

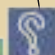
میراث‌های فرهنگی به یادگار مانده تا حدی زیادی به تمدن مصر، شهرت داده است.

این آثار عبارت از اهرام، عبادتگاه‌ها، قصرها، مجسمه‌ها وتصاویری است که بزرگی و دانایی حاکمان وقت را بیان می کند که اهرام سه گانهٔ مصر بهترین مثال آن است. بر علاوهٔ اهرام، عبادتگاه‌های زیادی نیز اعمار گردیده بود که در اطراف آن برای غلامان،کاهنان و کارگران نیز محل بود و باش وجود داشت، در این عبادتگاه‌ها مجسمه‌های حیوانات مقدس گذاشته شده بود و ستون‌های آن مملو از تصاویر و نوشته‌های دینی بود.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به مذهب گروه دوم در رابطه به سیستم اقتصادی و گروه سوم راجع به هنر و معماری مصریان باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- راجع به عقاید مذهبی مصری‌ها چه می‌دانید؟ توضیح دهید.

۲- راجع به اوضاع اجتماعی مصریان چه می‌دانید؟

۳- راجع به ادبیات مصریان چه می‌دانید؟ توضیح دهید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان معلومات خویش را در رابطه به دست‌آوردهای مصری‌ها نوشته و به هم‌صنفان شان تقدیم کنند.

تمدن فارس

در این درس راجع به تمدن فارس که یک شاخهٔ از تمدن آریانا است معلومات حاصل می‌نماییم

زمانی که آریایی‌ها در بخدی(بلخ) متوطن گشتند به دلیل ازدیاد نفوس به داخل آریانا، جانب شرق و غرب آریانا مهاجرت نمودند، آنانی که به سمت غرب به مهاجرت پرداختند در شمال فارس (ایران امروزی) مسکن گزین شدند به نام مادها و فارس‌ها شهرت یافتند و تمدنی را پی ریزی نمودند که به نام تمدن فارس معروف است. دشت‌های بزرگ ، دریاها و منابع طبیعی غنی فارس سبب شد تا در این کشور زراعت، مالداری و صنعت انکشاف یابد و تمدن‌های بشری به میان آید.

سیالک، گوران، مارلک، جیروفت و شهر سوخته از مناطق معروف باستانی فارس است که اهالی آن با مناطق همجوار خود؛ همچون مندیگک، موهنجودارو و هراپه ارتباط داشتند.

ایلامی‌ها ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد در فارس تمدن ایلام را به وجود آوردند. معلومات بیشتر تاریخی در مورد این تمدن از شهر شوش که مرکز سیاسی ایلامی‌ها بود به دست آمده است. ایلام در بخش‌های ادب، هنر و صنعت به پیشرفت‌های قابل ملاحظه دست یافت، اما با به قدرت رسیدن بابلی‌ها و آشوری‌ها، ایلامی‌ها رو به ضعف نهادند که درنتیجه، در سال ۶۴۵ ق.م. ایلام از طرف آشور بانیپال فتح شد. نوشته‌های آشوری از دو قبایل متذکر می‌شود که در شمال غرب فارس اقامت داشتند که عبارت از مادها و پارس‌ها بودند.

به روایت هیرودت در اواخر قرن هشتم قبل از میلاد شخصی به نام دیاکو قبایل ماد را تحت تسلط خود در آورد و حکومت مادها را بنیان گذاشت. در این سلسله سه پادشاه معروف به قدرت رسیدند که یکی از جملهٔ آن‌ها استیاگ بود که در زمان

حاکمیت او اقتدار مادها به اوج خود رسید و به قلمرو مادها وسعت زیادی داد.

توسعه طلبی قلمرو مادها توسط قبایل پارسی متوقف شد، پارسی‌ها به رهبری کوروش با هم متحد شدند و در سال ۵۵۳ ق.م حاکمیت مادها را از بین بردند، در پی فروپاشی حکومت مادها، قدرت به دست هخامنشی‌ها افتاد، حاکم مشهور این سلسله کوروش کبیر بود که شهر بابل را تحت تسلط خویش در آورد و خود را پادشاه بابل نامید.

بعد از کوروش، پسر وی کمبوجیه به قدرت رسید، کمبوجیه به مصر هجوم برد و مصر را به قلمرو خود ملحق ساخت، هشت حکمران هخامنشی یکی بعد دیگر به قدرت رسیدند که سر انجام در ۳۳۵ ق.م حکمران اخیر هخامنشی‌ها داریوش سوم در اثر تهاجم اسکندر مقدونی شکست خورد با این ترتیب حکومت هخامنشی نیز پایان یافت.

فرهنگ و تمدن

دین: در نتیجۀ ضعف عقاید و باورها و انتشار شرک و خرافات پرستی در فارس قدیم پرستش بعضی از حیوانات، زمین، آسمان، آب و آتش بیشتر معمول بود. پرستش ستاره‌گان و به خصوص پرستش آفتاب نقش خاصی داشت، در دین فارسیان قدیم عبادتگاه‌ها وجود نداشت، مراسم دینی، دعا و قربانی در محلات مناسبی انجام می‌شد.

بعدها عبادتگاه‌ها اعمار گردید که در آن مجسمه‌های خدایان گذاشته می‌شد و مردم آن را عبادت می کردند.

ایلامی‌ها به زنده‌گی بعد از مرگ باور داشتند و با مرده‌های شان ظرف‌های گلی (سفالی) را دفن می کردند و همچنان از کانال‌ها آب به قبرها می‌ریختند تا مرده‌ها تشنه نشوند.

با ظهـــور زردشت، مذهب رسمی فـــارس زردشتی شد و ارزش زیاد نیز کسب کرد.

هنر، صنعت و معماری: ایلامی‌ها در فارس قدیم در ساختن ظرف‌های فلزی و سفالی، مجسمه سازی و نقاشی بر روی سنگ بسیار مهارت داشتند.

مادها خانه‌های شان را در جاهای بلند و در بین قلعه‌های مستحکم می‌ساختند، اطراف این قلعه‌ها به وسیلهٔ دیوارها احاطه شده و برج‌های بلند حفاظتی نیز داشت که منحیث سنگر دفاعی از آن استفاده می‌شد.

مادها برای شاهان شان در کوه‌ها قبرها حفر می‌کردند، آثار سفالی و فلزی به دست آمده توسط باستان شناسان بیانگر مهارت‌های هنری و معماری مادها می‌باشد.

شاهان هخامنشی به هدف نمایش اقتدار شان قصرهای زیادی را اعمار می‌کردند که از جملهٔ آن‌ها یکی هم تخت جمشید است.

آلات و ابزار به دست آمده و همچنان سکه‌ها، سلاح‌ها و ظرف‌ها، خود، گویای پیشرفت صنعت همان زمان است.

تخت جمشید: از جمله قصرهای مجلل است که به وسیلهٔ هخامنشی‌ها ساخته شده بود، داریوش این محل را برای قصر خود انتخاب کرد و برای آبادی آن تعداد کثیری هنرمندان را از تمام کشور به کارگماشت، بعد از داریوش تمام حاکمان هخامنشی در همین محل برای شان قصر ساختند.



تصویر تخت جمشید

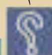
در این منطقه، هر سال مراسم جشن نوروز برپا می‌شد که از ولایات

مختلف درآن افراد و نماینده‌ها با تحفه‌های قشنگ اشتراک می‌ورزیدند، با ورود اسکندر مقدونی وسایل ارزشمند این تخت از بین رفت و عمارت آن نیز متضرر شد.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به حکومت مادها و فارسیان، گروه دوم در مورد مذهب ایران قدیم و گروه سوم در بارهٔ هنر و معماری باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- مناطق باستانی فارس کدام‌ها اند؟ واضح سازید.

۲- بنیان‌گذار حکومت هخامنشی کی بود و چه وقت به میان آمد؟

۳- در بارهٔ هنر و معماری حکومت مادها چه می‌دانید؟ واضح سازید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به تخت جمشید معلومات جمع آوری و به هم‌صنفان خویش ارائه کنند.

تمدن هند

در این درس پیراموان چگونه‌گی به میان آمدن تمدن هند، وضع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و همچنان دست‌آوردهای علمی، هنری و معماری در هند باستان معلومات حاصل می‌نمایید.

هند در آسیا، یکی از کانون‌های باستانی تمدن شمرده می‌شود، و عبارت از منطقهٔ قشنگ و زیبایی می‌باشد که مدنیت‌ها و مذاهب زیادی را در آغوش خویش پرورانیده است.

در سال ۱۹۲۴ م. باستان شناسان، بقایای دو محل باستانی هرپه و موهنجودارو را در هند دریافتند که قدامت آن به ۳۰۰۰ سال ق. م. می‌رسد. هرپه و موهنجودارو در نزدیکی کراچی پاکستان موقعیت دارد و مربوط می‌شود به اقوام دراویدی، این نواحی از تمدن قدیمهٔ هند محسوب می‌شود. تمدن هرپه و موهنجودارو در غرب سند به میان آمد، از آثار به دست آمده از این محل بر می‌آید که در ۳۰۰۰ ق.م. مردمان این منطقه به زراعت، مالداری



دیوارهای باقیمانده شهر موهنجو دارو

و پرورش درختان میوه دار مشغول بوده اند، آن‌ها با استفاده از برونز وسایل کار، ظرف‌ها و سلاح می‌ساختند و هم در این گونه صنایع پیشتاز بودند، آثار و بقایای هرپه و موهنجودارو نشان می‌دهد که در این محل تعداد کثیری خانه‌های ساخته شده از خشت پخته و همچنین دکان‌ها و دیگر عمارات موجود بوده که عموم منازل آن دو طبقه یی و دارای کوچه‌های وسیع بود، در این شهرها وجود تالارها، چاهای آب، حمام‌ها، کانال‌های آبی و سیستم کانالیزاسیون، ثابت می کند که اهالی این منطقه حایز تمدن مترقی بوده اند.

در سال ۱۵۰۰ ق.م. آریایی‌ها به هند مهاجر شدند و اقوام دراویدی را که دارای تمدن پیشرفته بودند، به تابعیت خود در آوردند، آریایی‌ها بعد از ورود شان به هند سیستم کاست (طبقاتی) را به وجود آوردند، بر اساس این تقسیمات چهار طبقه؛ مثل برهما (روحانیون) کشتاریان (جنگجویان)، ویستا (تاجران و کشاورزان) و سودرا(کارگران) به میان آمدند.

آریایی‌ها در هند یک سیستم واحد حکومتی را ایجاد نکردند، بلکه هر قبیله یک ساحهٔ کوچک را برای خود انتخاب کردند و در آن ساکن شدند که در اثر آن، زمینه برای حملات بیگانه گان مساعد گردید.

داریوش، حکمران هخامنشی مناطق شمال هند را فتح کرد، ولی با از بین رفتن هخامنشی‌ها به وسیلهٔ اسکندر، شمال هند به دست یونانیان افتاد، اما با مرگ او، یک قوماندان هندی به نام چندراگوپتا در مقابل یونانی‌ها قیام کرد و آن‌ها را از قدرت بر انداخت. وی در وقت کم، حکمرانان محلی را با هم متحد ساخت و یک حکومت نیرومندی را به وجود آورد که به نام حکمرانی موریایی‌ها یاد می‌شود. از حکمرانان معروف این سلسله، یکی هم آشوکا بود که در تاریخ از شهرت زیادی برخوردار است، بعد از موریایی‌ها حکمرانی گوپتاها به وجود آمد که برای‌چند قرن دوام یافت.

فرهنگ و تمدن

دین: بدون شک و با در نظرداشت باورهای درست دینی و حقایق تاریخی توحید و یکتا پرستی در تاریخ دینی بشر، اصل است و رو کردن به طرف پرستش چیزهای غیر از خدا انحراف است. بر اساس همین انحراف قبل از ورود آریاییان در هند، حیوانات و طبیعت را مورد پرستش قرار می‌دادند. از خدایان بزرگ و مهم آن آگنی(خدای آتش) و اندیرا (خدای باران) بود، در هند قدیم آیین‌های زیادی به وجود آمد که یکی از آن‌ها برهمن بود، آیین برهمن به دولت، مقام خدایی قایل بود و پادشاه را مقدس می‌دانست.

در قرن ششم قبل از میلاد در هند، دین بودایی به میان آمد که مورد حمایت اشراف قرار گرفت و گسترش زیاد یافت.

علم، هنر و معماری

مردم هند قدیم در ریاضی و طبابت پیشرفت‌هایی داشتند، اعداد از یک الی ۹ و سیستم اعشاری و غیره توسط هندیان به وجود آمد. هندی‌ها ضرورت احساس می کردند که روزهای جشن و قربانی را انتخاب کنند، از همین لحاظ به علم نجوم نیز توجه زیادی داشتند.

در هند باستان هنر و معماری نیز به پیشرفت‌های دست یافته بود که مثال‌های آن در خرابه‌های هرپه و موهنجودارو به چشم می‌خورد، همزمان با گسترش کیش بودایی در تمام کشور معابد زیادی اعمار شد، علاوه بر آن برای شاهان قصور بزرگ و زیبا نیز ساخته شد که بقایای آن تا حال وجود دارد که از پیشرفت هنر و معماری هند قدیم نماینده گی می کند.

یکی از کارهای هنرمندان هندی مجسمه سازی (هیکل تراشی) بود، آن‌ها برای بودا و خدایان شان با استفاده از چوب و سنگ مجسمه‌های زیادی ساخته بودند که از طرف

مردم مورد پرستش و عبادت قرار می گرفت.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به مهاجرت آریایی‌ها به هند، گروه دوم در مورد دین هند قدیم و گروه سوم در بارهٔ هنر و معماری در هند قدیم باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- در مورد مناطق باستانی هند چه می‌دانید؟ واضح سازید.

۲- آریایی‌ها چه وقت به هند مهاجرت کردند و چه نوع سیستم طبقاتی را به میان آوردند؟

۳- راجع به پیشرفت علم در هند قدیم معلومات خویش را بیان کنید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به فرهنگ مردم هند معلومات جمع آوری نموده و به هم‌صنفان خویش ارائه نمایند.

تمدن چین

در این درس پیرامون وضع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آثار تاریخی چین باستان معلومات ارائه می گردد.

کشور چین در شرق آسیا موقعیت دارد و یکی از تمدن‌های قدیم جهان است. تمدن چین در سواحل دریای هوانگ هو به میان آمد، این منطقه که دارای زمین‌های حاصل‌خیز بود و مردم آن به زراعت اشتغال داشتند.

نخستین حکومت در چین باستان در ۱۵۰۰ ق. م. به وجود آمد که به نام شانگ یاد می‌شود. از دست‌آوردهای مهم تمدن چین در دورهٔ شانگ ایجاد خط، سالنامه و ظروف سازی می‌باشد.

سلسلهٔ دوم حکومتی که در چین به وجود آمد، به نام (چو) یاد می‌شود، که حکمرانان آن از ۱۰۲۸ – ۲۵۶ ق.م. حکمرانی کردند ، در اواخر دورهٔ حکمرانی چو، جنگ‌های داخلی و شورش در چین رونما شد که در نتیجهٔ آن قبیله یی به نام (چه این) برچین مسلط شد و بنیاد یک حکومت مشهور را در چین باستان، گذاشت.

فرمانروای قبیلهٔ چه این شی هوانگ تی بود که در تاریخ چین شهرت بسیار دارد ، شی هوانگ تی از نیروی نظامی مقتدر برخوردار بود, روی همین ملحوظ وی موفق شد تا حکومت‌های کوچک را از میان بردارد و بر کشور وسیع چین تسلط یابد و خود را اولین سلطان یا امپراتور اعلام نماید، در این دوره زمینه برای رشد و شگوفایی تمدن چین آغاز شد، قوانین به وجود آمد، جاده‌ها اعمار گردید و به منظور جلوگیری از حملات خارجی یک دیوار اعمار شد که هم اکنون به نام دیوار بزرگ چین یاد می‌شود.

پس از مرگ شی هوانگ تی، در چین هرج و مرج حاکم شد که در اثر آن سلسله هان به قدرت رسید، در زمان حکمرانی هان، مبلغان بودایی به چین سفرهایی کردند و در این کشور آیین بودایی را گسترش دادند.

تمدن و فرهنگ

دین: در چین باستان، مردم آسمان، زمین و نیاکان خود را عبادت می کردند، از مذاهب مشهور قدیم چین، دین تاو وکنفسیوس بود، از نظر این کیش، انسان و طبیعت با هم نزدیک اند و یکی بر دیگر تأثیرات متقابل دارد.

آیین تاو محاسن یک زنده‌گی ساده و ترک خواهشات نفسانی را تبلیغ می کرد. آیین کانفسیوس به داشتن روابط اجتماعی و روابط بین انسان‌ها تأکید می‌نمود. این آیین به رسوم قدیم، بزرگان، خوبی‌ها و وحدت خانواده تأکید داشت.

در زمان سلطنت‌هان،کیش بودایی به این کشور رسید و تعداد کثیری پیروان برای خود دریافت که به زنده‌گی فرهنگی چینایی‌ها تأثیر به سزایی از خود برجا گذاشت.

ادبیات

رسم الخط چینایی مشابه به رسم الخط هیروگلیف یک رسم الخط کهن است. این رسم الخط در زمان سلطنت چه این معیاری گشت و در تمام چین رونق یافت که تا به حال به کار گرفته می‌شود. این رسم الخط به دیگر کشورها نیز انتشار یافت و اساس رسم الخط جاپانی‌ها، کوریایی‌ها و ویتنامی‌ها را گذاشت.

درگذشته‌ها، خط بر روی استخوان‌ها و چوب نوشته می‌شد، در قرن اول میلادی در چین کاغذ به میان آمد که یک انقلاب بزرگ را در عرصهٔ سواد (نوشتن) ایجاد کرد و به بسیاری مردم دانش را انتقال داد.

پیشرفت رسم الخط چین، راه را برای غنای ادبیات هموار ساخت، نثرهای زیاد، کتاب‌های قصاید و آثار تاریخی تحریر گردید، در بخش شعر هم انکشاف قابل توجه به میان آمد.

علم، صنعت و هنر

چینی‌ها در بخش ریاضیات، نجوم و جغرافیه پیشرفت‌هایی داشتند، در زمان سلطنت چو، برای ایالات متعددی نقشه‌ها ساخته شد و راجع به جغرافیای کشور نیز معلومات زیادی حاصل گردید. چینی‌ها راجع به زلزله هم معلومات داشتند و برای تشخیص زلزله یک آله یی را ایجاد کرده بودند. آن‌ها به خصوصیات مقناطیسی آهن پی بردند که بعدها قطب نما نیز ساخته شد. چینایی‌ها در قسمت اناتومی انسان نیز اطلاعاتی داشتند و در رابطه به یک تعداد امراض و روش علاج آن نیز مطلع بودند.

چینی‌ها از نخستین کسانی بودند که با سفال‌گری، فلزکاری آشنا بودند، در شهرهای بزرگ چین دانشمندان و صنعت کاران زیادی زنده‌گی می‌کردند به وجود آوردن کاغذ و فن چاپ قطب نما و باروت سازی از افتخارات چینایی‌ها می‌باشد، صنعت ظروف سازی و نساجی در چین انکشاف یافته‌تر بود.

در چین باستان هنر و معماری نیز رشد زیاد نموده و در شهرهای چین تعداد کثیری معابد و قصرها اعمارگردیده بود، دیوار بزرگ چین یک مثال واضح معماری آن زمان است.



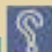
دیوار بزرگ چین

دیوار بزرگ چین یک اثر مشهور جهان است، این دیوار از سواحل بحر آرام آغاز و در سرحدات تبت به پایان می‌رسد، این دیوار به فرمان شی هوانگ تی، در مدت بیست سال ساخته شده است. ارتفاع این دیوار ۷,۵ هفت و نیم متر و عرض آن نیز به همین اندازه است، گفته می‌شود وقتی که کارگری مریض می‌شد و یا جان می‌باخت، آن را در زیر دیوار گور می کردند. در هر فاصله صد متری این دیوارپوسته‌های امنیتی موجود است.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد حکمرانان چین و گروه دوم راجع به تمدن و فرهنگ چین باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- فرمانروای قبایل چه این، کی بود و کدام کارها را انجام داد؟
۲- راجع به مذاهب چین قدیم چه می‌دانید؟ واضح سازید.
۳- راجع به پیشرفت علمی چینایی‌ها معلومات دهید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد دیوار بزرگ چین معلومات جمع آوری نموده و به هم‌صنفان خویش ارائه نمایند.

تمدن یونان

در این درس راجع به تمدن کرت، دولت‌های شهری یونان، اوضاع اجتماعی، فرهنگی و همچنان دست آورده‌های علمی و هنری یونان باستان معلومات حاصل می‌نمایید.

تمدن یونان، یکی از آن دسته تمدن‌های قدیم جهان است که دنیای غرب از آن الهام گرفت و بر اساس آن، فرهنگ خود را بنیان گذاشتند.

تمدن اولی یونان به نام کرت یاد می‌شود. کرت یک جزیرهٔ وابسته به یونان بود. در سال ۱۹۰۰م. تحقیقات باستان‌شناسان واضح ساخت که در جزیرهٔ کرت یک تمدن پیشرفته وجودداشت که با تمدن‌های مصر و بین النهرین رقابت می‌نمود از این ناحیه آثاری زیادی سنگی و گلی نظیر وسایل آشپزخانه و آثار مشابه دیگری به دست آمده که قدامت آن به ۲۵۰۰ –۱۵۰۰ق.م. می‌رسد.

حوالی سال ۲۰۰۰ ق.م. در کرت حکومت مرکزی به وجود آمد که پایتخت آن شهر کنوسوس بود. تمدن کرت در اثر حملات قبایل آریایی از بین رفت.

یونانیان: یونانیان از جملهٔ قبایل آریایی است که از سرزمین اصلی خود (آریانه ویجو) به سوی اروپا مهاجر شدند و در حوالی ۲۵۰۰ قبل از میلاد وارد یونان شدند. نخستین دستهٔ آریایی‌ها، اکینان بودند که به یونان وارد شدند. آنها ساکنان اصلی یونانی را تابع خود ساختند و نه تنها یونان، بلکه تمام دریای ایجن (ایژه) را به دست آوردند. در حوالی قرن ۱۶ قبل از میلاد نخستین بنیاد حکومتی از طرف اکینان گذاشته شد و کاخ بزرگ و مجلل در می‌سن اعمار کردند. تمدن اکینان تا قرن دهم قبل از میلاد دوام نمود.

اکینان‌ها به زراعت اشتغال داشتند و از وسایل برونزی استفاده می کردند این دوره در قرن دهم قبل از میلاد در اثر تهاجم دوریان‌ها پایان یافت و به این ترتیب دوریان در یونان باستان به حکمرانی رسیدند.

دوریان به پیشرفت فرهنگ توجه نداشتند، لیکن داستان حماسی مشهور که به نام (الیاد و ادیسه) یاد می گردد در همین عصر به وجود آمده است. این داستان که در ادبیات جهان حایز مقام رفیع است، به واسطهٔ هومر شاعر نابینای یونانی سروده شده است.

دولت‌های شهری یونان

موجودیت کوه‌ها و جزایر زیاد در یونان و همچنین تعصبات قبیلوی در این نواحی سبب شد که قبایل یونانی از یکدیگر جدا و به‌طور مستقل زنده‌گی کنند؛ بنابران در یونان، دولت‌های شهری زیاد به‌میان آمد که اسپارت و آتن از دولت‌های مشهورآن بود. این دو دولت با یکدیگر فرق داشتند. مردمان اسپارت در جنگ‌ها شهرت به سزای کسب کرده بود، اما مردم دولت آتن در ترویج دموکراسی، علم و فلسفه از شهرت زیادی برخور دار بودند.

دولت‌های شهری یونان با همدیگر در رقابت و دشمنی بودند، آن‌ها به دو دسته تقسیم شده بودند که در رأس یکی از آن‌ها اسپارت و در رأس دیگر : دولت آتن قرار داشت.

خانه جنگی‌ها در یونان که به نام جنگ پلوپونیز شهرت دارد، تا دیرزمان دوام کرد که در نتیجهٔ آن اسپارتی‌ها پیروز شدند، ولی آن‌ها هم از طرف دولت شهر (تبس) مغلوب شدند، این هرج و مرج‌ها باعث ضعف دولت یونان شد. در این حالت، فلیپ مقدونی که در شمال یونان در مقدونیه حاکم بود بریونان مسلط شد که این عمل راه را برای فتوحات اسکندر پسر فلیپ هموار ساخت. اسکندر بعد از تسخیر مصر و ترکیه به طرف ایران رو آورد و تا **۳۳۶- ۳۲۳** ق. م. هخامنشیان را مغلوب کرد و تا شمال هند به پیش رفت.

بعد از مرگ اسکندر امپراتوری یونان تجزیه شد که این وضعیت زمینه ساز گسترش و قدرت یابی امپراتوری روم گردید.

فرهنگ و تمدن

دین: در اثر انحراف اعتقادی و ضعف و فقدان عقیدهٔ توحید و یکتاپرستی یونانی‌ها به خدایان زیادی اعتقاد داشتند و همچون دیگر مردم دنیای قدیم متعقد بودند که آسمان، زمین، رعدو برق، محبت و زیبایی و دانش هر یک خدایان خاص دارد. زیوس، خدای آسمان، پاسیدون خدای دریا، اپولو خدای آفتاب و اتینا خدای پیروزی محسوب می‌شد. به نظر یونانی‌ها یک تعداد خدایان شان در کوه المپ قرار داشتند، به همین لحاظ، مسابقات ورزشی در نزدیکی کوه المپیا برگزار می گردید. مسابقات المپیک یادگار همان زمان است. یونانیان به زنده گی بعد از مرگ باور داشتند و بامرده‌های شان یک مقدار وسایل را به همراه شان در قبر می گذشتند.



نمونهٔ از تمدن یونان باستان

در شهرهای یونان معابد زیادی وجود داشت که مردم غرض اجرای مراسم دینی به آنجا می‌رفتند.

هنر و معماری

آثاری زیادی از یونان باستان؛ همچون مجسمه‌ها، ظروف، مسکوکات و معابد به جامانده است؛ اما معماری و مجسمه سازی یونانیان از شهرت زیادی برخودار است. آن‌ها برای خدایان و حاکمان شان مجسمه‌های می‌ساختند، خانه‌های ایشان از سنگ وچوب ساخته می‌شد. موسیقی و تیاتر هم در یونان رواج داشت.

علم و فلسفه

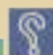
علم در یونان انکشاف به سزایی نموده بود؛ زیرا آن‌ها با بحث و گفتگو علاقهٔ فراوان داشتند. یکی از عوامل دیگر رشد علم روابط تجارتی یونان با مصر و آسیای صغیر بود که از این طریق دست‌آورده‌های علمی آسیا و افریقا به یونان راه یافت و انکشاف نمود.

فیلسوفان یونان در جهان مشهور اند که از جملهٔ آن‌ها سقراط، افلاطون و ارسطو را می‌توان نام برد. سقراط، فیلسوف بزرگی بود که در شهر گشت و گذار می‌نمود و با مردم به گفتگو می‌پرداخت. او شاگردان بسیاری داشت که مشهور۳ترین آن‌ها افلاطون است.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به تمدن کرت، گروه دوم راجع به دولت‌های شهری یونان و گروه سوم راجع به فرهنگ و تمدن یونان باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- راجع به جزیرهٔ کریت چه می‌دانید واضح سازید؟
۲- دولت‌های مشهور شهری یونان کدام‌ها بودند؟
۳- در مورد عقاید یونانیان معلومات ارائه نمایید؟
۴- فیلسوفان مشهور یونان کی‌ها اند؟



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به مسابقات ورزشی المپیک معلومات جمع آوری و به هم‌صنفان ارائه نمایند.

تمدن روم

در این درس در مورد ایجاد امپراتوری روم و اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و همچنان دست‌آورده‌های هنری روم باستان معلومات حاصل می‌نمائیم.

تمدن روم در ایتالیا متمرکز بود. این تمدن منحیث پلی محسوب می‌گردد که دست آوردهای تمدن یونان از این‌طریق به دیگر نواحی اروپا منتشر می‌شد. ایتالیایی‌های قدیم، الفبا، عقاید دینی و هنرها را از یونانیان آموختند، بنابرآن نام ایتالیا یک نام یونانی می‌باشد. تمدن روم از شش قرن قبل از میلاد آغاز به انکشاف نمود و بعد از سقوط تمدن یونان، به مدارج عالی انکشاف خود رسید.

شهر روم (۱۰۰۰) سال قبل از میلاد در ناحیه لاتیوم ساخته شد. نام قدیم زبان رومی‌ها (لاتینی) از همین کلمه گرفته شده است. در آن‌زمان یک تعداد اقوام ساکن در روم با هم یکجا شدند که به نام لاتینی‌ها شهرت یافتند و بعد از یک مدتی، نظام شاهی را به میان آوردند که تا ۵۰۹ قبل از میلاد دوام کرد. بعد از نظام شاهی در روم نظام جمهوری اساس گذاشته شد که مجلس اعیان سنتوری یا شورای مرکب از صد نفر اعضا و مجلس قومی بود.

بعد از آن‌که رومی‌ها بر تمام ایتالیا تسلط یافتند کوشش‌های را برای تصرف مناطق دیگر به راه انداختند که در پی آن جنگ میان رومی‌ها و کارتاژها رخ داد. در این زمان کارتاژ (تونس کنونی) بر جزایر مدیترانه و بسیاری از مناطق ساحلی افریقایی شمالی حاکمیت داشتند. در میان رومیان و کارتاژها بیشتر از یک قرن این جنگ‌ها ادامه داشت که در نتیجه رومیان پیروز شدند و در سال ۱۴۶ ق. م. دولت کارتاژ را از پا در آوردند.

رومی‌ها به تصرفات خود ادامه دادند و با تسخیر مصر و آسیای صغیر یک حکومت بزرگ و وسیع را ایجاد کردند که به این ترتیب حکومت روم به امپراتوری روم مبدل شد.

اکتاو شخصی بود که امپراتوری روم را اساس گذاشت که از سال ۲۷ قبل از میلاد الی ۱۴ میلادی بر روم حکمرانی داشت. پس از این، صفحهٔ جدیدی از تاریخ روم آغاز شد که به نام امپراتوری روم یاد می‌گردد و تا سال ۴۷۶ م. دوام یافت.

اکتاو یک امپراتور برجسته بود، در زمان حکمرانی او اصلاحات زیادی صورت گرفت.

فساد از بین رفت. نظم و قانون تقویت شد، محاکم جدید ایجاد گردید و خدمات پستی نیز پی‌ریزی شد. بعد از اکتاو تعداد زیادی حکمرانان به قدرت رسیدند که بسیاری ایشان از کفایت چندانی برخوردار نبودند.

پس از قرن سوم میلادی امپراتوری روم به مشکلات روبه رو شد و از قدرت آن کاسته شد. وقتی‌که کستانتین امپراتور روم شهر بیزانتوم (قسطنطنیه) را پایتخت خود ساخت. این عمل، امپراتوری روم را به دو بخش شرقی و غربی تجزیه کرد. مردم غربی در اثر حملات اجانب روبه ضعف نهاد؛ لیکن روم شرقی تا زمانی باقی ماند که پایتخت آن در سال ۱۴۵۳ م. از طرف مسلمانان ترکی(ترکان عثمانی) فتح شد. به این ترتیب، امپراتوری بزرگ جهان از بین رفت.

فرهنگ و تمدن

دین: رومی‌ها نیز؛ مانند یونانیان به خدایان متعددی معتقد بودند و برای آن‌ها به عبادت می‌پرداختند. مریخ، خدای امداد دهنده در هنگام جنگ‌ها، جونو، خدای حافظ زنان، مشتری خدای باران، و عطارد خداوند پیام دهنده محسوب می‌شدند.

در روم عبادتگاه‌های زیادی اعمار گردیده بود. در این عبادتگاها، کاهنان (غیب گویان) وجود داشتند که مردم برآن‌ها باور داشتند.

انتشار مسیحیت در روم در زنده‌گی اجتماعی مردم تأثیر به سزایی از خود به جا گذاشت مسیحیان به خدایان رومی باورنداشتند، به همین سبب در ابتدا با مخالفت مأُموران دولتی و کاهنان مواجه شدند؛ اما، باگسترش مسحیت این دین (دین مسیحی) جای نظریات و اعتقادات گذشته را گرفت و به عنوان دین رسمی روم شناخته شد.

اوضاع اجتماعی: در هنگام تشکیل حکومت روم جامعهٔ رومی از سه گروه اصلی؛ یعنی رومیان اصلی، مردم غیر رومی و غلامان ترکیب شده بود. حق مالکیت زمین و اشتراک در انتخابات تنها به طبقهٔ عالی محدود می‌شد، لیکن با گذشت زمان این حالت تغییرکرد و گروه دوم هم در نتیجهٔ اعتراضات و تلاش‌های شان از امتیازات گروه اول مستفید شدند.



نمونه‌یی از تمدن
روم باستان

در روم حالت غلامان بسیار به صورت ناگوار سپری می‌شد. از همین لحاظ، بعضی اوقات شورش‌های را برپا می‌کردند. در جامعهٔ رومی مردم به وظایف مختلفی اشتغال داشتند. طبقات سرمایه دار وقت زیاد خود را در تیاتر و رقابت‌های ورزشی سپری می‌کردند. از منازل بسیار بزرگ که شامل اتاق‌های خواب، حمام، آشپزخانه و جای برای بود و باش غلامان، اختصاص داده شده بود برخوردار بودند.

قانون و دولت: قوانین و اصول اداری روم بهترین تحفه‌های رومیان برای جهان است. قانون روم سه بخش داشت که یکی از آن‌ها قانون مدنی و خانواده بود که تنها برای اتباع رومی وضع شده بود. دومی آن، قانون مردم بود که بر تمام ساکنان امپراتوری عملی می‌شد و دیگری هم قانون طبیعی بود که به تناسب محاکم با فلسفه زیاد سروکار داشت.

قوانین رومی در وحدت امپراتوری، تشبثات تجارتی و نشرتولیدات کمک شایانی نمود. اساس حکومت، دارای قوهٔ قضاییه و مقننه بود که از طرف رومی‌ها پی‌ریزی شد و

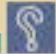
نظریهٔ جمهوریت طلبی را نیز رومی‌ها انکشاف دادند.

هنر و معماری: در بخش هنر و معماری رومیان پیشرفت به سزایی نموده بودند، ولی طریقهٔ هنری آن‌ها تحت تأثیر هنر یونانی قرار داشت، از همین سبب، هنر رومی ادامهٔ هنر یونانی به حساب می‌آمد. آثار زیادی چون ظروف، سکه‌ها، مجسمه‌ها و غیره از روم باستان به دست آمده که نمایانگر تمدن رومی می‌باشد. رومی‌ها در ساختن پل‌ها، سکه‌ها، مجسمه‌ها و عمارات بسیار پیشتاز بودند که نمونهٔ آن تا هنوز هم در این کشور موجود است.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد به میان آمدن امپراتوری روم، گروه دوم در مورد مذهب رومی‌ها و گروه سوم در مورد قانون و دولت رومی‌ها باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- در مورد نظام جمهوری روم معلومات ارائه نمایید؟

۲- اکتاو کی بود و کدام کارها را در حکومت خویش انجام داد؟

۳- جامعهٔ رومی به چند بخش تقسیم شده؟ معلومات ارائه نمایید.

۴- راجع به قانون روم چه می‌دانید واضح سازید؟



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به تصرف روم شرقی توسط مسلمانان معلومات جمع آوری نموده و به هم‌صنفان ارائه نمایند.

تمدن امریکا

در این درس به چگونه گی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تمدن‌های قدیم امریکا معلومات حاصل خواهید کرد.

مدت‌ها قبل تصور بر این بود که تمدن‌های امریکا از قدامت بسیار کم برخوردار بود اما تحقیقات دانشمندان واضح ساخت که هزاران سال قبل زنده گی انسان‌ها درامریکا آغاز شده و مراحل مختلف انکشاف خود را پیموده است.

راجع به اهالی بومی امریکا دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، ولی نظری که همه بدان اتفاق دارند این‌است که جمعیت ابتدایی این منطقه، مغول‌ها بودند که از طریق سایبریا به الاسکا مهاجر شده اند و بعضی از ظواهر تمدنی را نیز با خود انتقال داده اند. آثار به دست آمده از امریکا ثابت می کند که در سالیان قدیم بعضی فرهنگ‌های وجود داشت که تمدن‌های دیگری را که بعدها به حاکمیت‌های بزرگی مبدل گشتند تحت تاثیر قرار داد. این تمدن‌ها عبارت بود از تمدن مایاها و آزتک‌ها در امریکای مرکزی و تمدن اینکاها در امریکای جنوبی.

تمدن مایا

تمدن مایا که تاریخ آن حدوداً به ۱۵۰۰ ق.م. می‌رسد، تا قرن نهم میلادی خیلی انکشاف کرد و به نواحی گواتیمالا، مکسیکو، هاندوراس و یوکاتان در امریکای مرکزی انتشار یافت. بقایای این تمدن از مناطق؛ چون تیگال، نابوناپاک، پالینکو، گواتیمالا و گوپان در هاندوراس یافت شده است. در این مناطق، عمرانات و آبادی‌هایی کشف شده که توسط تصاویر مزین شده است.

مایاها، تقویم، الفبا و خط تصویری را ایجاد کردند. با صفر و اعداد آشنایی داشتند و به حساب نیز می‌فهمیدند. آن‌ها به گذشت سال توجه داشتند و برای هر دوره بیست ساله یک یادگاری می‌ساختند که کاتون یاد می‌شد.

مایاییان، خدایان متعددی، مثل خدای آتش، خدای باران، خدای آفتاب و خدای هنر و صلح را پرستش می کردند و برای رضا و خوشی آن‌ها قربانی می‌دادند. در قرن نهم قبل از میلاد دسته‌های تازهٔ مردم وارد درهٔ مکسیکو شدند و تمدن مایا را از بین بردند.

تمدن آزتک

آزتک‌ها در قرن (نهم) قبل از میلاد در مکسیکو ظاهر شدند. آن‌ها مردمان جنگجو بودند و بعد از مدتی حکمرانان همین منطقه شدند. آزتک‌ها امپراتوری بزرگی را به وجود آوردند که به سی وهشت ولایت تقسیم شده بود و هر بخش (ولایت) آن توسط یک نفر والی اداره می‌شد.

پادشاه آزتک‌ها در عین حال یک راهب نیز بود، از طرف شورای اشراف، و جنگجویان تعیین می‌شد. جامعهٔ آزتک به طبقات نظیر؛ جنگجویان، تاجران و کسبه کاران تقسیم شده بود. آن‌ها یک تعداد خدایان را مثل خدای آفتاب می‌پرستیدند. و باذوب آهن و استفاده از آن در ساختن ابزار و وسایل کار آشنا بودند. زبان آزتک‌ها ناهوت بود که تا حال مروج است و خط ایشان تصویری بود. در سال ۱۵۲۱ م. این امپراتوری به وسیلهٔ اسپانیایی‌ها از میان برداشته شد.

تمدن اینکا

تمدن اینکاها در قرن یازدهم میلادی از طرف قبیلهٔ اینکاها که از آسیا به امریکا مهاجر شده بودند به میان آمد. اینکاها نیز امپراتوری بزرگی را بنیان نهادند که مناطق اکوادور، پیرو و چیلی را شامل می‌شد.

حاکم اینکاها به همکاری کاهنان مذهبی در قلمرو خود حکومت می‌کرد و خود را پسر خدا و نمایندهٔ او معرفی می‌کرد. اختیار سیاسی به دست پادشاه بود و مردم از هیچ نوع صلاحیتی



بقایای تمدن اینکا

برخوردار نبودند؛ بلکه آن‌ها تحت فرمان پادشاه و کاهنان امرار حیات می کردند، مقررات سختی برای مردم وضع شده بود. زمین ملکیت دولتی محسوب می‌شد، کچالو و جواری محصولات عمدهٔ زراعتی را تشکیل می‌داد، زارعان یک سوم پیداوارخود را به دست می‌آوردند، یک قسمت را برای دولت و یک قسمت دیگر آن را برای امپراتور جدا می کردند. پیداوار صنعتی و زراعتی از طرف کارمندان دولتی میان خود شان توزیع می‌شد.

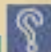
اینکاها تقویم داشتند و در معماری، مهندسی و صنایع دستی نیز به پیشرفت‌های نایل آمده بودند. شهرهای اینکاها از ساختارهای بزرگی؛ چون قصرها، عبادتگاها، گدام‌های رسمی و قلعه‌های جنگی برخوردار بودند. هنر و صنایع دستی انکشاف نموده بود. اینکاها ظروف مسی، سلاح و زیورات را با استفاده از ترکیب مس و طلا می‌ساختند. آن‌ها با آزتک‌ها روابط تجارتی داشتند و تولیدات صنعتی خود را به امپراتوری آزتک صادر می کردند.

در سال ۱۵۳۲م. هسپانیایی‌ها به قلمرو اینکاها داخل شدند و آخرین امپراتور اینکاها (اتاهولپا)را از بین بردند و در ظرف دوسال برتمام امپراتوری اینکاها مسلط شدند، به این ترتیب این امپراتوری نیز خاتمه یافت.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد تمدن مایا، گروه دوم در رابطه به تمدن آزتک و گروه سوم راجع به تمدن اینکاها باهم بحث کنند.



سؤالات

۱- جمعیت بومی امریکا کی‌ها بودند؟ در مورد آن معلومات دهید.

۲- تمدن مایا چه وقت ایجاد شد و در کدام مناطق انتشار یافت؟

۳- راجع به آزتک‌ها چه می‌دانید؟ معلومات دهید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد این‌که مردم بومی امریکا کی‌ها بودند معلومات به دست‌آورده و به هم‌صنفان خود بیان دارند.

فصل چهارم

تاریخ اسلام

این فصل مشتمل بر درس‌های زیر می‌باشد:
- اوضاع جهان و شبه جزیرهٔ عربستان مقارن ظهور اسلام
- زنده گی حضرت پیامبر ﷺ از تولد الی بعثت
- بیعت عقبه
- غزوات
- صلح حدیبیه- بیعت الرضوان
- فتح مکه مکرمه
- رحلت رسول اکرام ﷺ
- حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه
- حضرت عمر فاروق رضی الله عنه
- حضرت عثمان رضی الله عنه
- حضرت علی (کرم الله وجهه)
- نگاه مختصری به دورهٔ درخشان خلفای راشدین رضی الله عنهم
- امویان
- وضعیت اقتصادی، اداری، فرهنگی و نظامی در زمان اموی‌ها
- عباسیان
- اوضاع سیاسی، اداری، فرهنگی و اقتصادی دوره عباسیان

اهداف فصل

از شاگردان انتظار می‌رود در پایان فصل به اهداف ذیل دست یابند:
- آشنایی شاگردان به اوضاع عربستان مقارن ظهور اسلام؛
- به دست آوردن معلومات راجع به سیرت پیامبر بزرگ اسلام؛
- کسب معلومات در مورد غزوها.
- آشنایی با طرز اداره و نظام خلفای راشدین؛
- شاگردان حوادث و رویدادهای دوران امویان را تحلیل کرده بتوانند؛
- شاگردان حوادث و رویدادهای عصر عباسیان را تحلیل و تفسیر کرده بتوانند.

درس سی و دوم

اوضاع جهان و شبه جزیرۀ عربستان مقارن ظهور اسلام

دراین درس راجع به اوضاع سیاسی، اجتماعی و کلتوری جهان و عربستان قبل از ظهور دین اسلام معلومات ارائه می گردد.

قبل از ظهور دین مبین اسلام، کفر و وحشت در جهان حکم‌فرما بود و در هر جایی حق تلفی‌ها صورت می گرفت اگر چه مردم قسمت‌های بیشتر اروپا، افریقا و قسماً آسیای غربی خویشتن را پیروان دین حضرت موسی و حضرت عیسی (علیهما السلام) می‌دانستند؛ ولی در ادیان خود انحرافات و تغییرات زیادی را به وجود آورده و راه اساسی و اصلی دین را به کلی رها نموده بودند. ظلم به اوج خود رسیده بود و زور یگانه روش استبداد حکومت‌داری حاکمان وقت بود. مردم فارس(ایران) و خراسان آن وقت آتش را می‌پرستیدند؛ حاکمان ظالم ساسانی بر آن‌ها حکومت می‌راندند. در سرزمین هند، چین، خراسان و قسمت‌های جنوبی براعظم آسیا مذهب بودایی رایج بود و شکل بت پرستی را به خود گرفته بود. باشنده گان مکه در سایۀ جهالت و خود کامه گی به سر می‌بردند. شبه جزیرۀ عرب به چند قسمت یمن، حجاز و نجد تقسیم شده بود، دریمن حبشی‌ها و طرفداران ایشان حکومت می‌راندند و مردم شان یهودی، نصرانی و بت پرست بودند.



مراسم اعراب قبل از اسلام

اکثریت مردم حجاز، بت می‌پرستیدند. اقلیتی از یهودی و نصرانی نیز در آن بودوباش داشتند.علاوه بر آن، در جزیرۀ عرب پرستش آفتاب، مهتاب و ستاره گان نیز مروج بود.

بیشتر باشنده گان شبه جزیرۀ عربستان به تجارت، زراعت و مالداری مشغول بودند.

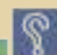
افراد سرمایه دار و زور مند غرق در انحرافات و فساد بودند. مساکین و بینوایان در وضعیت بدی روزگار تلخ را می‌گذرانیدند. تجاوز و تعدی بر یکدیگر، به آخرین حد خود رسیده بود. همچنان عده یی، دختران خود را از خوف گرسنه‌گی و یا از روی ننگ و عار زنده به گور می‌کردند. زنان در نزد آن‌ها، بی ارزش بوده؛ مانند متاع عادی مورد خرید و فروش قرار می‌گرفتند.

در اثر عوامل مزبور، الله ﷻ حضرت محمد مصطفی ﷺ را به حیث آخرین پیامبر مبعوث و مامور نمود. در نتیجهٔ دعوت و تلاش‌های خستگی ناپذیر، آن حضرت توانست در مدت کمتر از یک ربع قرن، نه تنها از شبه جزیرهٔ عرب و اطراف آن جهالت‌ها را ریشه‌کن سازد؛ بلکه تاریکی‌ها و جهالت را از جهان از بین برد تا جایش را انوار قرآنی و ارشادات نبوی ﷺ فرا گیرد.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به ادیان و گروه دوم دربارهٔ اوضاع اقتصادی عربستان قبل از اسلام باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- اقوام عرب قبل از اسلام با زنان و دختران چگونه برخورد می‌نمودند؟

۲- چرا خداوند ﷻ حضرت محمد ﷺ را به پیامبری مبعوث نمود؟

۳- اقوام عرب قبل از اسلام به کدام ادیان و اشیا معتقد بودند؟



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به ادیان و اعتقادات اعراب قبل از اسلام از علما، امامان مساجد و منابع دست داشتهٔ خود معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

زنده‌گانی حضرت پیامبر ﷺ از تولد تا بعثت

در این درس راجع به نسب حضرت پیامبر ﷺ، دوران طفولیت، چگونه گی مبعوث شدن به پیامبری و اولین هجرت مسلمانان معلومات ارائه می گردد.

حضرت محمد ﷺ به تاریخ ۲۰ ماه اپریل سال ۵۷۱ میلادی مطابق دوازدهم ربیع الاول روز دوشنبه متولد گردید. حضرت محمد ﷺ یتیم تولد یافت؛ زیرا او هنوز دو ماهه در بطن مادرش بود که پدرش عبدالله در گذشت. حضرت محمد ﷺ پس از تولد مدت چهار سال در میان قبیلۀ بنی سعد تحت تربیت بی بی حلیمۀ سعدیه قرار داشت. و زمانی که به شش ساله‌گی قدم گذاشت، مادرش آمنه نیز رحلت کرد و کفالتش بعد از آن، به دوش پدرکلانش عبدالمطلب گذاشته شد. وقتی که پیغمبر ﷺ به هشت ساله‌گی رسید پدر کلانش نیز وفات یافت که بعدکفالت او به کاکایش ابوطالب تعلق گرفت، تا این‌که جوان رشید و برومند گردید. ابوطالب، حضرت محمد ﷺ را بیشتر از همه فرزندانش دوست می‌داشت و از هیچ‌گونه ترحم و شفقت در موردش مضایقه نمی‌نمود.

حضرت محمد ﷺ در سن دوازده ساله‌گی به همراهی کاکای خود، غرض تجارت به شام سفر نمود، در سرزمین شام، بحیرا یکی از علمای مسیحی، از سیمای محمد ﷺ دریافت که وی پیامبر آخر زمان است؛ لذا به ابوطالب گفت که در حفاظتش سعی بلیغ به خرج دهد.

برتری عقلی و مزیت اخلاقی پیغمبر، همیشه او را از دیگران ممتاز می‌ساخت که حادثۀ گذاشتن حجرالاسود در دیوار خانۀ کعبه، دلیل واضح این گفته است. خداوند ﷻ با خردمندی و حکمت بی نظیر پیامبرش، قبایل اعراب را از یک خون‌ریزی بزرگ که هر لحظه انتظار می‌رفت، رهایی بخشید.

پیامبر ﷺ در جوانی در میان قومش به راست گویی، امانت‌داری معاملۀ نیکو، وفا به عهد، نیک‌سیرتی و آبرومندی مشهور بود. با در نظر داشت صفات پسندیده، حضرت محمد ﷺ مورد توجه بی بی خدیجه، زن نجیب و سرمایه‌دار قریش، قرار گرفت. وی از حضرت محمد مصطفی ﷺ خواهش نمود تا سر پرستی کاروان تجارتی اش را که رهسپار

شام بود به عهده گیرد. این پیشنهاد را حضرت محمد ﷺ پذیرفت و اموال تجارتی را به شام برده با فایدهٔ بسیاری باز گشت نمود. زمانی‌که قافله به مکه رسید غلام بی بی خدیجه که همسفر حضرت رسول اکرم ﷺ بود، از فضایل و خصایل نیکوی حضرت محمد ﷺ به بی بی خدیجه حکایت نمود. به اثر همین صداقت و راستکاری، بی بی خدیجه رضی الله عنها بیشتر مایل به حضرت محمد ﷺ گردیده، تقاضای ازدواج با او نمود که این تقاضا هم از جانب حضرت محمد ﷺ پذیرفته شد. در این هنگام، حضرت محمد ﷺ ۲۵ ساله و بی بی خدیجه رضی الله عنها ۴۰ ساله بودند.

زنده‌گی و سیرت پیغمبر اکرم ﷺ صحیح ترین سیرت در تاریخ زنده‌گانی همهٔ پیامبران الهی می‌باشد. زنده‌گی فرستادهٔ خدا، در تمام مراحل حیاتش واضح و روشن است. تمام رویدادهای زنده‌گی آن‌حضرت از ولادت، کودکی، جوانی، کار و شغلش قبل از بعثت و سفرهایش به خارج مکه و خلاصه این‌که تا زمانی‌که خداوند جل جلاله ایشان را به رسالت مبعوث گردانید مثل آفتاب روشن است.

از بعثت الی هجرت

مدت‌ها قبل از بعثت، خداوند جل جلاله برای حضرت محمد ﷺ، رفتن به غار حراء را دلپذیر ساخت. پیغمبر همه ساله یک ماه را در آن سپری می‌کرد و در جهان آفرینش و قدرت عظیم پروردگار به اندیشه فرو می‌رفت و تا زمان آمدن وحی و نزول قرآن کریم به این عادت خود دوام می‌داد.

زمانی‌که پیغمبر ﷺ سن چهل ساله‌گی را تکمیل کرده بود، روز دو شنبه دوازدهم رمضان، جبرئیل امین، وحی خداوند جل جلاله را بر وی فرود آورد. او در غار حراء مشغول عبادت بود که فرشته به نزدش آمد و گفت: بخوان! پیامبر ﷺ فرمود: من خوانده نمی‌توانم. پیامبر ﷺ می‌گوید که آن فرشته مرا در آغوش گرفت



غار حراء

و سخت فشار داد چنان که تاب و توانم را از دست دادم و سه بار این عمل تکرار شد. بعد از فشار دادن، بار سوم، فرشته گفت:« اقرا باسم ربک الذی خلق....»! ترجمه: بخوان به نام پروردگارت که آفرید آدمی را از لختۀ خون، بخوان، که پروردگارت کریم ترین کریمان است، خدایی که به قلم آموخت و به آدم آنچه را نمی‌دانست تعلیم داد. بعد از مدت کوتاهی نزدیک ترین دوستانش حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه، حضرت علی(کرم الله وجهه) و از زنان، حضرت بی بی خدیجه رضی الله عنها به رسالت وی ایمان آوردند. با گذشت مدت اندکی ده‌ها تن از اقشار مختلف مردم به دین اسلام گرویدند.

هجرت مسلمانان به حبشه

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم، خانۀ حضرت ارقم رضی الله عنه را مرکز دعوت خویش تعیین نموده بود و در همین جا با مردم دید و باز دید می‌نمود و مردم را به دین اسلام طور سری دعوت می‌کرد. این دعوت مخفی سه سال دوام کرد. بعد از گذشت این مدت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بر فراز تپۀ صفا دعوت اسلام را آشکار نمود. به دنبال این رویداد ابولهب، ابوجهل و سایر مشرکان به آزار و اذیت مسلمانان مبادرت ورزیدند و چون ظلم و ستم کفار از حد گذشت، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به مسلمانان اجازه داد تا به حبشه که پادشاهش یک شخص عادل بوده و نجاشی نام داشت مهاجرت نمایند.

سال پنجم بعثت ماه رجب بود که برای اولین بار یازده تن از مسلمانان که چهار تن شان زن بودند به حبشه هجرت کردند. هنگامی‌که مشرکان از این هجرت آگاه شدند به شقاوت خود افزودند که در نتیجه در سال ششم نبوت به تعداد ۸۳ تن مسلمانان رهسپار دیار هجرت شده و به حبشه رفتند. کفار مکه همین‌که خبر شدند مسلمانان مورد لطف نجاشی قرار گرفته اند تحایف و هیأتی را تحت رهبری عمرو بن عاص، اعزام نمودند، اما در اثر درایت ذاتی نجاشی و دانستن حقیقت دعوت اسلام توسط نمایندۀ مهاجران، نه تنها تحایف کفار مکه را رد نمود؛ بلکه به حمایت مهاجران توجه بیشتری مبذول داشت.

سفر طایف

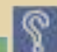
پس از آن هم مسلمانان همواره مورد آزار و شکنجۀ مشرکان قرار داشتند وعده‌یی در اثر تعذیب کفار جان خود را از دست دادند و فضا بر پیامبر ﷺ تنگ آمد.

سال دهم بعثت حضرت بی بی خدیجۀ الکبری رضی الله عنها و ابوطالب که از هرحیث نزدیکترین اقارب و حمایت کنندۀ حضرت محمد ﷺ بودند وفات نمودند این دو حادثۀ المناک بر روح پاک حضرت محمد ﷺ چنان تأثیر کرد که این سال را به نام عام الحزن مسمی نموده؛ ولی باز هم این چنین حوادث درد ناک نتوانست که کوچکترین وقفه را در برابر ادای فریضۀ رسالت دعوت به وجود آورد. روی همین اصل، حضرت رسول اکرم ﷺ برای انجام وظیفۀ رسالت جهت دعوت مردم به طایف که شهری در نزدیکی مکه بود، سفر نموده. سران مردم را به اسلام دعوت نمود؛ ولی آن‌ها نه تنها دعوت پیامبر اسلام ﷺ را قبول نکردند؛ بلکه پسران خوردسال و جوانان را وظیفه دادند تا به آزار و اذیت حضرت محمد ﷺ بپردازند و از شهر بیرونش کنند.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول در مورد دعوت حضرت محمد ﷺ و گروه دوم در مورد هجرت مسلمانان به حبشه باهم بحث کنند.



سؤالات

۱- در مورد نسب حضرت محمد ﷺ معلومات دهید؟

۲- چرا مسلمانان به کشور حبشه مهاجرت نمودند؟

۳- عکس العمل مردم طایف در مقابل دعوت حضرت محمد ﷺ چه بود؟



فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد زنده گی حضرت محمد ﷺ از بزرگان پرسیده، معلومات خود را در صنف ارائه نمایند.

بیعت عقبه

در این درس شاگردان راجع به بیعت عقبه و هجرت مسلمانان به مدینه معلومات حاصل می‌نمایند.

الف) بیعت اول عقبه: در درس گذشته خواندیم زمانی‌که پیغمبر از ایمان آوردن اهل مکه مأیوس گردید به طایف رفته قبیلهٔ بنی ثقیف را به اسلام دعوت نمود که آن‌ها هم نپذیرفته؛ بلکه آن حضرت را با سنگ‌ها زدند؛ بنابراین رسول اکرم ﷺ در موقع حج، قبایل مختلف عرب را به دین اسلام دعوت می‌نمودند تا این‌که در سال یازدهم نبوت حضرت محمد ﷺ با شش تن یثربی و خزرجی خارج از مکه در جایی به نام عقبه دیدار نموده بر ایشان اسلام را عرضه کرد و آیات چندی از قرآن مجید را تلاوت کرد، آن شش تن دعوت اسلام را قبول نموده وعده سپردند که سال بعد نیز در همین‌جا با هم دیدار نمایند. در سال دوازدهم بعثت در محل مذکور ۱۲ تن یثربی‌ها با حضرت محمد ﷺ دیدار نموده و روی یک سلسله موضوعات با هم به موافقه رسیدند که به نام بیعت عقبه معروف شد مندرجات بیعت مذکور قرار ذیل است:

هیچ‌کس و یا چیزی را با خداوند ﷻ شریک نمی‌سازیم؛ دزدی و سایر اعمال نا شایسته را انجام نمی‌دهیم؛ اولادهای خود را نمی کشیم؛ دروغ نمی گوییم؛ به کسی تهمت نمی‌بندیم و نافرمانی رسول خدا ﷻ را نمی‌نماییم.

حضرت محمد ﷺ بعد از عقد قرارداد به حضرت مُصعب بن عمیر رضی‌الله‌عنه دستور داد تا همراه این ۱۲ تن به مدینه رفته، امور تعالیم اسلامی و دعوت مردم به اسلام را به پیش برد که در نتیجه از اثر مساعی مخلصانهٔ ایشان تعداد زیادی از یثربی‌ها به دین مقدس اسلام مشرف شدند.

ب) بیعت دوم عقبه: در سال سیزدهم بعثت ۷۳ تن مرد همراه با دو زن برای بار سوم در عقبه با حضرت رسول اکرمﷺ دیدار داشتند. طی این دیدار آن‌ها، تعهد سپردند که علاوه بر این‌که مردم را به اسلام دعوت می‌نمایند با رسول خداﷺ نیز هر نوع کمک و همکاری می‌نمایند. این بیعت به نام بیعت دوم عقبه مسمی گردید. طی این بیعت تعهدات ذیل به میان آمد:

ما به هر حکم پیامبر خداوندﷻ جواب مثبت می‌دهیم؛ مصارف مالی اش را به عهده می‌گیریم و هنگامی‌که حضرت محمدﷺ از مکه به مدینه تشریف بیاورد ما هر نوع کمک و همکاری همرایشان نموده و چنان از او حمایت خواهیم نمود، مانند این‌که از اولاد و سایر اعضای فامیل خویش حمایت به عمل می‌آوریم و ما در برابر این خدمات خویش تنها و تنها جنت می‌خواهیم. این بیعت و تعهد در حقیقت سنگ تهداب حکومت اسلامی بود که گذاشته شد.

هجرت

هنگامی که حضرت محمدﷺ از مردم یثرب وعدهٔ هرگونه کمک را دریافت نمود به دنبال آن هجرت مسلمانان به جانب یثرب آغاز گردید و جناب پیامبرﷺ یک‌ماه بعد، از مکه جانب یثرب هجرت نمودند. در حین آغاز هجرت، خانهٔ حضرت



محمد ﷺ توسط مشرکان محاصره بود. در آن شب که حضرت محمد ﷺ خواست از خانه بیرون شود؛ حضرت علی رضی الله عنه را توظیف نمود که در بسترش بخوابد تا بدین گونه کفار قریش اغفال گردید.

حضرت محمد ﷺ ابوبکر صدیق رضی الله عنه را با خود همراه نموده به غار کوه ثور رفتند، سه شبانه روز را در آنجا سپری نمودند. گرچه کفار تا به دهن غار هم رسیدند، اما خداوند جل جلاله این دو دوست خود را حفاظت نموده ایشان را از شر کفار در امان داشت. روز چهارم هر دو به سوی یثرب رهسپار شدند. بعد از سپری نمودن ۹ شبانه روز به تاریخ ۸ ربیع الاول به روز دوشنبه به قبا که در مسافت دو میلی یثرب موقعیت دارد، رسیدند. در آنجا تهداب اولین مسجد را گذاشته و بعد به جانب یثرب حرکت نمودند. حضرت نبی کریم ﷺ در محله‌یی بنی سالم بن عوف اولین نماز جمعه را ادا کردند و طی خطابهٔ مسلمانان را به وظایف اصلی شان متوجه نموده و چنین ایراد فرمودند: «حاکمیت اصلی به خداوند جل جلاله تعلق دارد تنها او را بپرستید و با او شریک میاورید، رهنمای حقیقی خویش، کتاب خداوند جل جلاله یعنی قرآن و سنت پیامبرش را بدانید و آن را بر خود حاکم نمایید دشمنان خدا را دشمنان خود بدانید و جهت غلبهٔ دین به جهاد چنگ زنید نام اسلامی شما مسلمان بوده و همه تان مسلمان و افراد یک جامعه هستید که به نام امت اسلامی یاد می‌شوید.» پس از آن، بین مهاجران و انصار عقد مواخات به وجود آمد و از اثر فیض و برکت دین مبین اسلام جنگ‌های ده ساله بین قبایل اوس و خزرج از بین برده شده و به برادری مبدل گردید.

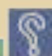
امتیازات نسبی، منطقوی و نژادی از بین برده شد و در عوض تقوی و عمل نیکو، معیار

برتری قرار گرفت و طی یک منشور ۵۲ ماده‌یی عملاً تهداب یک حکومت اسلامی گذاشته شد.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به بیعت اول عقبه و گروه دوم راجع به هجرت حضرت محمد ﷺ به یثرب باهم بحث کنند.



سؤالات

۱- متن بیعت اول عقبه شامل کدام موضوعات بود؟
۲- بیعت دوم عقبه در کدام سال عقد گردید؟
۳- حضرت محمد ﷺ اولین نماز جمعه را در کجا ادا نمود؟



فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد هجرت حضرت محمد ﷺ به مدینهٔ منوره از علما و دانشمندان محل خویش معلومات جمع آوری نموده و آن را در صنف ارائه نمایند.

غزوات

در این درس راجع به غزوات، عوامل به وقوع پیوستن و نتایج آن‌ها معلومات ارائه می گردد.

پس از آنکه پیامبر ﷺ و مسلمانان در مدینهٔ منوره مستقر گردیدند و پایه‌های اولین دولت اسلامی گذاشته شد، دشمنی‌های مستقیم دشمنان اسلام نیز آغاز گردید و در نتیجه، غزوات بین مسلمانان و کفار آغاز گردید. سیرت نویسان و مؤرخان مسلمان هر نبردی را که میان مسلمانان و مشرکان انجام پذیرفته و فرستادهٔ خدا شخصاً در آن حضور یافته بود به نام «غزوه» و آن نبردهایی که پیغمبر ﷺ در آن حضور نداشتند، به نام «سریه» یاد می کنند.

تأسیس حکومت اسلامی در مدینهٔ منوره، کفار را به طور عموم و مشرکان مکه را به خصوص به حالت ترس مواجه نموده در پی آن برآمدند تا به هر وسیلهٔ ممکن پیشرفت مسلمانان را بگیرند. مسلمانان نیز می‌فهمیدند که اگر جهاد نکنند با زوال حتمی روبه رو می‌شوند؛ بنابراین این‌ها هم آماده گی‌های دفاعی نظر به امر خداوند ﷻ را می گرفتند. و به غزوات آغاز نمودند که به ترتیب آتی از مهمترین آن‌ها تذکر به عمل می‌آیند.

بیشتر بدانید

حضرت محمد ﷺ در اولین سال هجری، بعد از استقرار در مدینه جهت تنظیم امور زنده‌گی بین قبایل و ساکنان مختلف آن پیمانی را عقد نمود که در تاریخ به نام منشور مدینه مشهور است.

پیمان مذکور مبین ارجگذاری به انسانیت و عدالت اجتماعی می‌باشد که از بعضی مواد آن به طور فشرده تذکر به عمل می‌آید:

۱- وحدت امت اسلامی بدون تفرقه.
۲- تساوی مسلمانان در حقوق و کرامت انسانی.
۳- همکاری با امت مسلمان به خاطر پایان دادن به ستم، گناه و تجاوز.
۴- نبرد بی امان در برابر یاغیان دولت اسلامی و امتناع ورزیدن از یاری و همکاری با آن‌ها.
۵- بر غیر مسلمانان لازم است تا در مصارف دولت اسلامی؛ مانند مسلمانان سهم گیرند.
۶- بر غیر مسلمانان لازم است به خاطر دفع خطرات خارجی در حالت جنگ با مسلمانان همکاری نمایند.
۷- بر دولت اسلامی لازم است تا از وقوع ظلم و ستم بر غیر مسلمانان جلوگیری به عمل آورد، طوریکه این کار با مسلمانانی که مورد ستم قرار می گیرند، نیز عملی می گردد.
۸- گناهکار و ستمگر حمایت نمی‌شود.
۹- جامعه بر پایه‌های همکاری، نیکو کاری و پرهیز کاری اساس گذاری می‌شوند، نه بر پایهٔ گناه و تجاوز.
۱۰- هیچ کس به گناه کس دیگری گرفته نمی‌شود و حدود تنها بالای جانی تطبیق می گردد.

غزوهٔ بدر

این غزوه در هفدهم رمضان المبارک سال دوم هجری به وقوع پیوست. سببش این بود که مسلمانان می‌خواستند قافله تجارتی قریش را که از شام به سوی مکه رهسپار بود به دست آورند. پیامبر ﷺ نیت جنگ نداشت؛ اما رئیس قافله ابوسفیان به قریش پیام فرستاد تا قافله او را از تعرض مسلمانان حمایت کنند؛ بنابراین یک هزار مرد جنگی قریش که شش صد تن آن زره بر تن داشتند با یکصد رأس اسپ که سوار کارانش نیز لباس زره به تن داشتند و با هفتاد شتر آمادهٔ جنگ شدند. سیره نویسان هم اتفاق دارند که: این تعداد را کنیزان خوش آواز و نوازنده، با دف زدن‌ها و همراهی می کردند؛ اما مسلمانان تعداد شان به سه صد و سیزده و یا سه صد و چهارده تن بالغ می گردید که اکثریت آن‌ها انصاری بودند. با این جمع هفتاد شتر و دو یا سه رأس اسپ نیز بود که مسلمانان آن شترها را به نوبت سوار می‌شدند. با آن‌که پس از اندکی مشرکان قریش اطلاع یافتند که قافله شان نجات یافته با آن هم، راه جنگ را در پیش گرفتند و با غرور و تکبر گفتند که می‌خواهیم مسلمانان را گوشمالی دهیم و مغلوب سازیم. زمانی که هردو لشکر رو در روی هم قرار گرفتند؛ فرستادهٔ خدا ﷺ قبل از این‌که داخل نبردشود، خواست تا از یارانش به ویژه از انصار مشوره بخواهد، مهاجران همه به غزا مشوره دادند وقتی که انصار فهمیدند پیامبر ﷺ، خواهان دیدگاه آن‌هاست، سعد بن معاذ رضي الله عنه به نماینده گی از انصار گفت: ای رسول الله ﷺ ما به تو ایمان آوردیم و نبوت تو را تصدیق کردیم و گواهی دادیم آنچه تو آورده ای حق است و به سمع و طاعت از فرمان‌های تو پیمان بستیم و عهد کردیم. ای فرستادهٔ خدا، به سوی آنچه می‌خواهی حرکت کن ما همه با تو همراه هستیم. دیگران نیز مثل سعد حرف‌هایی زدند، این گفتارها، خوشی زایدالوصفی در پیامبر ﷺ ایجاد کرده ایشان فرمودند:

در پناه برکت الهی حرکت کنید و بشارت باد بر شما که خداوند یکی از این دو نیکویی را برایم وعده فرموده است، یا کاروان و یا غلبه بر نیروهای جنگی قریش که برای نجات کاروان آمده اند. بدین ترتیب، جنگ در گرفت. در این غزوه، هفتاد تن از مشرکان که ابوجهل و برخی زمامداران شان نیز در جمله شامل بودند، کشته شدند و هفتاد تن دیگر به اسارت افتادند.



پیامبر اکرم ﷺ امر فرمود تا کشته

شده گان را دفن و خود به مدینه برگردند و همراه با یارانش در مورد سرنوشت اسیران مشوره نمودند.

غزوهٔ اُحُد

این غزوه در سال سوم هجری به وقوع پیوست. قریش، به غرض گرفتن انتقام غزوهٔ بدر، سه هزار تن را که ملبس به زره بودند با دوصد اسپ و سه هزار شتر به مدینه در ساحهٔ کوه اُحد آمادهٔ جنگ شدند. حضرت محمد ﷺ نقشهٔ جنگ را طوری ترتیب کردند که پشت سپاه اسلام، به جانب کوه اُحد و روی شان طرف دشمن باشد و به حضرت عبدالله بن جبیر رضي الله عنه وظیفه سپرده شد تا با پنجاه تن تیرانداز، از جانب کوه که به جبل الرماه شهرت داشت، به محافظت و نگهبانی مسلمانان بپردازند و حتی در صورت کامیابی و ناکامی مسلمانان هم آنجا را ترک ننمایند، و در عین حال قوماندانی سواره نظام را به حضرت زبیر بن عوام رضي الله عنه و قوماندانی پیاده نظام را به حضرت حمزه رضي الله عنه واگذار نموده و حضرت مصعب بن عمیر رضي الله عنه به حیث علم‌بردار تعیین گردید. جنگ درگرفت و در نتیجه کفار شکست خورده، پا به فرار نهادند. مسلمانان به جمع کردن غنایم پرداختند. تعداد زیادی از آنانی که در تنگهٔ کوه احد توظیف بودند، آن‌ها هم آمدند تا از غنیمت محروم نمانند. خالد که تنگهٔ کوه اُحد را خالی دید از همان مسیر با گروهی سواره نظام خود آمده حضرت عبدالله بن جبیر رضي الله عنه را با چند تن محدودی که با او باقی مانده بودند به شهادت رسانیده و از عقب بر مسلمانان که سرگرم جمع آوری غنایم بودند هجوم آوردند و مشرکان توانستند که خود را به نزد پیامبر اکرم ﷺ برسانند و سنگ‌های که پرتاب می‌کردند به پیامبر ﷺ رسید و رخسار مبارکش مجروح گردیده و دندان مبارکش به شهادت رسید و ۷۰ تن به شمول حضرت حمزه رضي الله عنه کاکای حضرت محمد ﷺ را به شهادت رسانید. در این غزوه تعداد مسلمانان ۷۰۰ تن بود.


کوه اُحد

غزوهٔ بنی نضیر

بنی نضیر، یکی از قبیله‌های یهودی بوده و در نزدیکی مدینه سکونت داشتند و با خزرج هم پیمان و با مسلمانان پیمان صلح و تعاون بسته بودند؛ ولی از آن‌جایی که شرارت، غدر و خیانت با سرنوشت یهودان مزج و عجین بود و این اوصاف در ژرفای دل شان ریشه داشت،

آن‌ها را نگذاشت تا به عهد خود وفا کنند. روزی فرستادۀ خدا ﷺ و بعضی از یارانش در میان بنی نضیر بودند و پیامبر ﷺ به دیوار خانه یی تکیه زده بود، یهودان در این لحظات توطۀ قتلش را سنجیدند و خواستند با انداختن سنگ بزرگی از فراز بام خانه به زنده‌گی مبارک پیامبر ﷺ خاتمه بدهند. پیامبر ﷺ از طریق وحی از دسیسه شان آگاه شد و به سرعت از جایش بر خاسته و به دشمن چنان وانمود کرد که گویا دنبال کاری می‌رود و به سوی مدینه رهسپار شد که یارانش نیز به دنبالش رفتند. پس از آن، پیامبر ﷺ محمد بن مسلمه رضی الله عنه را به نزد بنی نضیر فرستاد تا این پیام را بر ایشان برساند که:

از کشور ما خارج شوید و شما نمی‌توانید با من در مدینه سکونت کنید؛ زیرا شما نقض عهد کردید و تصمیم به غدر و خیانت گرفتید.

محمد بن مسلمه، بعد از ابلاغ فرمان پیامبر اکرم ﷺ بر ایشان ده روز مهلت داد تا در این مدت منطقه را ترک کنند.

بنی نضیر نیز با شنیدن اخطار فرستاده خداوند ﷺ آماده ترک آن دیار شدند، ولی زعیم منافقان عبدالله بن ابی، برای شان پیام فرستاد که منطقه را ترک نگویند و در ضمن برای شان وعده داد که دو هزار نفر را به کمک و دفاع از آن‌ها خواهد فرستاد.

بنی نضیر با شنیدن این پیام، از تصمیم خود برگشتند و سنگرهای خویش را مستحکم ساخته و از ترک دیار خویش ابا ورزیدند و به رسول خدا ﷺ پیام فرستادند که سر زمین خویش را ترک نمی کنند.

تا این که رسول خدا ﷺ با جمعی از یارانش به سوی بنی نضیر حرکت کرد و غزوه اتفاق افتاد. بنی نضیر شکست خورده و تحت شرایط خاص که پیامبر خداوند ﷺ برای شان وضع نمود محل را ترک گفتند.

غزوۀ خندق

یهود بنی نضیر که از اثر سرکشی قرارداد، از مدینه اخراج و در خیبر مسکن گزیده بودند با مسلمانان کینۀ زیاد داشتند و از این که نمی‌توانستند با مسلمانان بجنگند رئیس خود، حیی بن اخطب را به مکه فرستادند تا کفار مکه و قبیلۀ غطفان را بر ضد مسلمانان به جنگ تحریک نماید. آن‌ها در کار خود موفق شدند در ماه ذوالقعده سال پنجم هجری ده هزار تن به سر کرده‌گی ابوسفیان به سوی مدینه در حرکت شدند؛ حضرت محمد ﷺ در مدینه به مشورۀ حضرت سلمان فارسی رضی الله عنه برای حفر خندق به طول ۱۲ هزار «ذراع» دست به کار شدند خود حضرت رسول اکرم ﷺ شخصاً با کمال جدیت در حفر خندق سهم گرفت. هنگامی که کفار قریش به مدینه رسیدند درین وقت کار حفر خندق به اتمام رسیده بود. برای مسلمانان از یک طرف

خندق و از جانب دیگر، باغ‌های خرما سنگرهای خوبی بود که مانع هجوم کفار می‌شد، اما یهود بنی قریظه هم پیمانان مسلمانان بودند و نمی‌توانستند بر ضد مسلمانان عمل کنند؛ ولی حبی بن اخطب سر انجام به این موفق شد تا کعب بن اسد سرکردهٔ بنی قریظه را وا دارد تا قرارداد خود را با مسلمانان بشکنند. این کار، اسباب پریشانی مسلمانان را فراهم نمود. در همین وقت حضرت نعیم بن مسعود ﷛ به دین اسلام مشرف گردید؛ اما کفار از مسلمان شدن وی آگاهی نداشتند. وی از پیامبر بزرگ اسلام ﷺ اجازه گرفت تا با استفاده از جنگ روانی کفار را از هم متفرق نماید. نامبرده نزد بنی قریظه رفته برای شان گفت: اگر قریش شکست بخورند به مکه می‌روند، اما شما کجا خواهید رفت؟ بعد به طور نصیحت برای شان گفت که چند تن از قریش را نزد خود گروگان بگیرید تا آن‌ها شما را تنها نگذارند، سپس نزد مشرکان مکه و بنی غطفان رفته برای شان گفت بنی قریظه از تعهدی که همراه شما نموده اند پشیمان شده، همراه پیامبر ﷺ دیدار نموده و می‌خواهند چند تن شما را بگیرند و به او بسپارند خلاصه این‌که بنی قریظه به مناسبت روز شنبه جنگ نکرد و از قریش چند تن را طوری گروگان مطالبه نمودند تا به وفاداری آن‌ها مطمئن شوند. سخنان حضرت نعیم ﷛ که در این مورد سخت کارگر افتاده بود با خواستن گروگان از طرف بنی قریظه بدگمانی قریش و غطفانیان اضافه تر شده و این عمل ایشان، مشرکان مکه را نا امید و خسته ساخته بود که در همین هنگام به امر خداوند ﷻ طوفان شدید توأم با گرد و خاک، ریگ و سنگ ریزه‌ها به وزیدن آغاز نمود این طوفان چنان شدید بود که همه خیمه‌ها، دیگ‌ها و سایر اشیای کافران و مشرکان را چپه و سرنگون نمود. این حادثه، کفار را سخت جبون و وارخطا کرد و سر انجام ابوسفیان حکم نمود لشکریان آنجا را ترک کرده و به مکه برگردند. و به این ترتیب، فتح و کامیابی نصیب مسلمانان شد.



غزوۀ بنی قریظه

این غزوه بدنبال غزوه احزاب در سال پنجم هجری بوقوع پیوست، علتش این بود که بعد از آنکه پیامبر اکرم ﷺ غدر، خیانت و همبستگی یهود را با قریش و همپیمانانش مشاهده کرد، و در جنگ احزاب، این قبیلۀ خیانت پیشه، پیمانش را با پیامبر اکرم ﷺ نقض نمود، چون این قبیلۀ خیانت پیشه همراه با پیامبر ﷺ و مسلمانان در مدینه سکونت داشتند، بناءً شر بزرگی از آن‌ها انتظار میرفت و هرگاه غزوه احزاب پایان نمی‌پذیرفت، خطر جدی مسلمانان را از جانب آن‌ها تهدید میکرد. همان بود که پیامبر ﷺ خواست تا آن را تأدیب کرده، مدینه مقر جهاد و دعوتش را از وجود آن‌ها پاک سازد. تا شرایط بار دیگر طوری نیاید که آن‌ها بالای مسلمانان حمله کنند.

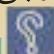
حضرت رسول اکرم ﷺ مطابق حکم خداوندی با لشکر سه هزار نفری جانب بنی قریظه حرکت نمود و مدت بیست و پنج شبانه روز آن‌ها را در محاصره گرفتند که سر انجام یهودیان تسلیم شدند و پیغمبر اکرم ﷺ سعد بن معاذ را در میان شان حاکم قرار داد. حضرت سعد حکم خویش را در مورد بنی قریظه صادر نمود.

فرستادۀ خدا ﷺ فیصله سعد بن معاذ را تنفیذ فرموده و بر دسیسه‌ها و توطئه‌های یهودیان که هدف شان نابودی پیامبر ﷺ و دعوت اسلامی در مدینه و اطراف آن بود، خاتمه بخشید.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند؛ گروه اول راجع به غزوۀ بدر،گروه دوم در مورد غزوۀ احد و بنی نضیر و گروه سوم راجع به غزوۀ خندق و بنی قریظه باهم بحث کنند.



سؤالات

۱- در غزوۀ بدر به چه تعداد کفار به قتل رسیدند؟

۲- علت غزوۀ احد را توضیح نمایید.

۳- علت شکست کفار در غزوۀ خندق چه بود؟ مختصراً توضیح نمایید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد نتایج غزوات احزاب، بنی نضیر و بنی قریظه از بزرگان، امامان مساجد و منابع دست‌داشته معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

صلح حدیبیه - بیعت الرضوان

در این درس راجع به صلح حدیبیه، مواد آن، و هم پیرامون غزوات خیبر و موته معلومات ارائه می گردد.

حضرت محمد ﷺ در سال ششم هجرت جهت زیارت بیت الله و ادای عمره با یک هزار و چهارصد نفر رهسپار مکۀ معظمه گردیدند. در نزدیکی مکه، قریش راه مسلمانان را گرفتند و نگذاشتند تا ادای عمره کنند. حضرت محمد ﷺ حضرت عثمان رضی الله عنه را که شخصی مورد احترام برای قبایل متنفذ مکه بود، به حیث نماینده نزد مردم مکه فرستاد تا به آن‌ها تفهیم نماید که مسلمانان به جنگ نه؛ بلکه جهت ادای عمره آمده اند. قریش حضرت عثمان رضی الله عنه را از وقت تعیین شده بیشتر با خود نگه داشتند؛ بنابراین چنان آوازه شایع شد که گویا حضرت عثمان رضی الله عنه را به شهادت رسانیده اند، این موضوع حضرت محمد ﷺ را وا داشت تا خویشتن را به جنگ با قریش آماده نماید؛ روی همین اصل آن حضرت در حالی که در حدیبیه زیر یک درخت ایستاده بود در رابطه با جنگ از مسلمانان بیعت گرفت، این بیعت در تاریخ به نام بیعت الرضوان یاد می‌شود. هنگامی که قریش از این تصمیم مسلمانان واقف شدند، مشرکان مکه سهیل بن عمرو را در رأس هیأتی نزد پیامبر ﷺ فرستادند مذاکرات آغاز و طرفین متعهد به قراردادی شدند به شرح ذیل:

۱- هردو جانب باید برای مدت ده سال با هم صلح نموده جنگ نکنند.

۲- حضرت محمد ﷺ با اصحاب خویش امسال برگردند. حج را ادا کرده نمی‌توانند و سال آینده بیایند، آن هم در حالی که غیر شمشیر چیز دیگری نزد شان نباشد و آن هم در غلاف.

۳- هر قبیلۀ عرب غیر از قریش در برقراری روابط با حضرت محمد ﷺ مختار است.

۴- اگر کسی از قریش به مسلمانان پناه ببرد، مسلمانان وی را باید مسترد نمایند؛ اما اگر از

بسم الله الرحمن الرحیم

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا (۱)

مسلمانان کسی به کفار مکه پناه برد، محمد ﷺ حق ندارد وی را مطالبه کند.

این صلح در مقام حدیبیه صورت گرفت که در قرآن کریم از این صلح به نام فتح مبین ذکر به عمل آمده است. و یکی از فواید عمدۀ این معاهده این بود که مسلمانان از طرف قریش در امن شدند و فرصت یافتند تا توجه خود را به سایر قبایل عرب متمرکز نمایند.

بعد از صلح حدیبیه حضرت پیامبر ﷺ با ارسال دعوت نامه‌ها ذریعۀ اصحاب کرام رضی الله عنهم به قیصر روم، شاه ایران، عزیز مصر مقوقس، نجاشی پادشاه حبشه و به رؤسای یمامه و شام آغاز نمودند و آن‌ها را به شرف یابی به دین مبارک اسلام دعوت کردند. پادشاه حبشه، عمان و بحرین این دعوت را پذیرفتند، پادشاه ایران (خسرو پرویز) نامه را پاره کرد، بعضی دیگر ایشان سکوت اختیار کردند و اما حارث غسانی نه تنها دعوت را نپذیرفت؛ بلکه نمایندۀ حضرت رسول اکرم ﷺ شجاع بن وهب را به شهادت رسانید که همین حرکت غیر انسانی حارث، سبب غزوۀ موته گردید.

غزوهٔ خیبر

در ماه محرم سال ۷ هجری، بعد از آن‌که خاطر حضرت پیامبر ﷺ از جانب کفار مکه جمع گردید خواست تا به پیمان‌شکنان گوش‌مالی دهد، بنابرآن، لشکری را آماده کرده شب‌هنگام خود را با لشکر به منطقهٔ رجیع رسانیدند تا شب صبح می‌شد و یهودیان پی کارهای خویش می‌رفتند. مسلمانان به خیبر رسیدند؛ یهودیان که مسلمانان دیدند پا به فرار نهادند و به قلعه‌های شان پناه بردند، غطفانیان می‌خواستند به ایشان کمک نمایند، اما دیدند که درهٔ رجیع در تصرف مسلمانان است و جهت رسیدن به خیبر کدام راه وجود ندارد، از تصمیم خود منصرف شدند، سر انجام، قلعه‌های خیبر در اثر جان فشانی‌ها و قهرمانی‌های مسلمانان از جمله، علی بن ابی طالب رضی‌الله‌عنه فتح گردیده و یهودیان خیبر تسلیم شدند. در جریان بازگشت آن‌حضرت از غزوهٔ خیبر دو تن از سران و قهرمانان قریش خالد بن ولید و عمرو بن عاص به نزد پیامبر ﷺ آمده اعلان اسلام نمودند.



غزوهٔ موته

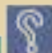
چون از یکطرف غسانی‌ها نمایندهٔ حضرت پیامبر ﷺ را به شهادت رسانیده بودند. از جانب دیگر وقت آن رسیده بود تا ایشان دو باره به دین اسلام دعوت شوند؛ بنا برآن حضرت پیامبر ﷺ در سال ۸ هجری جهت سرکوبی آن‌ها لشکری سه هزار نفری را تحت قیادت حضرت زید بن حارثه رضی‌الله‌عنه فرستاد و برای ایشان فرمود که اگر حضرت زید رضی‌الله‌عنه شهید شد؛ سپس حضرت جعفر رضی‌الله‌عنه قیادت لشکر را به عهده گیرد و اگر او هم شهید شد؛

سپس حضرت عبدالله بن رواحه ﷺ قیادت لشکر را عهده دار گردد؛ همینکه مسلمانان در سرزمین شام در قریهٔ موته با لشکر مرکب از اعراب و رومیان مواجه شدند جنگ در گرفت، قوماندانان لشکر اسلام یکی پی دیگری به شهادت رسیدند سرانجام، سپاه اسلام سیف الله یعنی حضرت خالد بن ولید ﷺ را به حیث قوماندان خویش تعیین نمودند. وی لشکر پراگندهٔ خویش را دوباره جمع و منظم نمود و بعد از آنکه جنگ سختی را به راه انداخت و بعد از دو روز جنگ به دامنهٔ کوه پناه برد و دشمن هم از ادامهٔ جنگ دست کشید. بالاخره لشکر اسلام به مدینه برگشت.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ گروه اول در مورد صلح حدیبیه و گروه دوم راجع به غزوهٔ خیبر باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- بیعت الرضوان چیست معلومات دهید.

۲- حضرت محمد ﷺ بعد از صلح حدیبیه کدام شاهان را به دین اسلام دعوت نمودند؟

۳- علت غزوهٔ موته چیست؟ بیان نمایید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به فواید صلح حدیبیه معلومات جمع آوری نموده در صنف ارائه نمایند.

درس سی و هفتم

فتح مکهٔ مکرمه

در این درس راجع به فتح مکه، چگونه گی به وقوع پیوستن غزوهٔ حنین، حجه الوداع و رحلت حضرت محمد ﷺ معلومات ارائه می گردد.

مردم مکه پیمانی را که در سال ششم هجری با مسلمانان بسته بودند بر اساس آن می‌بایست با قبیلهٔ خزاعه که هم پیمان مسلمانان بودند جنگ نمی کردند، و مسلمانان هم باید به مکیان و هم پیمانان آن‌ها ایجاد مزاحمت نمی‌نمودند؛ اما بنی بکر، هم پیمان قریش به همکاری قریش چند تن افراد بنی خزاعه را به قتل رسانیدند، بنا بر همین ملحوظ، بنی خزاعه از مسلمانان خواستار کمک و داد رسی شدند. همان بود که حضرت رسول اکرم ﷺ دانست که قریش پیمان صلح را شکسته؛ پس لشکر ده هزار نفری را آماده و به جانب مکه در حرکت شدند.



مکهٔ معظمه

هنگامی که مردم مکه از این رویداد اطلاع حاصل نمودند سخت وارخطا شده، ابوسفیان و سایر بزرگان قریش به حضرت رسول کریم ﷺ تسلیم شدند و حضرت محمد ﷺ نیز به آن‌ها مهربانی نموده آن‌ها را تحت حمایت خویش قرار دادند. بر علاوه امتیازاتی را که اصلاً در فکر ابوسفیان هم نمی گشت به وی و سایرین عنایت فرمود؛ از جمله آنکه حضرت محمد ﷺ فرمودند: «هر که به خانهٔ کعبه یا خانهٔ ابوسفیان پناه ببرد و یا در خانه‌های خویش باقیمانده در را عقب خود ببندد در امان است» طی این رویداد کدام جنگ مهمی به وقوع نپیوست. پیغمبر ﷺ بعد از ورود به مکه ابتدأ خانهٔ کعبه را طواف نمود و بعد سه صدو شصت بت چهار اطراف کعبه را نابود کرد، سپس داخل خانهٔ کعبه گردیده، در

آن دو رکعت نماز ادا نمود. بعد از ادای نماز به دروازۀ کعبه ایستاده شده و قریش منتظر بودند که پیغمبر چه می کند؟ در جملۀ حرف‌هایی که فرستادۀ خدا ﷺ گفتند، یکی این بود که « ای قریش، شما چه گمان دارید که من در برابر شما چه خواهم کرد؟» قریش گفتند:

«تنها خیر و خوبی، تو برادر مهربان و برادر زادۀ مهربان هستی» رسول الله ﷺ، گفت: امروز من برای شما آنچه را می گویم که یوسف علیه السلام قبلاً به برادرانش گفته بود:

امروز سرزنشی به شما نیست بروید همۀ تان آزاد هستید. بعد از این اعلان برای مردم مکه چنان خورسندی دست داد که تازه از مادران خود تولد شده باشند؛

سپس مردم در صفا گرد آمدند تا با پیغمبر ﷺ بیعت کنند. رسول الله ﷺ بالای کوه صفا نشست و بیعت آن‌ها را مبنی بر سمع و طاعت فرمان‌های خداوند جل جلاله قبول فرمود.

غزوۀ حنین

بعد از فتح مکه، حضرت پیامبر ﷺ جهت تنظیم و ترتیب یک سلسله امور مربوط به مسلمانان مدت ۱۵ روز در مکه باقی ماند در همین وقت احوا ل رسید که قبیلۀ هوازن به سرکرده‌گی مالک بن عوف با کمک قبیلۀ ثقیف آمادۀ جنگ اند؛ اموال زنان و فرزندان خود را نیز به میدان جنگ آورده اند تا موجودیت آن‌ها انگیزۀ جنگ را در وجود شان تقویت کند و شکست را نپذیرند. حضرت پیامبر ﷺ با ۱۲ هزار تن از اصحاب که ۲ هزار تن آن جدیداً به دین مبین اسلام مشرف شده بودند جهت سرکوبی آن‌ها عازم آن دیار شدند.



هنگامی که این لشکر به تنگی حُنین رسید، دشمن در کمین نشسته بود، جنگاوران هوازن به ناگهانی بر مسلمانان هجوم آوردند. از اثر این حملۀ غیر پیش بینی شده، مسلمانان با یک نوع شکست روبه رو شدند، حضرت محمد ﷺ

که در عقب سپاه تشریف داشتند به حضرت عباس رضی‌الله‌عنه فرمود تا با صدای رسایش مسلمانان را به جهاد دعوت نماید؛ از اثر شنیدن این صدا مسلمانان دوباره با هم جمع شدند و بر کفار هجوم بردند که از اثر آن دشمن زنان، مال و اولاد خود را در جای خودگذاشتند و خود پا به فرار نهادند. مالک سر کردهٔ هوازن به طایف گریخت. طایف نیز از سوی مسلمانان محاصره شد و بعد از مدتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم از ادامهٔ محاصره دست برداشته به مکه باز گشت. بعد از اندکی، مردم هوازن خود از مخالفت دست برداشته به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم تسلیم شدند و ایمان آوردند. پیامبر هم تمام غنایمی را که در جنگ حنین از آن‌ها گرفته بود به ایشان بازگردانید.

غزوهٔ تبوک

در سال نهم هجری به پیامبر اسلام اطلاع رسید که امپراتوری روم سپاه چند صد هزار نفری را جهت نابودی دولت نوبنیاد اسلام آمادهٔ جنگ ساخته است؛ بنابراین در ماه رجب سال نهم هجری یک لشکر ۳۰ هزار نفری مسلمانان تحت قیادت حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم رهسپار تبوک گردید، هنگامی‌که این لشکر به تبوک رسید رومی‌ها به هراس افتیدند و جرآت مقابله را در وجود خویشتن ندیده و هر سو پراگنده شدند.

لشکر اسلام در تبوک مدت ۲۰ روز اقامت نمود و چون دشمن حاضر به جنگ نشد لشکر اسلام دو باره به مدینه پیروزمندانه برگشت.

حجه الوداع

بعد از نماز ظهر دو شنبه ۲۵ ذوالقعده الحرام سال دهم هجری بود که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم- جهت ادای مراسم حج با بیشتر از یکصد هزار تن اصحاب کرام راه مکه مکرمه را در پیش گرفتند. شب اول این سفر پر میمنت را در ذوالحلیفه گذراندند. در روز احرام بستندو بعد از هشت روز سفر به مکه مکرمه رسیدند. طواف خانهٔ خداوند جلت عظمته و مراسم صفا و مروه را به پایان رسانیدند و در بلندی مکهٔ در نزدیکی حجون اقامت گزیدند و در روز هشتم ذالحجه رخت سفر به سوی مینا بستند. شبی در آن جا ماندند و روز نهم ذوالحجه بعد از طلوع آفتاب، رهسپار عرفات گردیدند.

در آنجا حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم چنان بیانیهٔ پر محتوا، همه جانبه و ارزشمندی را ایراد

فرمودند که مؤرخان، آن‌را به مثابهٔ معقولترین قانون اساسی اسلامی و جهانی تلقی نموده اند.
بعضی از نقاط مهم این بیانیه قرار ذیل می‌باشد:
- ای مردم، حرف شنوی کنید و از آن اطاعت نمایید! شاید من قادر نشوم سال آینده معیت شما را داشته باشم.
- خوردن مال و ریختاندن خون یکدیگر تان بر شما حرام می‌باشد.
- تمام امور مربوط به زمان جاهلیت ممنوع است.
- در مورد زنان از خدا ﷻ بترسید زنان را بر شما و شما را بر زنان حقوقی هست.
- من برای شما آنچه را که گذاشته ام، اگر بر آن چنگ زنید هر گز گمراه نخواهید شد و آن عبارت از کتاب الله و سنت من است.
- تنها و تنها خدای یگانه را بپرستید، نمازهای پنجگانه را بر پا دارید، روزه بگیرید و زکات مال‌های خویش‌را به خوشی خاطر بپردازید، حج بیت الله را ادا و از اولوالامر اطاعت نموده به جنت داخل شوید.
- در مورد من از شما پرسیده خواهد شد پس شما را اندر باب من جواب چه خواهد بود؟
اصحاب گفتند: ما شهادت‌می‌دهیم که شما برای ما احکام ذات کبریایی را رسانیدید. و خیر ما را خواستید آن‌را جستجو نمودید و حق را ادا کردید.

سپس فرمود:

«ای خدای پاک من. شما شاهد باشید»

در روز دهم در منا، طی خطبهٔ دیگری فرمود:

«آیا من احکام خدای تبارک و تعالی را به شما رسانیدم؟»

اصحاب گفتند: بلی. حضرت رسول اکرم ﷺ فرمود: «ای خدای بزرگ. شما شاهد باشید»

و سپس افزود« مردمان حاضر این سخنان‌را به مردم غایب برسانند».

بعد از آن به تاریخ ۱۳ ذوالحجه از منا به بیت الله شریف تشریف برده و بعد از طواف و وداع راه مدینه را در پیش گرفتند.

رحلت حضرت رسول اکرم ﷺ


مسجد نبوی

حضرت نبی کریم ﷺ در بازگشت از حجة الوداع به مدینهٔ منوره مدتی بعد دچار مریضی و سر دردی شدید گردیدند.

همین که اندکی صحت یاب شدند در حالی که سر مبارک شان‌را بسته بودند به مسجد تشریف آوردند، بعد از آن که در حق شهدای احد دعای خیر و مغفرت کردند سفارش فرمودند تا انصار مورد احترام قرار گیرند و از نیکی‌های شان یاد نمودند؛ سپس فرمود: «خدای عزوجل از بنده‌گان خویش یک بنده را مخیر نمود که از دنیا و آخرت یکی آن‌را انتخاب نماید، او آخرت را انتخاب کرد» با شنیدن این سخن حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه گریست و گفت: «پدر و مادر خود را قربان تو می کنم» و مردم به حالت حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه تعجب کردند که او چرا گریه می کند و چنین سخن می گوید؛ ولی بعد از رحلت حضرت نبی کریم ﷺ دقت فهم حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه برای مردم ثابت شد که مفهوم سخن پیامبر ﷺ را به سرعت درک کرده بود. حضرت نبی کریم ﷺ فرمود: «ای ابوبکر. آرام باش» حضرت رسول اکرم ﷺ به سخنان خویش ادامه داده فرمودند: «به غیر از دروازهٔ ابوبکر تمام دروازه‌هایی که به سوی مسجد باز بود، بسته شوند» و اضافه نمودند« من نمی‌دانم که در رابطه با صحبت و رفاقت نسبت به ابوبکر کسی دیگری حق بیشتر بر من داشته باشد و اگر می توانستم از بین بنده‌گان خداوند جل جلاله کسی را به حیث خلیل انتخاب نمایم به یقین آن شخص ابوبکر می‌بود؛ ولی باز هم بین ما دوستی و برادری بر قرار است تا وقتی که ما همه در برابر خداوند بزرگ جل جلاله پیش کرده می‌شویم» همچنان فرمودند:« لعنت خداوند جل جلاله بر یهود و نصارا باشد که قبرهای پیامبران‌شان‌را عبادت‌خانه قرار داده اند. از قبر من بت نسازید». در ضمن فرمودند:

«اگر کسی را لت و کوب نموده یا به کسی نا سزا گفته باشم انتقام خود را بگیرد و یا اگر از کسی قرضدار باشم و حقی بر من داشته باشد آنرا مطالبه نموده می‌تواند.» از جملهٔ اصحاب، یکی گفت: «من بر شما سه درهم قرض دارم» حضرت رسول اکرم ﷺ به حضرت فضل بن عباس رضی الله عنه امر فرمود تا مبلغ متذکره را به وی بپردازد.

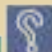
چهار روز قبل از رحلت در حالی که مریضی شان شدید گردیده بود، در مسجد به حاضران فرمودند: « در یک زمان مناسب یهود، نصارا، و مشرکان از جزیرهٔ العرب بیرون کرده شوند».

حضرت مبارک ﷺ الی شام روز پنجشنبه به امامت مسلمانان پرداختند؛ ولی به نماز خفتن نتوانستند به مسجد تشریف بیاورند، به حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه امر فرمودند تا امامت کنند. بعد از همین خفتن تا رحلت آن‌حضرت ﷺ- حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه ۱۷ نماز را امامت نمود. حضرت محمد ﷺ قبل از رحلت غلامان خود را آزاد فرموده، مبلغ هفت دیناری که در خانه داشتند، آنرا صدقه نموده و سلاح جنگی خود را به مسلمانان بخشیدند. حضرت رسول ﷺ هنگام چاشت، روز دو شنبه دوازدهم ربیع الاول سال یازدهم هجری به عمر ۶۳ ساله گی از این جهان فانی وداع نمودند و به رحمت حق پیوستند.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به سه گروه تقسیم شوند؛ گروه اول در مورد فتح مکه، گروه دوم در مورد غزوهٔ حنین و گروه سوم در مورد حجه الوداع باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- مکه در کدام سال فتح شد و علت آن چه بود؟

۲- غزوهٔ حنین چگونه به وقوع پیوست؟ معلومات دهید.

۳- حضرت محمد ﷺ در کدام سال، ماه و روز رحلت نمود؟ معلومات دهید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان در مورد شخصیت حضرت محمد ﷺ معلومات جمع آوری نموده در صنف ارائه نمایند.

ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه

در این درس در مورد نسب، چگونه گی به خلافت رسیدن و وقایع مهم دورهٔ خلافت حضرت ابو بکر صدیق رضی‌الله‌عنه معلومات ارائه می گردد.

اسم حضرت ابوبکر صدیق، عبدالله و اسم پدرش ابوقحافه و اسم مادرش ام الخیر سلما بنت صخر بود و به لقب‌های صدیق و عتیق از جانب حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم ملقب گردیده اند. دو سال و چند ماه بعد از عام الفیل در شهر مکه دیده به جهان گشود. نسب او در جد ششم با حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم یکجا می‌شود. پیشه اش تجارت بود. هنگامی که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم به پیامبری مبعوث گردید؛ ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه از مردان، اولین شخصی بود که به دین مبین اسلام مشرف گردید. وی در راه اعتلای اسلام و جهاد فی سبیل الله تمام دارایی خود را نثار نمود. در حین گرفتن آماده گی‌های حربی برای غزوهٔ تبوک در حالی که تمام اموا ل خانهٔ خود را به مسجد نبوی صلی‌الله‌علیه‌وسلم آورده هر آنچه از ملک ومال داشت همه اش را فدای اسلام نمود. بعد از رحلت حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم انصار در سقیفهٔ بنی ساعده جمع شده و می‌خواستند حضرت سعد بن عباده رضی‌الله‌عنه را به خلافت برگزینند، حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه و حضرت عمر رضی‌الله‌عنه با شنیدن این خبر به طرف سقیفه روان شدند. در راه، حضرت ابو عبیده بن جراح رضی‌الله‌عنه نیز با ایشان همراه شد و چون به سقیفه رسیدند حضرت ابوبکر رضی‌الله‌عنه با ایراد بیانیه‌یی انصار را به این متقاعد ساخت تا از داعیهٔ خلافت دست بردار شوند. حضرت عمر رضی‌الله‌عنه به حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه به حیث خلیفه و جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم بیعت نمود؛ بعد از وی بقیه، همه به حضرت ابو بکر صدیق رضی‌الله‌عنه بیعت نمودند. به این ترتیب، مسأله خلافت به وجه خوب حل و فصل گردید. فردای آن

روز حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه در مسجد نبوی طی یک بیانیهٔ مختصر؛ ولی پر محتوا خط مشی خود را به مسلمانان ابلاغ فرمودند: «ای مردم. من بر شما خلیفه شدم در حالی‌که از شما بهتر نیستم. اگر کارهای خوب انجام می‌دادم مرا کمک و یاری کنید و اگر کار بد می کردم مرا منع کنید. قوی شما نزد من ضعیف و ضعیف تان نزد من قوی است تا حق او را از قوی بگیرم و برایش بسپارم، قومی که جهاد نکند الله تعالی آن قوم را ذلیل می‌سازد و در قومی که بد کاری رواج پیدا کرد، آن قوم به بلاها دچار می گردند.»

با رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم یک تعداد افراد چون مسیلمهٔ کذاب، طلیحهٔ الاسدی و غیره دعوای نبوت کردند و هم بعضی مردم از دادن زکات به بیت المال ابا ورزیدند. حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه لشکر اسلام را توظیف نمود تا کار مسیلمهٔ کذاب و طلیحه الاسدی که دعوای پیغمبری می کردند و آنانی‌که از دادن زکات به بیت الما ل اسلامی ابا ورزیده بودند و یا هم مرتد شده بودند یک طرفه نماید. این جنگ‌ها بیشتر از یک‌سال دوام کرد تا سر انجام مسیلمهٔ کذاب و سایر مرتدین به جزای اعمال خود رسیدند. مرتدین کشته شدند و ابا ورزیده‌گان از دادن زکات به راه آمدند و دادن زکاة را قبول کردند.

حضرت ابو بکر رضی‌الله‌عنه، جهت اشاعهٔ دین مبین اسلام لشکری را به سر کرده‌گی حضرت اسامه بن زید رضی‌الله‌عنه به شام فرستاد، وی نیز موفق از وظیفه بر گشت. طی این جنگ‌ها به تعداد زیادی از قاریان و حافظان قرآن کریم به شهادت رسیدند. همان بود که به پیشنهاد حضرت عمر رضی‌الله‌عنه حضرت ابو بکر صدیق رضی‌الله‌عنه امر نمود تا قرآن کریم را که در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم به صورت متفرق نوشته شده و توسط صحابه در سینه‌ها محفوظ بود در یک مصحف جمع آوری نمایند. بعد از آن‌که وضع داخل کشور اصلاح شد، حضرت خالد بن ولید رضی‌الله‌عنه را در

رأس یک لشکر چهار هزار نفری به عراق فرستاد. وی طی یک سال و دوماه اهالی منطقه رود فرات را به اسلام مشرف نمود.

در حالی‌که مسلمانان مصروف فتوحات بودند رومیان از فرصت استفاده نموده لشکر ۲۴۰ هزار نفری را جمع آوری نمودند تا با مسلمانان بجنگند. حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه برای دفع ایشان حضرت عمروبن عاص را به فلسطین، حضرت ابوعبیده بن جراح رضی الله عنه را به حمص، حضرت یزید ابن ابی سفیان رضی الله عنه را به دمشق و حضرت شرحبیل بن حسنه رضی الله عنه را به سوی اردن فرستاد، و به حضرت سیف الله خالدبن ولید رضی الله عنه حکم نمود که عراق را به مثنی بن حارث بگذارد و خود به شام برود. درین وقت تعداد عساکر حضرت خالد رضی الله عنه به سی و شش هزار تن می‌رسید. در جنگی که طی سال ۱۳ هجری در کنار دریای یرموک به وقوع پیوست دشمن با شکست تاریخی رو به رو شده و یکصد وسی هزار تن آن‌ها به قتل رسید در حالی‌که از طرف مسلمانان فقط سه هزار تن به شهادت رسیده بودند، و هرقل هراکلیوس مأیوس از شام پا به فرار نهاد. در این جنگ قوماندان تمام قوت‌های عسکری مسلمانان، حضرت خالدبن ولید رضی الله عنه بود. وی لشکر خود را به ۳۸ قسمت تقسیم نمود و همزمان از سه طرف بالای دشمن حمله ور گردید این عملیه و تاکتیک عجیب دشمن را چنان مبهوت و حیرت زده نمود که تمام طرح‌های خود شان را ازیاد بردند و جز دادن تلفات دیگر هیچ کاری از ایشان ساخته نبود.

یکی از کارهای عمدهٔ دیگری که در زمان خلافت حضرت ابو بکر صدیق رضی الله عنه رخ داد آن بود که به مشورهٔ حضرت عمر فاروق رضی الله عنه عده‌یی از متخصصان را به سر کرده‌گی زید بن ثابت مکلف به جمع آوری قرآن کریم نمود و این کار سبب شد که مسلمانان در

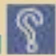
مورد قرآن متحد بمانند.

خلیفهٔ اول، در مدت دوسال و سه ماه خلافت شان چنان کاروایی‌ها و خدمات قابل قدر و فراموش ناشدنی به اسلام و مسلمانان انجام دادند که در تاریخ اسلام و جهان نظیری ندارد و تاریخ اسلام به آن می‌بالد.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به کارهای مهم دورهٔ خلافت حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه و گروه دوم راجع به اولین خطبهٔ حضرت ابوبکر رضی الله عنه باهم بحث نموده و نتیجهٔ بحث خویش را در صنف ارائه نمایند.



سؤالات

۱- حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه چگونه به خلافت رسید؟
۲- حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه چند سال خلافت نمود؟
۳- از کارکردهای مهم حضرت خالد بن ولید رضی الله عنه نام ببرید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه از علمای دینی و افراد دانا در قریه و محلات شان معلومات جمع آوری نموده و به دیگر اعضای صنف آن را شرح دهند

حضرت عمر فاروق رضی‌الله‌عنه

در این درس راجع به نسب، شخصیت حضرت عمر فاروق رضی‌الله‌عنه، فتوحات و دست آوردهای دورۀ خلافت ایشان معلومات حاصل می‌نمایید.

اسم اصلی خلیفۀ دوم اسلام، عمر بن خطاب ملقب به فاروق است که در ۱۳ عام‌الفیل در یک خانوادۀ محترم قریش پا به عرصۀ و جود گذاشت. سلسلۀ نسبش در جد نهم به حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌رسد. در سال ششم بعثت به دین مبین اسلام مشرف گردید.

زمانی‌که اسلام آورد مسلمان شدن خود را آشکار اعلان نمود و هم در وقت هجرت آشکارا اعلان کرد که به هجرت می‌رود و فرمود هر که با او کدام حسابی داشته باشد و یا می‌خواهد که پسرش یتیم و خانمش بی‌شوهر گردد به عقب من بیاید. حضرت عمر رضی‌الله‌عنه همراه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در تمام غزوه‌ها اشتراک نموده و در از بین بردن مرتدین با حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه از هیچ نوع همکاری دریغ نورزید.

خلیفۀ اول در تمام کارها از وی مشوره می‌گرفت. زمانی‌که خلیفۀ اول مریض شد بعد از مشوره با اصحاب حضرت عمر رضی‌الله‌عنه را به حیث جانشین خویش تعیین نمود که از طرف انصار و مهاجران تایید گردید. حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه در موردش گفت:

«حضرت عمر رضی‌الله‌عنه سخت گیر است؛ اما در بین ما نسبت به او سزاوارتر به خلافت کسی دیگری هم موجود نیست».

فتوحات: دورۀ خلافت خلیفۀ دوم مسلمانان یک دورۀ بسیار روشن و پر فتوحات بوده از نگاه عدل، انصاف و نظم در تاریخ اسلام کاملاً بی نظیر است فتوحاتی که در دورۀ ده ساله امارت امیرالمؤمنین حضرت عمر فاروق رضی‌الله‌عنه صورت گرفته با تمام فتوحاتی که در دوره‌های امویان و عباسیان صورت گرفت برابر است. فتوحات دورۀ خلافت حضرت عمر رضی‌الله‌عنه در شرق تا ترکستان و خراسان، در غرب تا لیبیا، در جنوب تا سودان و در شمال الی آخرین سرحدات شام و بحیرۀ سیاه می‌رسید. حضرت عمر فاروق رضی‌الله‌عنه در نتیجۀ جنگ‌های نهاوند و قادسیه امپراتوری فارس را درهم کوبید و فارس(ایران) را به دین اسلام مشرف گرداند.

در جنگ قادسیه تعداد غازیان مسلمان سی هزار تن و قوماندان شان حضرت سعد بن وقاص رضی‌الله‌عنه بود، در حالی‌که تعداد سپاه فارس به ۱۵۰۰۰۰ هزار تن می‌رسید. این جنگ

در سال ۱۴ هجری واقع شد، قوماندان سپاه فارسی‌ها رستم نام داشت. وی حین گریز و فرار، خود را در آب انداخت؛ ولی به اثر ضرب شمشیر هلال بن علقمه کشته شد. در زمان خلافت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه نهرهای کوفه، بصره دوباره آباد و رونق خوبی به آن‌ها داده شد، پل‌ها اعمار، کانا ل‌ها و نهرها حفر گردید. قشله‌های منظم عسکری ایجاد شد، نظام بیت الما ل منظم و امارت اسلامی برای هر ولایت والی تعیین و مقرر نمود، نظام اداری نیز منظم شده تشکیلات اداری، نظامی، دفاتر مالی و غیره تأسیس گردید قضات تعیین شدند؛ نظام خراج آغاز به فعالیت نمود از پیر مردان، زنان و اطفا ل خراج گرفته نمی‌شد. تاریخ هجرت به مشورهٔ صحابهٔ کرام در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه تصویب و منحیث مبدأ تاریخ مسلمانان قرارگرفت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه بعد از ده سال و پنج ماه خلافت به تاریخ ۲۷ ذوالحجهٔ سال ۲۳ هـ توسط ابولولو به شهادت رسید. دورهٔ خلافت وی از نگاه فتوحات، نظم، عدل، انصاف، مساوات، رفاه عامه و تأمین سهولت‌های زنده‌گی یکی از درخشان ترین مراحل تاریخ اسلام است.

فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند؛ گروه اول در مورد نقش دولت حضرت عمر رضی الله عنه در پخش و نشر اسلام و گروه دوم در مورد عدل حضرت عمر رضی الله عنه با هم گفتگو و مباحثه نمایند.

سؤالات

۱- حضرت عمر فاروق رضی الله عنه چه وقت به دین مبین اسلام مشرف شد؟

۲- حضر عمر رضی الله عنه چگونه به خلافت رسید؟

۳- حضرت عمر فاروق رضی الله عنه چه وقت و به دست کی به شهادت رسید؟

فعالیت خارج از صنف

شاگردان با استفاده از منابع دست داشته و به کمک دانشمندان و علمای دین راجع به زنده‌گی حضرت عمر فاروق رضی الله عنه و عدالت شان معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه

در این درس در مورد نسب و شخصیت حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه، چگونه گی رسیدن او به خلافت، فتوحات، و پیشرفت‌های زمان خلافت وی معلومات حاصل می‌نمایید.

نام ایشان عثمان بن عفان و لقبش ذوالنورین بود، از حیث نسب در جد پنجم به حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌رسید. پنج سال بعد از سال فیل در مکه در یک فامیل صاحب عزت چشم به جهان گشود. از آوان جوانی به تجارت مشغول بود. به دعوت حضرت ابوبکرصدیق رضی‌الله‌عنه به دین اسلام مشرف گردید. حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه شخص نرم خو، حلیم و پرهیزگار بود، در راه انتشار دین مبین اسلام قسمت اعظم سرمایهٔ شخصی خود را صدقه نمود، به جز از غزوهٔ بدر در همه غزوه‌ها پیامبر بزرگ اسلام را همراهی نموده است. کاتب وحی بود و هنگامی‌که حضرت عمر فاروق رضی‌الله‌عنه توسط ابولولو زخمی شد و قبل از این‌که روح از بدن شان جدا گردد جهت انتخاب خلیفه، هفت تن از کبار صحابه هر یک حضرت عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، طلحه بن عبیدالله زبیر بن عوام، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف و عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنهم را تعیین نمودند و اضافه کرد که عبدالله بن عمر رضی‌الله‌عنه حق رأی دارد؛ اما حق انتخاب شدن را ندارد. بعد از سه روز بحث و مباحثه سر انجام با اکثریت آرا حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه به حیث خلیفهٔ مسلمانان انتخاب گردید و همه به او بیعت کردند.

فتوحات دورهٔ حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه دو بخش عمده را احتوا می‌نماید، یکی این که مردم، آن مناطقی را که بعد از شهادت حضرت عمر رضی‌الله‌عنه بغاوت کردند؛ مانند ری، همدان، اسکندریه و آذربایجان، دوباره تحت اثر حکومت اسلامی در آورده شدند، دوم مناطق قبرس و ترکیه در هنگامی‌که حضرت معاویه رضی‌الله‌عنه والی شام بود زیر اثر حکومت اسلامی آورده شد؛ همین‌گونه در افریقا نیز یک تعداد مناطق به تصرف مسلمانان در آمد.

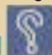
حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه حین خلافت شان قوهٔ بحری را ایجاد و قرآن‌کریم را که جمع آوری آن در زمان خلافت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه صورت گرفته بود به صورت مصاحف، تحریر و به مناطق مفتوحه فرستادند.

حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه بعد از دوازده سال خلافت، در سال ۳۶ هجری توسط شورشیان حین تلاوت قرآن کریم به شهادت رسانیده شد.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به زنده‌گی حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه و گروه دوم در بارهٔ فتوحات دورهٔ خلافت آن حضرت باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱- حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه چگونه به خلافت برگزیده شد؟

۲- کدام مناطق درزمان خلافت حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه فتح شد؟

۳- حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه چه وقت وچگونه به شهادت رسید؟



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به زنده‌گی حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه با استفاده از معلومات علما و دانشمندان و منابع دست داشتهٔ خویش معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

حضرت علی رضی الله عنه

در این درس راجع به نسب، چگونه گی شخصیت و وقایع مهم دورهٔ خلافت حضرت علی(کرم الله وجهه) معلومات حاصل می‌نمایید.

حضرت علی رضی الله عنه بن ابوطالب، پسر کاکا و داماد پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌باشد. لقب مبارک وی اسدالله و حیدر بوده و به کنیت ابوالحسن وابو تراب نیز معروف بود. ایشان ۲۱ سال قبل از هجرت در مکه زاده شد، ده ساله بود که به دین اسلام مشرف گردید. وی در راه اسلام از هیچ گونه ایثار و فداکاری دریغ نورزید. درشب هجرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در بستر شان خوابید تا آن عده کفاری که خانهٔ پیامبر صلی الله علیه وسلم را محاصره کرده بودند اغفال شوند و مطمئن گردند که پیامبر صلی الله علیه وسلم جایی نرفته و در بستر خود خواب است. حضرت علی کرم الله وجهه باب علم و دانش بوده و در عقد مواخات شخص حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به وی دست برادری داد.

بعد از شهادت حضرت عثمان رضی الله عنه در روز دوم، مردم در مدینهٔ منوره به او بیعت نموده وی را به حیث امیرالمؤمنین انتخاب کردند. در دورهٔ خلافت وی حضرت معاویه رضی الله عنه و هم نظرانش اصرار داشتند تا قصاص قاتلان حضرت عثمان رضی الله عنه هرچه عاجل گرفته شود و اما حضرت علی رضی الله عنه استدلال می کرد که تا آرام شدن وضع داخلی حکومت، اندکی انتظار می‌باید کشید. سر انجام، در نزدیکی بصره طرفداران حضرت علی رضی الله عنه و طرفداران قصاص حضرت عثمان رضی الله عنه آمادهٔ جنگ شدند قبل از وقوع جنگ به میانجی گری حضرت قعقاع رضی الله عنه نزدیک بود که بین طرفین صلح بر قرار گردد؛ اما به اثر تحریک عبدالله بن سبای یهودی منافق، جنگ در شب آغاز شد حضرت طلحه و زبیر رضی الله عنهما دوتن از اصحاب عشرهٔ مبشره به شمول تعداد زیادی از اصحاب شهید شدند و جنگ به نفع حضرت علی رضی الله عنه پایان یافت. حضرت ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها که بالای شتر سوار بود دستگیر شده و با برادرش با احترام زیاد به امر حضرت علی رضی الله عنه به مدینهٔ منوره فرستاده شدند.

جنگ صفین

این جنگ بین حضرت علی رضی الله عنه و حضرت معاویه رضی الله عنه در سال ۳۷ هجری در مقام صفین واقع گردید. حضرت علی (کرم الله وجهه) بعد از پنج سال خلافت در سال ۴۰

هجری روز ۱۹ رمضان مبارک توسط عبدالرحمن ابن ملجم یک‌تن از پیروان تفکر خوارج، در حالی که جهت ادای نماز فجر به سوی مسجد روان بود مجروح گردید که سر انجام از اثر همین جراحت دو روز بعد به تاریخ ۲۱ رمضان مبارک به درجهٔ عالی شهادت نایل گردید.
وی امور خلافت را با کمال عدالت، انصاف، شفقت و مهربانی بر رعایا به پیش می‌برد.

پس از شهادت حضرت علی رضی‌الله‌عنه مسلمانان پسر ارشدش حضرت حسن رضی‌الله‌عنه را به خلافت برگزیدند، ایشان بعد از بحث و تحقیق به این نتیجه رسید که باید به خاطر حفظ جان و مال و وحدت مسلمانان از دشمنی و رقابت با معاویه بن ابوسفیان دست برداشته از داعیهٔ خلافت بگذرد. این امر سبب گردید که با حضرت معاویه رابطه برقرار نموده از خلافت به نفع او درگذشت و با هم اتفاق نمودند که بایستی معاویه بعد از خود، امور خلافت را به خود مسلمانان واگذارد تا آزادانه خلیفهٔ خویش را برگزینند و به همین شکل، توافق صورت پذیرفت وخلافت به دودمان اموی انتقال نمود.

فعالیت داخل صنف

شاگردان بدو گروه تقسیم شوند. گروه اول راجع به چگونه گی به خلافت رسیدن حضرت علی کرم الله وجهه و گروه دوم در مورد حوادث دوره خلافت موصوف بحث نمایند.

سؤالات

۱- راجع به نسب حضرت علی کرم الله وجهه چه می‌دانید؟
۲- جنگ صفین میان کی‌ها واقع شد؟
۳- حضرت علی کرم الله وجهه در کدام سال و از طرف کی به شهادت رسید؟

فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به احوال زنده‌گی حضرت علی کرم الله وجهه از علما و امامان مساجد و منابع دست داشته خویش معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

نگاه مختصری به دورهٔ درخشان خلفای راشدین (رضی الله تعالی عنهم)

در این درس در مورد چگونه گی سیاست خلفای راشدین رضی الله عنهم، دست‌آوردها و سایر حوادث و تحولات معلومات ارائه می گردد.

دورهٔ خلفای راشدین رضی الله عنهم که از رحلت پیامبر بزرگ اسلام در سال ۱۱ هجری آغاز و با شهادت امیرالمومنین حضرت علی کرم الله وجههُ در سال ۴۰ هجرت به پایان می‌رسد، نمایانگر شهکاری‌های تاریخی و مایهٔ افتخار عالم اسلام می‌باشد.

طی این مدت زمان، خلفای اسلام می کوشیدند تا به اندازهٔ ذرّهٔ از احکام، اوامر و نواهی قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم عدول ننمایند. و با تمام قوت بر آن احکام و اوامر استوار و عامل باشند. آن‌ها مانند رسول کریم صلی الله علیه وسلم با مردم رفتار نیک نموده و به هدایات و رهنمایی ایشان می‌پرداختند. عدل، انصاف، مساوات، برابری و برادری را تبلیغ، ترویج، تحکیم و تعمیل می‌نمودند.

خلفای راشدین کسانی بودند که خود را در برابر خداوند جل جلاله و مردم مسؤول و جوابده می‌شمردند و هر لحظه هم به حساب دهی حاضر بودند و جز از خداوند جل جلاله از هیچ کس دیگر ترس نداشتند.

آن‌ها از قهر و غضب خداوند جل جلاله و ضایع نمودن حقوق مردم سخت در هراس بودند از سؤال و جواب روز جزا غافل نبودند. شوکت و د بدبه را نمی‌پسندیدند. هر کس می‌توانست هر وقت و در هرجا با ایشان ملاقات کند دارالخلافه شان مساجد، فرش شان بوریا و قصر شان همین مساجد متبرّک بود. به شکم سیر غذا نمی‌خوردند در خانه و محل کار خود نگهبان نداشتند. آن‌ها در راه خداوند جل جلاله لحظه از جهاد قولی و فعلی باز ننشستند. در وحدت و اتحاد مردم سعی بلیغ می کردند. ایشان که از جانب بزرگان صحابه انتخاب شده بودند امور مردم را به صاحبان استعداد و اهل تقوی یعنی کار را به اهلش می‌سپردند و از آن مراقبت جِدی می کردند.

در دورهٔ خلفای راشدین نظام‌های عسکری، قضایی، مالیاتی، پستی، محاسبه، تعلیمی و تربیتی و هم دیوان خراج به طور عام به وجود آورده شدند.

فتوحات در دورهٔ خلفای راشدین وا بسته به عوامل ذیل بود:

- در همهٔ امور ترس از خدا جل جلاله و رضای او تعالی نزد شان مطرح بود.
- عزت و فلاح را در پایداری به اسلام می‌دیدند.
- اتحاد، پاک نفسی، ایمانداری و خدمت صادقانه در جهاد عامل موفقیت ایشان شمرده

می‌شد.

– مسلمانان به این عقیده می‌جنگیدند که اگر با کفار در جنگ کشته شوند شهید و اگر زنده ماندند غازی می‌شوند.

– مسلمانان با مردم کشورهای مفتوحه صمیمانه و برادرانه برخورد می‌نمودند.

– عقیده شان این بود که اجل تغییر نمی‌کند؛ پس با خاطرجمعی می‌جنگیدند.

– تکیه و توکل بر خداوند ﷻ نیز یکی از عوامل دیگر فتوحات بود.

– حفظ اسرار و مشوره را ارج می‌گذاشتند.

– به نظم و قومانده واحد و اطاعت از اولوالامر گردن می‌نهادند.

– شکیبا و صابر بودند.

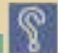
– در برابر گرسنه گی، تشنه گی، و هر گونه مشکلات استقامت کرده، می‌رزمیدند.

چنین صفات و قاطعیت خلفای راشدین باعث شد که دین مبین اسلام تا دور ترین نقاط جهان انتشار نموده و تعداد زیادی از ساکنان جهان به آن مشرف شوند.



فعالیت داخل صنف

شاگردان بدو گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به احوا ل شخصی خلفای راشدین (رضی الله تعالی عنهم) و گروه دوم راجع به عمل کردهای دورۀ خلافت باهم بحث نمایند.



سؤالات

۱– خلفای راشدین در زنده‌گی رسمی و شخصی شان از چه نوع خط مشی پیروی می‌کردند؟

۲– راجع به عوامل فتوحات اسلامی در دورۀ خلفای راشدین معلومات خویش را ارائه نمایید.



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به همه جریانات زنده‌گی خلفای راشدین رضی الله عنهم با کمک علمای محل و منابع دست داشته معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.

امویان

۴۱- ۱۳۲هـ ۶۶۱- ۷۵۰م

در این درس راجع به حضرت معاویه رضی الله عنه، خلفای مشهور اموی، فتوحات اموی‌ها و حماسه عاشورا معلومات ارائه می گردد.

مؤسس این خاندان حضرت معاویه رضی الله عنه می‌باشد، از این خانواده۱۴ تن حکومت نموده اند که نخستین آن حضرت معاویه رضی الله عنه و آخرین آن مروان می‌باشد، در این دوره دامنۀ فتوحات اسلامی در غرب تا هسپانیه و فرانسه و در شرق الی ترکستان، چین و هند رسید.

حضرت معاویه رضی الله عنه

حضرت معاویه رضی الله عنه پسر ابوسفیان رضی الله عنه و نواسۀ حرب می‌باشد ۱۵ سال قبل از هجرت در مکه معظمه تولد شده است پدرش حضرت ابوسفیان رضی الله عنه از بزرگان قوم قریش بود. و در روز فتح مکه با همه خانواده اش به دین مبین اسلام مشرف گردیدند. حضرت معاویه رضی الله عنه یکی از کاتبان وحی نیز می‌باشد که از طرف حضرت محمد صلی الله علیه وسلم وظیفه کتابت وحی برایش سپرده شده بود.

در زمان خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه والی شام بود. زمانی که حضرت علی رضی الله عنه به شهادت رسید و حضرت امام حسن رضی الله عنه به خلافت برگزیده شد بعد از گذشت چند ماه با حضرت معاویه رضی الله عنه که والی شام بود به این توافق رسید که حضرت معاویه رضی الله عنه نمی‌تواند بعد از خودش کسی را به حیث جانشین خویش تعیین کند؛ بلکه باید این امر را به مسلمانان واگذار نماید. به این ترتیب حضرت معاویه رضی الله عنه امیر تمام کشور اسلامی گردید. و حضرت امام حسن از خلافت دست کشید. حضرت معاویه دمشق را پایتخت خود قرار داد، به بنی هاشم احترام زیاد قایل بود. او مراکش و المغرب را در غرب، ترکیه را در شمال، سیستان و خراسان را در شرق فتح نمود.

در ایجاد قوۀ نیرومند بحری سعی فراوان مبذول داشته و در این راه به موفقیت‌های شایانی دست یافت. حضرت معاویه در سال ۶۱ هجری وفات یافت.

یزید

۶۱- ۶۴هـ ق. / ۶۸۱- ۶۸۴ م

یزید در سال ۲۵ هـ .ق. تولد شده و در سال ۶۱ هـ . ق. بعد از وفات پدرش حضرت معاویه رضی الله عنه به قدرت رسید. در دوران حکمرانی وی حماسهٔ کربلا به وقوع پیوست که طی آن حضرت امام حسین رضی الله عنه با ۷۲ تن از یارانش به شهادت رسیدند. یزید در سال ۶۴ هـ . ق. وفات نمود.

عبدالملک بن مروان

۶۵- ۸۶ هـ / ۶۸۵- ۷۰۵ م

پس از وفات یزید، پسرش معاویه ثانی به سلطنت رسید. زمامداری وی ۴۰ روز زیاد دوام نکرد، در عوض مروان بن حکم زمام امور را به دست گرفت. وی وعده نمود که زمام امور را به خالد پسر معاویه دوم بسپارد. زمانی‌که قدرت در دست وی متمرکز شد با مادر خالد نکاح کرد و در عوض خالد، پسر خود عبدالملک و عبدالعزیز را یکی پی دیگری ولیعهد تعیین نمود.

بعد از مرگ مروان عبدالملک به قدرت رسید. وی بصره، کوفه و سایر مناطق را که در دست عبدالله بن زبیر رضی الله عنه بود تحت تصرف خویش در آورد. بعد فتنهٔ خوارج را از بین برد در شرق دامنهٔ فتوحات را تا کابل امتداد داد، در شمال قسطنطنیه را تصرف نمود. عقبه بن نافع سرزمین‌های شمال افریقا را که از دست رفته بود واپس به دست آورد. عبدالملک بن مروان بعد از ۲۱ سال پادشاهی در سال ۸۶ هجری به عمر ۶۳ ساله‌گی وفات نمود. نامبرده اولین زمامدار اسلامی بود که سکه را به‌نام خود ضرب نمود در حالی‌که قبل از وی در مملکت سکه‌های رومی و ساسانی رواج داشت و هم در دوران پادشاهی وی زبان عربی در تمام دوایر دولتی رسمیت پیدا کرد.

عمر بن عبدالعزیز

۹۹-۱۰۱ هـ .

در خاندان اموی، حضرت عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه کسی بود که از دانش، تقوا و عدل برخوردار و بدان شهرت داشت. وی سعی می‌کرد تا گام به گام خلفای راشدین(رض) حرکت نماید. او بعد از مرگ سلیمان در سال ۹۹ هـ . به خلافت رسید موصوف مطابق دساتیر قرآن و احادیث نبوی رفتار می‌نمود، وی به سبب رعایت عدالت به عمر ثانی و خلیفهٔ راشده پنجم مسمی شده است.

حضرت عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه در دورهٔ خلافت خویش تمام والیان وقضات دورهٔ اموی را عزل کرد و به جای آن‌ها اشخاص باتقوا، عادل، پاک‌نفس و باایمان را مقرر نمود. در اصول خراج و مالیات تغییرات وارد کرد.

خراج سنگین و طاقت فرسا را از مردم لغو و آن‌را مطابق توان مردم عیار ساخت. سوء استفاده از بیت المال و دارایی‌های عامه را مانع شد، با خاینان، رشوه‌خوران، مفسدان با قاطعیت مبارزه می‌کرد و از همچو افراد نا سالم شدیداً نفرت داشت.

نسبت روش و بر خورد عادلانهٔ حضرت عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه، خوارج و تمامی مخالفان از مخالفت بادولت دست کشیدند. وی برای رفاه و سلامتی مردم شفاخانه‌ها و نهرها، بندهای آب و کانال‌های را احداث نمود که به اثر آن زمین به کشت و زراعت آماده شد و هم مقدار اراضی به مستحقین آن توزیع گردید؛ همچنان عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه اولین کسی بود که رسماً به جمع آوری احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم دستور داد. حضرت عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه بعد از دو سال و پنج ماه خلافت به توطیهٔ دسته‌یی از خاینان به دست یک غلام خاین شهید شد.

امویان در حدود یک قرن بالای جهان اسلام حکومت راندند که مشهورترین امرای آن‌ها قرار ذیل است:

۱- معاویه بن ابو سفیان رضی الله عنه ۴۰- ۶۰هـ.ق.

۲- یزید بن معاویه ۶۰ - ۶۴هـ. ق.

۳- عبدالملک بن مروان ۶۵- ۸۶ هـ. ق.

۴- ولید بن عبد الملک ۸۷- ۹۶ هـ. ق.

۵- سلیمان بن عبد الملک ۹۷- ۹۹ هـ ق

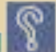
۶- عمر بن عبدالعزیز رضی‌الله‌عنه ۹۹- ۱۰۱هـ ق
۷- یزید دوم بن عبد الملک ۱۰۱- ۱۰۵هـ ق
۸- هشام بن عبدالملک ۱۰۵- ۱۲۵هـ ق
۹- ولید بن عبدالملک دوم ۱۲۵- ۱۲۶هـ ق
۱۰- یزید بن ولید بن عبد الملک سوم ۱۲۶- ۱۲۷هـ ق
۱۱- مروان بن محمد ۱۲۷- ۱۳۲هـ ق

حکومت اموی‌ها تقریباً بعد از یک قرن حکمروایی رو به انحطاط نهاده و آخرین حکمران آن مروان در نزدیکی حران شکست خورده و در حالت فرار به جانب مصر کشته شد و به این ترتیب، دودمان عباسیان به قدرت رسید و تاریخ اسلام وارد مرحله‌یی جدید گردید.



فعالیت داخل صنف

شاگردان بدو گروه تقسیم شوند، گروه اول در رابطه به چگونه گی به قدرت رسیدن خاندان اموی و گروه دوم راجع به کارکردهای حضرت معاویه (رضی‌الله‌عنه) بحث نموده و نتیجه آن را در صنف ارائه نمایند.



سؤالات

۱- حضرت معاویه رضی‌الله‌عنه پسر کی و نواسه کی بود؟

۲- دامنهٔ فتوحات اسلام در زمان حضرت معاویه رضی‌الله‌عنه تا کدام مناطق می‌رسید؟

۳- کدام خلیفهٔ اموی به نام عمر ثانی و خلیفهٔ راشدهٔ پنجم نامیده می‌شد؟



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به چگونه گی خلافت حضرت معاویه رضی‌الله‌عنه معلومات جمع آوری نمایند و آنرا در صنف ارائه نمایند.

وضعیت اقتصادی، اداری، فرهنگی و نظامی در زمان اموی‌ها

۴۱- ۱۳۲ هـ ق

در این درس در مورد مسایل سیاسی، اقتصادی، کلتوری و نظامی عصر امویان معلومات ارائه می گردد.

در دورهٔ اموی‌ها یک سلسله تغییرات مهم از نگاه اقتصادی به میان آمد.تحت عناوین غنیمت، عشر، خمس، اموال و اجناس زیادی از کشورهای مفتوحهٔ آسیایی و افریقایی به دارالخلافت دمشق ارسال می گردید. روابط تجاری درمیان ممالک متصرفه بیشتر در جریان افتاد.

از لحاظ تمدنی و ثقافتی، شهرهای زیادی در دورهٔ امویان اعمار شد، این شهرها دارای برج‌های بلند بوده و در عین حال شکل قلعه‌های دفاعی را نیز داشت. دمشق که از طرف خاندان اموی منحیث پایتخت مورد استفاده بود در آن زمان، یکی از شهرهای قشنگ جهان محسوب می گردید.

برای اولین بار در دوره اموی، در زمان عبدالملک سکه ضرب زده شد. قبل از آن سکه‌های رومی و ساسانی رواج داشت. در زمان حضرت عمر بن عبدالعزیز(رضی‌الله‌عنه) زمین‌های خرابه تحت آب قرار گرفته و برای زراعت آماده شد. شفاخانه‌ها برای علاج مریضان ایجاد شد، به زراعت توجه بیشتر مبذول گردید. برای پیشرفت زراعت، نهرها حفر و بندهای آبی نیز ایجاد گردید.

تمدن اسلامی در دورهٔ امویان رشد سریع داشت که تأسیس مؤسسات خیریه، مساجد و از جمله اعمار مسجد جامع دمشق نمونه‌یی بارز آن است. ادبیات اسلامی، علوم و فنون، هنر و صنایع گسترش یافت که از این طریق نظام اسلام در جهان به عنوان یک معیار برای متمدن شدن دیگران مورد استفاده قرار گرفت.

در بُعد نظامی، افراد شایسته و دانا؛ مانند: موسی بن نصیر در رأس دسته‌های عسکری

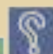
(اردو) قرار گرفت، موسی بن نصیر و طارق بن زیاد درشمال افریقا وجنوب غرب اروپا دامنۀ اسلام را تا هسپانیا رسانید، قطیبه بن مسلم دامنه فتوحات و متصرفات خود را تا کشورهای آسیای میانه، ترکستان و کاشغر وسعت داد و هم به دربار چین هیأت اسلامی را گسیل داشت.

محمد بن قاسم در هند توانست فتوحات خود را تا کراچی و ملتان وسعت دهد. مسلمه بن عبدالملك در آسیای صغیر سرحد فتوحات خویش را تا شهر انطاکیه توسعه بخشید.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد امور اجتماعی در دورۀ اموی‌ها و گروه دوم راجع به فعالیت‌های نظامی در این دوره باهم بحث و گفتگو کنند.



سؤالات

۱- راجع به مالیات اسلامی توضیح دهید.

۲- اموی‌ها کدام شهر را به حیث پایتخت خود انتخاب کردند؟

۳- اموی‌ها به منظور رفاه عامه کدام کارهایی را انجام دادند؟

۴- محمد بن قاسم کدام قسمت‌ها را تصرف نمود؟



فعالیت خارج از صنف

شاگردان در رابطه به رازهای موفقیت دورۀ اموی‌ها در عرصۀ تمدنی و نظامی از علما محل و منابع دست‌داشته خویش معلومات جمع‌آوری نموده و آن‌را در صنف ارائه نمایند.

عباسیان

۱۳۲– ۶۵۶ هـ/ ۷۵۰– ۱۲۵۸ م.

درین درس در مورد چگونه گی انتقال حکومت از خاندان اموی به عباسیان معلومات ارائه می گردد.

انتقال خلافت از امویان به عباسیان

بعد از فوت ولید بن عبدالملک در سال ۹۶هـ. ق. حکومت اموی ۳۶ سال دیگر نیز دوام کرد؛ اما وضع خوبی نداشت. خانوادۀ عباسی پنهان مبارزه می کرد. علویان نیز با اموی‌ها از قبل کینه داشتند، ولی موضوع مهمی که این خصومت‌ها را شکل علنی بخشید آن بود که امام ابراهیم به امر مروان به قتل رسید. قتل وی سبب شد تا دیگر عباسیان مخالفت خود را علنی کنند. ابو مسلم خراسانی در سال ۱۲۹ در مرو بیرق سیاهی بلند نموده و حاکم اموی نصر بن سیار را که حاکم نیشاپور بود به عقب نشینی مجبور ساخت و بعد با یک لشکر صد هزار نفری در کنار دریای زاب لشکر ۱۲۰ هزار نفری مروان را شکست داد. مروان، آخرین خلیفۀ اموی به موصل گریخت ابو مسلم بیرق سیاه را در دمشق به اهتزاز در آورد. مروان در کنار رود نیل توسط عساکر عباسی به قتل رسید و به این ترتیب خاندان عباسی به قدرت رسید.

ابوالعباس سفاح

۱۳۲ – ۱۳۶هـ. ق.

نام اصلی ابوالعباس، عبدالله بن محمد بن عبدالله می‌باشد، زمانی‌که مروان کشته شد. ابوالعباس رسماً خودش را خلیفه اعلان کرد. او اولین خطبه خود را در روز جمعه قبل از نماز برای مسلمانان ایراد نمود و طوری وانمود کرد که خط مشی خلفای راشدین(رضی الله عنهم) را در رهنمایی و خدمت به مسلمانان ملاک عمل قرار می‌دهد؛ بنابراین بیانیه بر مردم شهر دمشق مؤثر واقع شد. بعد از آن به کشتار دسته جمعی اعضای خاندان اموی آغاز کرد. و در ریختاندن خون ایشان از نهایت شدت کار گرفت که از اثر آن در کشور بزرگ اسلامی به نام سفاح، یعنی سفاک مشهور و معروف شد. دورۀ خلافت وی که مدت چهار سال بود به کشتار مخالفان سپری شد و در سال ۱۳۶هـ. وفات یافت.

ابوجعفر عبدالله المنصور

(۱۳۶-۱۵۸هـ. ق. / ۷۵۴-۷۷۵م.)

بعد از مرگ ابوالعباس ولیعهدش منصور براریکهٔ خلافت نشست. او فرد دانا، عالم و زیرک و از وسعت بینش و تیز هوشی فکری خاصی برخوردار بود. برای استحکام خلافت عباسیان تلاش‌های زیادی نمود؛ همچنان وی در تنظیم امور دولتی موفق بود و در امور مالیات، معارف، زراعت و احداث راه‌ها زحمات زیادی کشید. در دورهٔ خلافت او کدام حادثه المناک واقع نشد؛ بلکه مردم زنده‌گی خود را به آرامش به سر می‌بردند. تنها حادثه‌یی که از این دوره قابل ذکر است قیام عبدالله بن علی بود که آن هم از طرف منصور به شدت سرکوب گردید. منصور مرکز خلافت را از دمشق به بغداد انتقال داد.

وی بعداز ۲۲ سال حکومت در سال ۱۵۸م. در مسیر سفر به حج وفات نمود.

محمد المهدی بن جعفرالمنصور

(۱۵۸-۱۶۹هـ.ق. / ۷۷۵-۷۸۵م.)

مهدی بعد از مرگ پدرش به خلافت رسید. او صاحب اخلاق پسندیده، حسن سلوک، تقوا و تواضع بود. از اولین کارنامه‌های او عفو عمومی تعدادی از زندانیانی بود که بدون گناه زندانی شده بودند. مهدی ملکیت‌ها و جایدادهای تمام مخالفان راکه در زمان منصور مصادره شده بود دوباره به صاحبان آن برگردانید و در مجموع با همهٔ انسان‌ها برخورد نیک داشت. به قضا و قضات احترام زیاد داشت و در برابر ایشان همچو یک فرد عادی می‌ایستاد و عملی کردن فیصلهٔ آن‌ها را برای خود یک مکلفیت و مسؤولیت جدی و حتمی می‌دانست. مسجد بیت الحرم را وسعت داد و به آبادانی شاهراه‌ها، کاروان سراها، مهمانخانه‌ها و راه‌های فرعی همت گماشت. در امور پُستی خدمات شایانی را انجام داد و در این راستا سیستم منظم پُستی میان مکهٔ معظمه، مدینهٔ منوره، یمن و بغداد را به میان آورد. برای خانواده‌های زندانیان از بیت الـمال معاش مقرر کرد. در روزهای واپسین حیات خویش پسران خود را بدین ترتیب هادی ولیعهد اول و هارون را به ولیعهدی دوم تعیین نمود. او بعد از یازده سال خلافت در سال ۱۶۹هـ. دنیای فانی را وداع گفت.

موسی الهادی

(۱۶۹-۱۷۰هـ.)

به تعقیب مرگ المهدی، موسی الهادی برمسند قدرت نشست او دراین زمان بیست و چهار سال داشت. الهادی محافظان دروازه‌های دربار را برطرف کرد تا مردم مستقیماً مشکلات شان را باوی بازگو کنند. در زمان خلافت او ادریس در مراکش و موریتانیا دولت مستقل اعلام نمود. الهادی بعد از تقریباً دو سال خلافت در سال ۱۷۰هـ وفات نمود.

هارون الرشید بن مهدی

(۱۷۰-۱۹۳هـ./ ۷۸۶-۸۰۹م.)

هارون الرشید بنابر وصیت پدرش بعد از مرگ موسی الهادی به خلافت رسید. وی نه تنها در خاندان عباسی؛ بلکه در تاریخ اسلام یک شخصیت بزرگ بود. در اثر مساعی او بود که بغداد به پایتخت علوم در سطح جهان مبدل شد.

هارون الرشید انسان مدبر و دانشمند بوده. همسر او زبیده نیز یک زن هوشیار، عالم ویک خانم مهربان دلسوزی بود. برای رفع مشکلات آب آشامیدنی مردم مکه حاضر شد تا با فروش زیور شخصی خود، پروژهٔ حفر نهر را از طایف به مکه با موفقیت به پایان رساند که این آب‌جوی تا امروز هم به نام نهر زبیده مشهور است. هارون الرشید با کفایت و درایت شخصی خود تمام آن شورش‌ها و بغاوت‌ها را که در زمان هادی برادرش به میان آمده بود به صورت مسالمت آمیز فرو نشاند. علما و فضلا را احترام می‌نمود. علوم و فنون در دورهٔ او به اوج خود رسیده بود. وی مکاتب، مدارس، شفاخانه‌ها، کاروان سراها، پل‌ها، نهرهای بزرگ و بندهای آب را احداث نمود. یکی از دست آوردهای مهم زمان او ساختن ساعت در بغداد بود. هنگامی که ساعتی را به شارلمان شاه فرانسه به شکل تحفه فرستاد، شاه فرانسه از دیدن آن ساعت به تعجب افتاد و با وزیران خود گفت «این مسلمانان مردم عجیبی اند که دریک قطعه آهنی بدین کوچکی جنیات را محبوس کرده اند که این اشیای کوچک را به حرکت در می‌آورند و صدای تک تک می کشند». هارون الرشید اولین شخصیت اسلامی است که با کشورهای چین و فرانسه روابط برقرار کرد و به این کشورها سفرا فرستاد و سفرای آن کشورها را در بغداد پذیرفت.

موصوف (۹) بار مکهٔ مکرمه و مدینهٔ منوره را همراه با حجاج زیارت نمود و بعد از (۲۳) سال خلافت در طوس (مشهد) کنونی وفات نموده و در همانجا به خاک سپرده شد.

مامون الرشید

(۱۹۹–۲۱۸هـ.)

امین درپی مرگ هارون الرشید به خلافت رسید. مامون برادر وی که به صفت والی مرو ایفای وظیفه می‌نمود. خلافت امین را پذیرفت، اما وقتی که امین به تحریک فضل بن ربیع مامون را ازولیعهدی برانداخت، مامون مجبور شد تا به شمشیر دست ببرد. و دراین وقت از طرف مامون، طاهر فوشنجی که از سرزمین افغانستان امروزی بود، رهبری لشکر را به عهده داشت و از طرف امین علی بن عیسی، سرداری سپاه را عهده دار بود. دراین گیرودار، امین به قتل رسید و با مرگ امین لشکر وی نیز شکست خورد و خلافت اسلامی رسماً به مامون واگذار شد.

مامون الرشید به معارف توجه جدی معطوف داشت. دراین دوره به علوم طب، ریاضیات، فلسفه، ادب، منطق و دیگر علوم رشد زیاد نمود. از بسا زبان‌های خارجی به ویژه زبان لاتین آثار زیادی ترجمه شده و در مجموع کوشش می‌شدتا نظام سیر تمدنی خود را همچو دوران هارون الرشید به سوی پیشرفت ادامه دهد.

ولی بعداز آنکه مامون وفات کرد و معتصم به قدرت رسید. او طوری که لازم بود به امور مملکت حاکمیت چندانی نداشت. به تدریج و با به میان آمدن حکومت‌های اندلس (اسپانیا) و فاطمیان در مصر عملاً دامنهٔ خلافت بغداد محدود شد. در سمت شرقی خلافت اسلامی، طاهر فوشنجی که به عنوان والی خراسان از سوی مامون مقرر شده بود. در سال (۲۰۴هـ.) اعلان استقلال نمود. در بغداد هم قدرت اصلی به دست ترکان افتاد.

آخرین خلیفهٔ این سلسله مستعصم بالله بود که به دست نواسهٔ چنگیز (هلاکو) در بغداد به قتل رسید و به این ترتیب در سال (۶۵۶هـ. ق.) حاکمیت خاندان عباسی پایان یافت.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، گروه اول راجع به چگونه‌گی به قدرت رسیدن عباسی‌ها و گروه دوم در مورد حاکمیت هارون الرشید باهم بحث کنند.



سؤالات

۱– شخصیت بازر و مهم خاندان عباسی چه نام داشت و از طرف کی به قتل رسید؟

۲– آخرین حکمران خانوادهٔ عباسی، از طرف کی به قتل رسید؟

۳– در دورهٔ خلافت مامون الرشید در کدام بخش‌های علمی پیشرفت‌ها صورت گرفت؟

۴– منصور خلیفهٔ عباسی در کدام سال وفات نمود؟



فعالیت خارج از صنف

شاگردان راجع به پیشینهٔ تاریخی خاندان عباسی و عمل کرد آن‌ها در دورهٔ خلافت، با استفاده از فهم، دانش و آگاهی اشخاص آگاه و دانشمند محل شان معلومات جمع آوری و در صنف ارائه نمایند.

اوضاع سیاسی، اداری، فرهنگی و اقتصادی دورهٔ عباسیان

در این درس راجع به چگونه‌گی امور اداری و پیشرفت‌های که در دوران زمامداری خاندان عباسی به خصوص در عرصهٔ علم و هنر به وجود آمده بود معلومات حاصل می‌نمایید.

عباسیان از ابتدا طوری به مردم وانمود می‌کردند که اموی‌ها از خط مشی حضرت پیغمبر ﷺ و خلفای راشدین رضی الله عنهم انحراف کردند و ایشان اند که به صورت مستقیم مسیر شریعت محمدی ﷺ و روش خلفای راشدین رضی الله عنهم را تعقیب می‌کنند. یکی از نمونه‌های این‌گونه ادعا، خطبهٔ تاریخی ابوالعباس بود که در هنگام به خلافت رسیدن قبل از نماز جمعه توسط وی ایراد گردید.

بعداز مرگ ابوالعباس، در دورهٔ جعفر منصور به سیاست، توجه شایانی صورت گرفت، ابو جعفر منصور شخصی بود که از دانشمندان عصر به صفت مشاوران کار می‌گرفت، مشاوریت مغز متفکر و تیز هوش یزید بن مسلم بهترین مثال برای ثبوت استفادهٔ ابو جعفر منصور از مشاوران است. یکی از خصوصیات سیاست نظامی دورهٔ عباسیان این بود که قبل از وقوع حادثه متوجه آن می‌شدند، وقتی‌که از کدام کسی و یا کدام جهت خطری احساس می‌کردند، کوشش می‌نمودند تا حملهٔ تعرضی و یا ضربهٔ باز دارنده را بر ایشان وارد نمایند؛ به طور مثال وقتی‌که ابوجعفر منصور از طرف ابو مسلم احساس خطر کرد، برای از بین بردن او دست به کار شده به زنده‌گی اش خاتمه داد.

خصوصیت دیگر حکومت عباسی‌ها بر قرار ساختن روابط دیپلوماسی جهانی بود که براساس آن اعزام سفرای حسن نیت دایمی و موقتی به کشورهای جهان و برعکس پذیرش و سکونت نماینده‌گان کشورهای متعدد در قلمرو تحت حاکمیت عباسیان بوده است.

به عنوان نمونه زمانی‌که هارون الرشید خلیفهٔ مملکت وسیع اسلامی بود، وی عملاً با بسیاری از کشورهای جهان روابط دیپلماتیک برقرار ساخت که می‌توان از کشورهای نظیر، هند، چین، فرانسه، یونان وغیره نام برد.

در عرصهٔ علمی و فرهنگی در این دوره پیشرفت به وجود آمد. طبابت نهایت رشد

و انکشاف کرد و برای بسیاری از امراض انسانی، حیوانی و نباتی، دوا و دارو ساخته شد. در بغداد از بسیاری کشورهای جهان دانشمندان؛ علما، اهل فن، فیلسوف‌ها، جغرافیه دانان، علمای علم نجوم، ریاضی دانان، هندسه دانان، نقاشان، خطاطان، موسیقی دانان، معماران و سرانجام ماهران هر فن و مسلک جمع شده بودند و از طرف خلفای عباسی کاملاً حمایت می‌شدند و مورد احترام قرار می گرفتند، و از امتیازات بلند برخوردار بودند.

در بغداد از هر دین و مذهب مردم وجود داشت. برای هیچ کسی، محدودیت دینی، مذهبی و کلتوری موجود نبود. عیسویان، یهودیان، مجوسیان، بت پرستان و صاحبان عقاید و افکار مختلف با آزادی کامل به اجرای مراسم دین خود می‌پرداختند و به تحقیقات شان در بخش‌های مختلف علمی و فنی مشغول بودند.

در این دوره، علم، فن و معارف رشد خوبی داشت، بسیاری از کتاب‌های علمی و هنری که به زبان‌های متعدد در کشورهای مختلف جهان تألیف گردیده بود. به زبان عربی ترجمه شد. تاریخ و جغرافیه نویسان غرض گرد آوردن معلومات به نواحی مختلف جهان سفرهایی انجام دادند و در این راستا زحمات زیادی را متقبل شدند. در این سفرها جغرافیه نویسان کشفیات زیادی کردند و مؤرخان نیز آثار قابل قدر و ستودنی را به رشته تحریر در آوردند. ادیبان، اهل فن و غیره در راه تعمیم تعلیم و تربیه از هیچ نوع سعی و قبول زحمات دریغ نورزیدند، ترویج زبان عربی در تمام مناطق آسیایی و افریقایی صورت گرفت. در بخش الجبر و ریاضیات خدمات فراموش ناشدنی به عمل آمد. در دورۀ عباسیان، کشف و کار بُرد قطب نما به منظور تسهیلات در فن کشتیرانی و اسطرلاب منحیث لابراتوار برای علم جغرافیه، از جمله چیزهایی بودند که در این دو رشته شکل انقلاب را داشت؛ زیرا قطب نما از یک طرف در سیر و سفر کشتی‌ها سهولت فوق العاده را فراهم می‌نمود و از طرف دیگر، آلۀ اسطرلاب دوری و نزدیکی ستاره‌ها را تشخیص می‌داد. این آله را شخصی به نام اغریق اختراع کرد. همچنان مسلمانان آن عصر طلایی در صنعت ساعت سازی، کاغذ سازی و باروت سازی استادان اروپایی‌ها بودند. مؤرخان بر این عقیده اند که اروپایی‌ها علوم؛ چون هندسه، نجوم، ریاضی و بسیاری فنون وهنرهای دیگر را از مسلمانان فرا گرفته اند.

پیشرفت‌هایی که در بخش‌های مختلف علوم چون کیمیا، الجبر و جیولوژی در دورۀ

عباسیان صورت گرفت، از دست آورده‌های آن دوره به شمار می‌رود.

کار استخراج معادن نمک، سرب، گوگرد، آهن و دیگر سنگ‌های کریمه و قیمتی به صورت منظم در این دوره شروع و ادامه یافت.

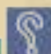
در دورهٔ عباسیان علاوه بر بغداد، شهرهای بصره، کوفه، قاهره، قیروان، مرو، ری، بخارا و نیشاپور از لحاظ علم و فن و هنر در سطح جهان مقام شامخ را احراز کردند که از نقاط مختلف جهان مردم برای تحصیل علم، دانش، هنر، کسب مهارت‌های گوناگون، به آن مناطق می‌آمدند و از فضایل و زیبایی مادی و معنوی آن لذت برده وکسب علوم و فضایل می کردند.

در عصر عباسیان برای پیشرفت و تعالی همه جانبهٔ مدنیت انسانی کارهای زیادی انجام شد که دارای ارزش خاص بوده تاریخ و تمدن اسلامی تا به ابد به آن می‌بالد. در مورد ساخت آلات جنگی و دسپلین عسکری نیز توجه خاص در این دوره صورت گرفت. بنابراین گفته می‌توانیم که عباسیان در بخش نظامی نیز موفقیت‌های داشته اند.



فعالیت داخل صنف

شاگردان به دو دسته تقسیم شوند. گروه اول راجع به بخش فرهنگی و ثقافتی دورهٔ عباسیان و گروه دوم به عمل کرد نظامی در این دوره باهم بحث کنند.



سؤالات

۱- شهرهایی را نام ببرید که در دورهٔ عباسیان، مراکز تمدن جهان محسوب می‌شدند.

۲- در بخش الجبر و ریاضیات در دوران کدام خلیفهٔ عباسی موفقیت‌های بزرگی به میان آمد؟

۳- در دوره عباسیان در عرصهٔ دیپلوماسی در سطح جهان چگونه اساسات به میان آمد؟



فعالیت خارج ازصنف

شاگردان در ارتباط به دورهٔ عباسیان با استفاده از منابع و هم از علما و افراد آگاه قریه و محل خویش معلومات حاصل و در صنف ارائه نمایند.